

# آموزش

# سیاسی

تهیه و تنظیم:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
امور استانها - ستاد طرح هجرت - آموزش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناختنامه

آموزش سیاسی

نام:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (امور استانها- ستاد طرح هجرت - آموزش)

تهییه و تنظیم:

مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) قم

حروفچینی و صفحه‌آرایی:

تابستان ۱۳۷۴

تاریخ انتشار:

٣٠٠٠ نسخه

تیراژ:

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

چاپ و نشر:

(حق چاپ محفوظ است.)

## فهرست

۱۰.....	برخی ملاحظات ضروری
۱۱.....	درس اول: لزوم شناخت مسائل سیاسی
۱۳.....	۱- مفاهیم
۱۳.....	- مفهوم سیاست
۱۴.....	- پدیده سیاسی
۱۴.....	- مسائل علم سیاست
۱۵.....	- تجزیه و تحلیل سیاسی
۱۵.....	- تفسیر سیاسی
۱۵.....	۲- ضرورت طرح مسائل سیاسی
۱۶.....	- اجتماعی بودن انسان
۱۷.....	- پیوند دین و سیاست
۱۹.....	۳- عوامل و عناصر مهم در شناخت و تحلیل پدیده های سیاسی
۲۰.....	- تاریخ
۲۱.....	- جغرافیا
۲۱.....	- جامعه شناسی
۲۱.....	- مردم شناسی
۲۲.....	- اقتصاد
۲۲.....	- سازمانهای بین المللی
۲۲.....	- رسانه های گروهی
۲۴.....	الف - تأثیر مطبوعات بر افکار عمومی

۲۲.....	-اقتصاد
۲۲.....	-سازمانهای بین‌المللی
۲۲.....	-رسانه‌های گروهی
۲۴.....	الف - تأثیر مطبوعات بر افکار عمومی
۲۴.....	ب - سوء استفاده از نارضایتیها
۲۵.....	ج - چگونگی نفوذ در افکار عمومی
۲۵.....	د - بی‌تفاوت کردن مردم
۲۵.....	<b>۴- تحلیل واقعی چیست؟</b>
۲۶.....	-کسب اطلاعات صحیح
۲۶.....	-شاپیوه
۲۷.....	-اعتقادات و ارزش‌های فردی
۲۷.....	-عواطف و احساسات
۲۷.....	-تصویر ذهنی
۲۷.....	<b>۵- موانع رشد آگاهیهای سیاسی</b>
۲۷.....	-استبداد
۲۸.....	-استعمار
۲۸.....	الف - ایجاد جهل و اغفال توده‌ها
۲۸.....	ب - ایجاد تفرقه
۲۸.....	ج - ایجاد وابستگی
۲۸.....	د - محو هویت فرهنگ بومی
۳۰.....	پرسش

درس دوم: تاریخچه مسیحیت (قرون وسطی و رنسانس).....	۳۱
۱- مقدمه: تاریخچه غرب.....	۳۲
الف- قرون قدیم.....	۳۳
ب- قرون وسطی.....	۳۴
ج- قرون جدید (رنسانس).....	۳۴
۲- قرون وسطی.....	۳۵
الف- تاریخچه قرون وسطی.....	۳۵
- وجه تسمیه قرون وسطی.....	۳۵
- تاریخ عمومی قرون وسطی.....	۳۶
ب- ویژگیهای قرون وسطی.....	۳۸
۳- رنسانس.....	۴۲
الف- تاریخچه رنسانس.....	۴۳
ب- ریشه‌ها و علل رنسانس.....	۴۵
- جنگهای صلیبی و تأثیرات آن.....	۴۵
- ریشه‌های فرهنگی (جنبشاهی مذهبی، هومانیسم).....	۵۲
- ریشه‌های اقتصادی (بورژوازی).....	۵۸
ج- ویژگیهای رنسانس (قرون جدید).....	۶۰
پرسش.....	۶۴
درس سوم: استکبار جهانی و کشورهای جهان سوم.....	۶۵
۱- مقدمه.....	۶۷
۲- تعاریف استکبار و امپریالیسم.....	۶۹

۳-شیوه‌های اجرایی استکبار

الف-شیوه‌های نظامی

-دخلالت نظامی

-توطئه و حضور غیر مستقیم

-ایجاد درگیریها و بحرانهای منطقه‌ای و اختلافات مرزی

-تجارت اسلحه

-کودتا

ب-شیوه‌های سیاسی

-تسلط بر افکار عمومی از طریق رسانه‌های گروهی

-تفرقه‌افکنی و از بین بردن همبستگی و وحدت ملی

-استفاده از سازمانها و مجامع بین‌المللی

-حمایت از رژیمهای وابسته و سرکوب جنبش‌های مخالف

ج-شیوه‌های فرهنگی و اجتماعی

-نفی اصلتهای فرهنگی و ارزش‌های انسانی

-جذب افراد و نیروهای کارآمد

-تربيت مدیران و زمامداران

-اشاعه فساد و ترویج فحشاء

-جاسوس‌پروری

پرسش

درس چهارم: واکنش ایران در برابر استعمار و استبداد

۱-نهضت تنباکو

-تحريم تنباکو اولین مقاومت منقی در ایران

۸۸.....	-اعطای امتیاز تنباکو
۸۸.....	-علت مقاومت
۸۹.....	-قیام مردم و رهبری علماء
۸۹.....	-اقدامات میرزای شیرازی و لغو امتیاز رژی
۹۰.....	<b>۲-مشروطه</b>
۹۰.....	-نهضت مشروطه
۹۱.....	-عوامل مشروطه
۹۲.....	<b>۳-نهضتها و مبارزات پس از مشروطه</b>
۹۲.....	دلایل پیدایش نهضتها بعد از مشروطه
۹۳.....	-نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان
۹۴.....	-قیام محمد تقی پسیان
۹۵.....	-قیام خیابانی در آذربایجان
۹۶.....	-نهضت دشتستانیها و ترکستانیها
۹۷.....	-مبارزات شهید مدرس
۹۷.....	-آیة‌الله کاشانی و نهضت ملی شدن صنعت نفت
۹۸.....	-شهید نواب صفوی
۹۹.....	<b>۴-نهضت امام خمینی(ره)</b>
۹۹.....	-قیام پانزدهم خرداد
۱۰۰.....	-کاپیتو لاسیون و تبعید امام به ترکیه و نجف
۱۰۲.....	پرسش
۱۰۳.....	درس پنجم: انقلاب اسلامی ایران
۱۰۵.....	<b>۱-مقدمه</b>

۱۰۷.....	<b>۲- کلیات</b>
۱۰۷.....	- تعریف انقلاب
۱۰۷.....	- قدرت اجتماعی
۱۰۸.....	<b>۳- نگاهی به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران</b>
۱۰۸.....	الف - ریشه‌ها و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی
۱۰۸.....	- سابقه تاریخی مبارزات مردم ایران
۱۰۸.....	- شرایط سیاسی - اجتماعی ایران قبل از انقلاب
۱۰۹.....	- حضور همزمان و کامل سه رکن اصلی و مهم انقلاب (مردم، رهبری و ایدئولوژی)
۱۰۹.....	ب - دوران رهبری امام خمینی(ره)
۱۱۰.....	<b>۴- دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران</b>
۱۱۲.....	<b>۵- آگاهی مسؤولیت آور است</b>
۱۱۳.....	پرسش
۱۱۵.....	<b>درس ششم: استکبار جهانی و انقلاب اسلامی</b>
۱۱۷.....	۱- مقدمه
۱۱۸.....	<b>۲- ورود آمریکا به ایران</b>
۱۱۸.....	- تاریخچه ورود و نفوذ آمریکا در ایران
۱۱۹.....	- موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی ایران برای آمریکا
۱۲۰.....	- علل ورود و نفوذ آمریکا در ایران
۱۲۲.....	<b>۳- استکبار جهانی و رویارویی با انقلاب اسلامی ایران</b>
۱۲۸.....	پرسش

۱۲۹.....	<b>درس هفتم: نظام نوین جهانی</b>
۱۳۱.....	<b>۱- مقدمه</b>
۱۳۳.....	<b>۲- کلیات</b>
۱۳۴.....	- مفاهیم نظام، نظام جهانی، نظام نوین جهانی و نظام سرمایه داری
۱۳۴.....	- بازیگران اصلی نظام نوین بین المللی
۱۳۴.....	- دیدگاههای آمریکا نسبت به نظام نوین جهانی
۱۳۶.....	- مواضع اروپا نسبت به نظام آینده جهانی
۱۳۹.....	- ژاپن در نظام آینده جهانی
۱۴۰.....	- جهان سوم و نظام نوین جهانی
۱۴۳.....	- نقش سازمانهای بین المللی در نظام آینده جهانی
۱۴۳.....	الف - سازمان ملل متحد
۱۴۵.....	ب - جنبش عدم تعهد
۱۴۶.....	<b>۴- نتیجه</b>
۱۴۷.....	پرسش
۱۴۹.....	<b>درس هشتم: مروری بر درس‌های گذشته</b>
۱۵۱.....	۱- پندها و درس‌هایی از تاریخ معاصر ایران
۱۵۲.....	۲- ماهیت استکبار
۱۵۳.....	۳- اهمیت انقلاب اسلامی ایران
۱۵۵.....	۴- راههای عملی حفظ انقلاب اسلامی ایران
۱۵۷.....	پرسش
۱۵۸.....	منابع

### مرکزی ملاحظات ضروری

- ۱- جزوه حاضر به منظور آموزش و ارتقای آگاهی سیاسی، تهیه و تنظیم شده است.
- ۲- مباحث این جزوه در هشت درس برای تدریس در هشت جلسه منظور شده است.
- ۳- مدرسان گرامی به فراخور سطح علمی فراگیرندگان در تقسیم‌بندی درسها آزادند بطوری که محتوای هشت درس رعایت شود.
- ۴- به مدرسان گرامی توصیه می‌شود جهت ارتقای سطح کیفی آموزش به نکات و منابع مهم هر درس رجوع نمایند.
- ۵- از مدرسان و صاحب‌نظران محترم تقاضا می‌شود، انتقادات و پیشنهادات اصلاحی خود را در زمینه حجم، محتوا و کافی بودن مطالب، ارتباط منطقی بین موضوعات، میزان کارآیی درسها و غیره جهت رفع نواقص و ارتقاء سطح کیفی آموزش، به آدرس قم، دفتر تبلیغات اسلامی، امور استانها، ستاد طرح هجرت، ارسال فرمایند.

از همکاری صمیمانه اعضای هیأت علمی و طلبه - دانشجویان محترم رشته علوم سیاسی مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) که در تهیه و تنظیم مباحث سیاسی قبول زحمت نمودند، تقدیر و تشکر می‌گردد.

## درس اول

# ازوم شناخت

## مسائل سیاسی

### هدف کلی

آشنایی فراگیران با ضرورت طرح مسائل سیاسی و شناخت موانع و عوامل مؤثر در تحلیل پدیده‌های سیاسی است.

### هدفهای رفتاری

از شما عزیزان انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس بتوانید:

- ۱- مفاهیم سیاست، تجزیه و تحلیل و تفسیر سیاسی را تعریف کنید.
- ۲- دلیل بر ضرورت طرح مسائل سیاسی را توضیح دهید.
- ۳- چهارتا از عوامل مؤثر را در تحلیل واقعی نام ببرید.
- ۴- موانع رشد آگاهیهای سیاسی را بیان کنید.



# لزوم شناخت مسائل سیاسی

## ۱- مفاهیم

### -مفهوم سیاست

در مفهوم سیاست نیز مانند بسیاری از اصطلاحات علوم اجتماعی، اتفاق نظر وجود ندارد و صاحب نظران بیشتر با توجه به ارزش‌های فرهنگی جامعه خود، تعاریف نسبی از سیاست ارائه داده‌اند.

مهتمرین معانی لغوی سیاست عبارتند از: ریاست کردن، اداره کردن، تدبیر کردن، تربیت، داوری، تبیه، عدالت و نگاهداری.

کلمه سیاست از ریشه سوس و ساس گرفته شده که در تربیت اسب وحشی و تأدیب و اداره امور بکار می‌رفته است. ذر لغتنامه «اقریب الموارد» آمده: «السياسة المدنية، تدبیر المعاش مع العموم على سُنن العدل و الاستقامة.»<sup>۱</sup> یعنی تدبیر و تنظیم برنامه زندگی، معیشت و اقتصاد مردم بر اساس قسط و عدالت.

گاهی سیاست به معنای تهدید، اعمال قدرت و سلطه، مکر و حیله و نیز نگ‌بیان می‌شود. این سیاست، ماکیاولی است. وی در تعالیم خود اصولی را به سیاستمدار یادآور می‌شود و جهت رسیدن به هدف، استفاده از تمام راهها و ابزار را مجاز می‌شمارد. رعایت شؤونات اخلاقی و الهی در مکتب وی جایی ندارد و از آنجلمه است اصل «هدف وسیله

۱- المنجد في اللغة والاعلام.

را توجیه می‌کنند»<sup>۱</sup>

سیاست پیامبر (علی‌الله‌و‌سَلَّمَ) و ائمه (علیهم‌السلام) که به آنها در زیارات «ساسة العباد» خطاب می‌شود، مبنی بر رساندن افراد بشر به سعادت دو جهان است. این سیاست در قالب ولایت اعمال می‌شود که این یک ارتباط طرفینی است.

امام خمینی (رهنگ) می‌فرماید:

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست.»<sup>۲</sup>

چارلز. اف. آندرین می‌گوید: ما سیاست را سلسله عملیاتی می‌دانیم که از طریق آنها تصمیمات الزامی مربوط به جامعه طرح و اجرا می‌گردد.<sup>۳</sup>

#### -پدیده سیاسی

عبارت است از هر رخداد و یا جریانی که در اجتماع بوجود می‌آید و به نحوی با سرنوشت سیاسی جامعه ارتباط دارد؛ مثل انتخابات، جنگ، احزاب و....

#### -مسائل علم سیاست

اول ایجاد یک شناسایی مشترک است؛ مثلاً مطرح کردن دین، فرهنگ، زبان یا سرزمین مشترک. برای مثال ما همه ایرانی هستیم و باید در مقابل دشمنان و در شکوفایی این سرزمین هماهنگ باشیم. چه مسلمان و یا مسیحی، یا ترک، کرد، بلوج وغیره.

دوم. برقراری وسائل قدرت مؤثر می‌باشد؛ مثل کسب، اعمال و حفظ قدرت در سیاست داخلی و خارجی. قدرت اعم از اقتصادی، نظامی و... است.

سوم. ایجاد مشروعيت. به این معنا که مردم به چه دلیل باید از آنها اطاعت کنند که

۱- امام خمینی، صحیفة نور، ج ۱۳، ص ۲۱۸.

۲- چارلز. اف. آندرین، زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی، ترجمه مهدی نمازی، مؤسسه عالی علوم سیاسی و امور خارجی، ۷۹، ۱۳۶۳، ص ۷۹.

جواب آن در اصول مشروعیت نهفته است.

چهارم، تولید و توزیع کالا و خدمات، یعنی به نظم در آوردن منافع مختلف جامعه تا همه، از فقیر و ثروتمند بتوانند در کنار هم زندگی کنند.<sup>۱</sup>

#### -تجزیه و تحلیل سیاسی

«تجزیه» عبارت است از: جدا کردن، جزء جزء نمودن. تحلیل به معنای ترکیب و کشف روابط بین اجزا بطوری که کلیت یک شئ و یا یک پدیده را شناسایی کند.<sup>۲</sup> امیر المؤمنین (ع) می فرماید: العلم علمان، علم مطبوع و علم مسموع و لainفع المسموع اذا لم يكن المطبوع.<sup>۳</sup> یعنی علم دو گونه است: شنیده ها و آنچه از تحلیل شنیده ها نتیجه می شود و اگر آن نتیجه نباشد شنیده ها نفعی ندارد.

#### -تفسیر سیاسی

تفسیر در لغت به معنای روشن کردن و کشف نمودن می باشد. فرق آن با تحلیل در این است که در تحلیل برای روشن شدن و کشف به اجزای پدیده و ارتباط آنها می پردازیم ولی در تفسیر برای درک عمیق تر یک واقعه از جریانات دیگر استفاده می شود.

## ۲- ضرورت طرح مسائل سیاسی

اهمیت موضوع را از دو جهت می توان مورد بررسی قرار داد؛ نخست اجتماعی بودن انسان است. چرا که تاریخ حیات بشری را نظمهای اجتماعی و زمامداران آن ورق می زند و دیگر پیوند دین و سیاست است. دین اسلام برای سعادت و رستگاری انسان آمده و قادر است به تمام نیازهای بشر پاسخ گوید. یکی از مهمترین نیازهای بشر برقراری نظم و امنیت و اقامه قسط و عدل است که در سایه حکومت اسلامی تحقق می یابد.

۱- همان منبع، ص ۷۸.

۲- جواد منصوری، شناخت و تحلیل سیاسی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲، ص ۱۱۶.

۳- همان منبع، ص ۱۱۷.

### - اجتماعی بودن انسان

بیان مسائل سیاسی و ارائه تحلیل صحیح از واقعی و رخدادهای جهانی، نقش بسیار مهمی را در رشد و شکوفائی استعدادهای افراد یک جامعه ایفا می‌کند. سرنوشت و هدایت جامعه می‌تواند با نوع تحلیل سیاسی و شیوه‌های عملی سیاستگزاران دستخوش تغییر گردد. از آنجاکه انسانها به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند و میان افراد جامعه روابط و پیوندهای نزدیکی وجود دارد به ناچار تحت تأثیر محیط اجتماعی، نحوه هدایت جامعه و در نهایت تصمیمات خرد و کلان رهبران و مسئولان آن جامعه هستند. به عبارت دیگر تا حد زیادی سرنوشت و رشد و تکامل یک فرد به هدایت درست جامعه بستگی دارد. بر این اساس برای یک فرد، شناخت مسائل سیاسی سرنوشت‌ساز و مؤثر در سیاست داخلی و خارجی، بعلاوه آگاه شدن از رخدادها و واقعی که در تاریخ کشورش نقش ایفا می‌کنند، ضروری به نظر می‌رسد.

در قرون گذشته به علت ارتباطات محدود و عدم امکانات وسیع خبرسازی، اکثر مردم کشورها نسبت به واقع جهانی کمترین اطلاعی نداشته و بیشتر بدون داشتن توان بررسی وقایع و رخدادها، نظاره گر حوادث و اتفاقات بودند. اما اکنون که جهان به صورت یک دهکده در آمد، وقتی حادثه‌ای در گوشه‌ای از آن رخ دهد، به سرعت خبر آن در سرتاسر جهان منتشر می‌شود و با اظهار نظرهای متفاوت از جانب کشورها، گروهها و افراد مواجه می‌گردد. در این فضای گسترده اخبار و تفاسیر بر ما لازم است، جهت درک درست واقعیت و شناخت عوامل دقیق در بروز رویدادها، به مطالعه پدیده‌های سیاسی پردازیم تا از القایاتِ تفاسیر خبری جهان، متأثر نگردیم. از باب نمونه در کشور خودمان طی صد سال اخیر کمتر حادثه‌ای سیاسی می‌توان یافت که دست استعمار سلطه گر جهانی از آن دور بوده باشد. مسائلی که در زمان انقلاب مشروطه پیش آمد؛ مثل به توب بستان مجلس توسط لیاخوف روسی، فرمانده نظامی شاه قاجار در تهران، کودتا و روی کار آمدن

سلسله پهلوی و حرکتهای ضد مذهبی رضاخان و حوادث بعدی مثل برکناری او توسط متفقین و کودتای بیست و هشت مرداد، همه اینها با خاطر عدم وجود تحلیلهای صحیح و فراگیر بین ملت، تشتبه و اختلاف نظرها بود. امام خمینی (ره) در سال پنجاه و هفت ثابت کرد که می‌شود دست قدرت‌های خارجی را قطع نموده و خود سرنوشت کشور را رقم زد. خلاصه کلام آنکه امروز ما در یک جامعه فراگیر جهانی زندگی می‌کنیم. حال اگر موقعیت و قدر و منزلت خویش را یافتیم و هوشیار و آگاه گشیم و با تحلیل و بیانش صحیح، حوادث را پیش‌بینی کردیم، نقش خود را بازی کرده‌ایم ولی اگر بی‌توجه باشیم به شدت تحت تأثیر سیاستها و اقدامات دیگران خواهیم بود.

### -پیوند دین و سیاست

دین مبین اسلام پیروان خود را نسبت به جامعه مسؤول می‌داند. حتی خداوند به پیامبر خود توصیه می‌کند که با مسلمین در امور سیاسی جامعه مشورت کنند تا آنها احساس کنند در سرنوشت خود و دیگران شریک هستند و باید دارای بیانش و آگاهی باشند تا بتوانند به رسول خدا (علیه السلام) که برای آنها ارزش قائل شده و از آنها نظر خوانسته، تحلیلی درست ارائه دهند و اگر در جای دیگر آنها را به اطاعت خدا و رسول و اولی‌الامر دعوت می‌کند، اطاعت کورکورانه نیست بلکه باید بفهمند و با ایفای نقش خود، نهایتاً تصمیم رسول خدارا اطاعت کنند. همانطور که در جنگ اُحد عمل شد. آیاتی چون «وَ مَا لَكُمْ لَا تَقْاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ»<sup>۱</sup> خطابی صریح به مسلمین در باره احساس مسؤولیت در قبال مسلمانان تحت ستم است و خطابی چون «وَاعْدُوا لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»<sup>۲</sup> بیانگر آماده‌سازی ابزار سیاست که همان قدرت است، می‌باشد. لذا سیاست عین دیانت است. همچنین آیات زکات که بیانگر قدرت مالی نظام اسلامی است و جمع آوری مالیات اسلامی، انفال و دیگر مالیاتها و توزیع یا مصرف آن در جامعه،

یکی از عملکردهای سیاست است که در فصل اول به آن اشاره شد. مواردی از آیات که در اینجا به طور خلاصه ذکر شد، فقط به خاطر توجه مردم مسلمان بویژه جوانان عزیز به مسائل سیاسی است و در رد شعار استعمار، یعنی «جدایی دین از سیاست»، کفايت می‌کند<sup>۱</sup> و الا بیشتر آیات قرآن مربوط به نظام اجتماعی بوده که سیاست اداره کننده این نظام است. ناگفته نماند که پیوند دین با سیاست بدان معنا نیست که نیاز به آموزش علوم و مسائل سیاسی نباشد. همانطور که وقتی قرآن می‌گوید: «اقیموا الصلوة» صدھا مسأله در کیفیت، کمیت و شرایط نماز وجود دارد که باید فقیه جواب دهد. در علوم جدید از جمله سیاست هم صدھا مسأله مانند روش‌های اجرای سیاست، عملکرد سیاست و دیگر مسائل دقیق آن نیاز به تفحص، بینش و کارشناسان ماهر دارد تا بتوان در داخل و خارج طوری عمل کرد که موجب سرفرازی و ترقی کشور شود نه باعث تسلط بیشتر دشمن. اما در کلام پیامبر (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) توجه به سیاست چگونه است؟

پیامبر اکرم (علیه السلام) در باب توجه به مسائل سیاسی می‌فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس» یعنی کسی که به اوضاع و احوال زمان خود آگاه باشد، مشکلات و مبهمات بر او غلبه نمی‌کند و قرآن هم بین افراد آگاه و دیگران تفاوت قائل شد «هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون»<sup>۲</sup> و باز رسول خدا در جای دیگر می‌فرماید: «كُلُّمُ رَاعٍ و كُلُّمُ مَسْؤُلٌ عَنْ رِعِيَّتِهِ» یعنی همه شما در حکم سرپرست جامعه می‌باشید و همه شما نسبت به افراد جامعه مسؤول هستید. این کلام رسول خدا تفسیر آیه «والمؤمنون و المؤمنات بِضُّهُمْ أَوْلَياء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...»<sup>۳</sup> می‌باشد. باز پیامبر اکرم (علیه السلام) می‌فرماید: «من اصبح و لم يهتم بأمور المسلمين فليس منهم» یعنی هر کس روز را آغاز

۱- برای شرح بیشتر این مطلب به صحیفه نور، جلد ۵، ص ۱۹، مراجعه شود.

۲- آیه ۹ سوره زمر.

۳- آیه ۷۳ سوره ۹. ترجمه آیه: مردان و زنان مؤمن نسبت به هم ولایت دارند؛ یعنی مسؤولیت دارند.

کند در حالی که نسبت به امور مسلمانها همت و تلاش ننماید از گروه مسلمانها نیست.  
امیر المؤمنین علی (علی‌الله‌ السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الْأَيَامَ لَمْ يَغْلُبْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ»<sup>۱</sup> یعنی  
کسی که شرایط و اوضاع زمان را شناخت از آمادگی لازم غفلت نکرده است.

همچنین می‌فرماید: «أَعْرَفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحَدِ أُثْرَاهِهِ»<sup>۲</sup>

امام علی (علی‌الله‌ السلام) در نامه‌های خود به مالک اشتر و عثمان بن حنیف، مسائل سیاسی را  
چنان دقیق بیان فرموده‌اند که هر جمله آن یک بخشنامه کارساز برای جامعه اسلامی  
است. در مجموع توجه اجمالی به امثال این آیات و روایات و سیره عملی  
پیامبر (علی‌الله‌ السلام) و ائمه‌اطهار (علی‌الله‌ السلام)، اهمیت و لزوم آگاهی و مسؤولیت نسبت به امور  
مسلمین و سرنوشت جامعه را آشکار می‌گرداند.

### ۳- عوامل و عناصر مهم در شناخت و تحلیل پدیده‌های سیاسی<sup>۳</sup>

حال که لزوم آگاهی سیاسی و داشتن تحلیل و دخالت در سرنوشت روشن شد، به  
چگونگی تحلیل سیاسی و عوامل و عناصر مهم در شناخت و تحلیل پدیده‌های سیاسی  
می‌پردازیم. نویسنده کتاب «زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی» می‌گوید: بطور خلاصه  
غلب دانشمندان سیاسی امروز برای تجزیه و تحلیل سیاسی، تأثیرات متقابل خط  
مشی‌ها، جامعه و افراد را بر یکدیگر مورد مطالعه قرار می‌دهند. چگونه سازمانهای  
اجتماعی روی طرح و اجرای تصمیمات الزامی اثر می‌گذارند؟ اثرات خط مشی‌های  
عمومی روی جامعه و افراد چیست؟ چه روابطی بین زندگی سیاسی و تغییرات اجتماعی  
وجود دارد؟ در بررسی تمام این تأثیرات متقابل، دانشمندان سیاسی یک برداشت

۱- محمد رضا حکیمی، *الحياة*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد اول، ص ۱۳۵.

۲- همان کتاب، ص ۱۲۶.

۳- جواد منصوری، *شناخت و تحلیل سیاسی*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲، ص ۵۳.

اساسی تحلیلی و وظیفه‌ای از سیاست دارد.<sup>۱</sup>

علم سیاست با سایر علوم از جمله تاریخ، جغرافی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، حقوق و اقتصاد درآمیخته است. تا جایی که پژوهشگران علوم سیاسی معتقدند بدون آشنایی کافی با مفاهیم و مباحث سایر علوم انسانی، شناخت و تحلیل پدیده‌های سیاسی ممکن نخواهد بود. بنابراین باید عناصر ذیل در شناخت و تحلیل سیاسی پدیده‌ها بطور مبنایی مورد توجه قرار گیرند.

### -تاریخ

هیچ پدیده سیاسی تصادفی و بدون سیر یک جریان تاریخی بوجود نمی‌آید. متنهای ما خود حادثه را می‌بینیم و تاریخ گذشته آن برایمان پنهان است.

موسی به رهی دید یکی کشته فتاده

حیران شد بگرفت به دندان سر انگشت

گفتاکه، که را کشته تا کشته شدی زار

تا باز کجا کشته شود آنکه ترا کشت

اگر امام علی (علیهم السلام) بیست و پنج سال با آن همه سفارش پیامبر و با فضایل و علمش که اظهر من الشمس بود، خانه‌نشین می‌شود این عکس العمل حرکت برق آسای شمشیر او در کنار رسول خدا بود که موجب تحریر و تسليم کافرانی شد که امروز بخشی از جامعه اسلامی به حساب می‌آیند. کما اینکه خودش به آنها می‌فرماید: «اَنَا الَّذِي عَلَوْتُ فَقَهَرْتُ»<sup>۲</sup> که به تفسیر خود مولا (علیهم السلام): با این شمشیر بر شما برتری جستم و پیروز شدم. رشک و حсадتها یی که دیگران بخاطر شجاعتها ای علی (علیهم السلام) و ناتوانی خود در زمان پیامبر (علیهم السلام) تحمل کرده بودند، می‌خواستند امروز با برتری طلبی بر او جبران

۱- چارلز. اف. آندرین، زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی، ترجمه مهدی نمازی، ۱۳۶۳، ص ۳۴.

۲- شیخ مجید، الاختصاص.

کنند و اشعار یزید ملعون در شهادت ابا عبدالله الحسین (علیهم السلام) گویای همین است.

### -جغرافیا

مطالعه موقعیتهاي جغرافیایی حاکم بر وقوع پدیده‌های سیاسی از ضروریات شناخت دقیق آنها می‌باشد. به تناسب پدیده مورد تحقیق، رشته‌های مختلف، جغرافیای انسانی،  
جغرافیای سیاسی و جغرافیای جمعیت و غیره مورد نظر خواهد بود.<sup>۱</sup>

از قدیم این عنصر مورد توجه بوده و بیشتر جنگها با خاطر این است. ناپلئون می‌گوید: سیاست دولتها در جغرافیای آنان است. شاید اگر انقلاب اسلامی ایران در کشوری دور افتاده که منافعی برای آمریکا دربر نداشت، اتفاق می‌افتد، این همه کینه و توطئه استکبار جهانی بویژه آمریکا نسبت به آن وجود نداشت. در حالی که امروز آمریکا احساس می‌کند انقلاب اسلامی ایران چنگ در گردن او انداخته است.

### -جامعه‌شناسی

برای تحلیل پدیده‌های سیاسی - اجتماعی باید انسان را در حرکت اجتماعی او شناخت؛ لذا شناسایی جامعه و قوانین حاکم بر آن یکی از اصول تحلیل سیاسی است. مذهب، فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه نقش اساسی در تحقق پدیده‌های سیاسی دارد و شرایط اجتماعی افراد مانند جهل و بی‌سوادی یا پیشرفت علمی آنها ممکن است موجب بروز حوادث یا تغییراتی در سیاست حاکم بر جامعه شود.

### -مردم‌شناسی

احساسات، علائق و روحیات مردم هر کشور در حوادث سیاسی که در آنجا اتفاق می‌افتد، نقش مهمی دارند؛ لذا برای شناخت علل حوادث و تحلیل آنها باید روحیات مردم آن جامعه را شناسایی کرد و بر اساس آنها تحلیل و بررسی نمود. به عنوان نمونه یکی از رمزهای پیروزی انقلاب شناخت امام نسبت به روحیات و علائق مردم بود. امام

۱- دزه میرحیدر، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، سیمرغ، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۴.

می‌دانست که مردم ایران حتی آنها بی‌که عامل به احکام نیستند قلبًا خود را مسلمان می‌دانند و دارای احساسات مذهبی هستند و به پیامبر (علی‌الله‌عاصم) و ائمه اطهار (علی‌الله‌عاصم) علاقمندند که حرکت عاشورا نمودی از این علاقه همگانی است. امام می‌دانست که استبدادگران در سراسر کشور مردم را زمانی طولانی تحقیر کرده‌اند. لذا به مردم شخصیت داد و بر عکس حاکمان دوران ستم‌شاهی که با مردم متکبرانه برخورد می‌کردند، خود را خادم و خدمتگزار مردم معرفی می‌کند.

#### -اقتصاد

چه بسا فاصله طبقاتی و بحرانهای اقتصادی و فقر باعث شورشها و جنگها شده و یا رقابت‌های اقتصادی و تجاری موجب بروز حوادث و تحولات سیاسی شده است. شرکتهای چند ملیتی در مواردی حتی رژیم‌ها را تغییر داده‌اند. سرمایه‌داران یهودی آمریکا در تصمیمات سیاسی آن‌کشور نقش عمده‌ای دارند.

#### -سازمانهای بین‌المللی

بسیاری از حوادث تحت تأثیر مقررات حاکم بر کشورها، توسط سازمانهای بین‌المللی و پیمانهای جهانی و منطقه‌ای می‌باشد و امروزه بیشتر خواسته‌های قدرتهاي جهانی توسط سازمانها بویژه سازمان ملل متحد به بهانه حقوق بشر عملی می‌شود.

#### -رسانه‌های گروهی

امروزه تلاش عمده قدرتهاي جهانی در جهت شکل‌دهی افکار عمومی مردم جهان است. چراکه افکار عمومی زمینه را برای اجرای طرح‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی فراهم می‌کند.

رسانه‌های گروهی نظام سرمایه‌داری، افکار عمومی غرب را برای حضور دائمی آمریکا در خلیج فارس آماده می‌کند. چنان ترسی از ایران اسلامی در دل شیوخ خلیج فارس ایجاد می‌کند تا دست به سینه در مقابل ناوگان آمریکا تعظیم کنند و کشورهای

مسلمان را برای انجام مانورهای نظامی مشترک و دادن پایگاه به استکبار تشویق می‌کند. خبرگزاریها، ماهواره‌ها، رادیو و تلویزیون، فیلم و سینما، مطبوعات و... وسائلی هستند که در زمان ما حوادث را بوجود می‌آورند. زیرا همه اینها برای اجرای طرح و برنامه استکباری زمینه‌سازی می‌کنند. در اینجا با اشاره به قسمتی از پروتکلهای زعمای صهیونیزم راجع به مطبوعات، مطلب روشنتر می‌شود.

«... ممالک جهان از مطبوعات به عنوان وسیله‌ای برای هدایت فکر مردم در جهت دلخواهشان استفاده می‌کنند. لذا برای آنکه بتوان از مطبوعات در جهت خواسته‌هایمان استفاده کنیم، باید در بین مردم نارضایتی ایجاد نماییم و سپس از طریق مطبوعات نارضایتها را منعکس کنیم. آن وقت ما می‌توانیم از طریق مطبوعات اعمال نفوذ کنیم. مطبوعات نخواهند توانست بدون اطلاع ما کمترین خبری را در اختیار مردم بگذارند. هر آنچه را که ما به آنها دیکته می‌کنیم در سراسر جهان پخش می‌کنند و در حقیقت مردم واقع جهان را از پشت عینکهای رنگین که ما به چشم آنها می‌گذاریم، می‌نگرند و برای آنکه بتوانیم افکار عمومی را مشوب سازیم و مردم را در حالت گیجی و سرگردانی نگه داریم، باید مطالب ضدوقیض در بین مردم پخش کنیم و این عمل را آن قدر ادامه می‌دهیم که غیرصهیونیستها خود را در پیچ و خم اطلاعات متناقض گم کنند و متقادع شوند که تنها راه رهایی از این سرگردانی‌ها نداشتن عقیده و اطلاعات سیاسی است.»

بیان فوق قسمتی از تصمیمات صهیونیستها می‌باشد، که امروز بر آمریکا و اسرائیل حاکمیت دارند و به خاطر قدرتی که در جهان دارند، خبرگزاریهای مهم دنیا تحت نفوذ

۱- تندور هرزل، صهیونیزم چه می‌خواهد، پروتکلهای جلسات زعمای صهیونیزم، ترجمه بهرام محسن‌پور، سازمان کاوش، سال ۱۳۶۰، ص ۲۵ و ۳۷.

آنهاست و با وسائلی مثل رادیو که در اختیار دارند، به تمام کشورها و زبانها پیام می‌فرستند و روی افکار عمومی جهان تأثیر می‌گذارند.

از طریق برنامه‌های تصویری که توسط ماهواره به همه جا فرستاده می‌شود، سعی دارند اعمال خود را انسانی و قانونی جلوه دهند و حرکات مخالفان خود را به عنوان ناقض حقوق بشر، تروریست و... در بین افکار عمومی جهان محکوم کنند.

در اذهان عمومی نسبت به عملیات نهضتها آزادی بخش که تهدیدی است برای منافع صهیونیستها، نفرت ایجاد می‌کنند و حکومتها انقلابی را بی ثبات و غیر معقول و... معرفی می‌کنند. در اینجا لازم است نکاتی را که در بیان صهیونیستها وجود دارد، اشاره کنیم.

**الف - تأثیر مطبوعات بر افکار عمومی:** مطبوعات وسیله‌ای برای هدایت فکر مردم است. امروزه روزنامه‌ها و مجلات در هر کشوری وسیله‌ای است در دست گروههای متفاوت فکری، اجتماعی و... برای تبیین نظرات و اعتقادات خود و جلب نظر مردم به منظور حمایت از افکار و برنامه‌های آنها. در کشورهایی که آزادی بیشتری وجود دارد، تعداد روزنامه‌ها و مجلات فراوان و در صدها نوع می‌باشد. صهیونیستها با در اختیار گرفتن روزنامه‌ها و مجلاتی که نقش عمدت‌تری در جامعه دارند و پر فروش‌ترند و یا با ایجاد القائاتی سعی می‌کنند، افکار عمومی جوامع را به آن سویی که می‌خواهند بکشانند. اکنون در خاورمیانه تمام سعی صهیونیستها آن است که افکار مردم را بجای توجه به اسرائیل متوجه ایران سازند تا در اسرائیل به اهداف خود برسند و بتوانند زمینهای بیشتری را تصاحب کنند.

**ب - سوء استفاده از نارضایتی‌ها:** صهیونیستها در پر و تکل خود می‌گویند، باید مردم را نارضی کرد و بعد نارضایتی‌ها را در مطبوعات مطرح نموده تا به آنها توجه کنند. سپس ما از این طریق اعمال نفوذ می‌کنیم. البته این اختصاص به مطبوعات ندارد. تمام رسانه‌های

خبری و تحلیلگران اعم از رادیو و تلویزیون، فیلم و ویدئو امروز در جهان، به ویژه در کشورهای اسلامی دارای چنین نقشی هستند. با بزرگ کردن اخبار نارضایتی‌ها و با اهمیت جلوه دادن آن، مردم را آماده برخوردهای خشن می‌کنند. ممکن است راجع به یک مسئله ناقابل دهها مقاله نوشته شود و چندین نظرخواهی و مصاحبه با افراد گوناگون صورت گیرد. فقط بخاطر آنکه از مسئله‌ای اساسی که در حال وقوع است مردم نسبت به آن بی‌خبر و یا بی‌توجه باشند.

ج- چگونگی نفوذ در افکار عمومی: وقتی مردم می‌بینند فلان رسانه، روزنامه و رادیو نارضایتی‌ها را می‌گویند، به آن توجه می‌کنند. در نتیجه آنها با ارائه یک خبر راست که می‌دانند شنوندگان یا خوانندگان آنها طالب آن و منظر دریافت جزئیاتش می‌باشند، دهها خبر ساختگی و دروغ و تحریف به خورد مردم می‌دهند و آنقدر روی آن مانور می‌دهند که مردم نسبت به آن شک نکنند و یا حداقل از باب تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها، اصل آن دروغ را قبول کنند. در حالی که تاریخ انسانهای چون حسین بن علی (علی‌الله‌آله‌آل‌هی‌و‌اصحیح) را به یاد دارد که با وجود عصمت امام (علی‌الله‌آله‌آل‌هی‌و‌اصحیح) و نوه پیغمبر (علی‌الله‌آله‌آل‌هی‌و‌اصحیح) بودن، خارج از دین معرفی شدند و به شهادت رسیدند.

د- بی‌تفاوت کردن مردم: آخرین نکته که در بیان صهیونیست‌ها وجود داشت این بود که با اخبار و مطالب ضدونقیض مردم را گیج کنند تا مردم تنها راه نجات از سرگردانی را بی‌تفاوت شدن نسبت به عقیده و اطلاعات سیاسی بدانند و حقیقتاً این آن چیزی است که امروز استکبار و رژیمهای استبدادی خواهان آن می‌باشند و در مقابل، ما مسلمانان باید تحلیل‌های واقعی را بدست آوریم و بر اساس آن عمل کنیم.

#### ۴- تحلیل واقعی چیست؟

با توجه به عواملی که قبل‌اً ذکر شد مثل تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی و... در اینجا به

نکاتی که باید در هنگام تحلیل مراجعات شود توجه می‌کنیم.

### -کسب اطلاعات صحیح

آنچه در تحلیل سیاسی مهم است نوع اطلاعات می‌باشد. اگر اطلاعات غلط و یا تحریف شده باشد و بر اساس آن تحلیل کنیم نتایج بدست آمده منطبق با واقعیت نخواهد بود.

قرآن مجید می‌فرماید: «بِاِنْتَهَا الَّذِينَ آمَنُوا اِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بَّيْنَمَا فَتَبَيَّنُوا اَنْ تُصِيبُوَا قَوْمًا بِعَجَاهَةٍ فَتُصْبِحُوَا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»<sup>۱</sup> یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برای شما خبری آورد، تفحص کنید که مباداً قومی و ملتی را به گمراهی کشید، پس بر آنچه انجام داده‌اید پشمیمان شوید.

اطلاعات نباید تحریف شده باشد. برای رهایی از تحریف باید به عین کلام گوینده و یا جریانی که اتفاق افتاده توجه کرد. تحریف عملی است که بیشترین نقش را در تحلیل‌های مغرضانه دشمنان دارد. در اینجاست که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: اگر پنجاه نفر قسم می‌خورند که فلان شخص چنین گفت و خودش می‌گوید من نگفتم، نباید ترتیب اثر داد. لذا باید مجاری خبررسانی را هم شناخت و از صدق آنها اطلاع حاصل نمود.

### -شايعه

مورد دیگر از اخبار ناصحیح شایعه است. شایعات نباید در تحلیل، به اخبار صحیح اضافه شده و یا نقش ایفا کند. شایعه خبری است شفاهی. اگر چه بعضی اوقات در روزنامه‌ها هم می‌آید. گاهی پخش این شایعات برای سنجش افکار عمومی می‌باشد و زمانی از طرف دشمنان و گاهی از طرف خود حکومتها پخش می‌شود و بعد جامعه را ارزیابی می‌کنند و در حقیقت یک نظرخواهی مجانی است که آیا فلان عمل زمینه اجرا دارد یا نه؟

### - اعتقادات و ارزش‌های فردی

ارزشها و باورهای یک فرد در برداشت و تفسیر وی از رخدادها دخالت دارد. یک فرد مسیحی با یک مسلمان نسبت به پدیده‌های سیاسی دیدگاه متفاوت دارد.

### - عواطف و احساسات

برخی از موضع در انتشار یک خبر عواطف و احساسات دخالت زیادی دارد و با کاهش احساسات، نوع خبر متفاوت می‌شود. معمولاً زمانی که احساسات بر یک فرد غلبه نمود، کمتر می‌تواند به واقعیتها توجه نماید.

### - تصویر ذهنی

شکل‌گیری تصویر ذهنی به عوامل متعددی از جمله ارزشها، باورها، منافع، کم و کیف اطلاعات از نظام تصمیم‌گیری و... بستگی دارد. هر چه تصویر ذهنی تحلیل‌گر با واقعیتها نزدیکتر باشد بررسی وی مفیدتر و کاراتر خواهد بود.

## ۵- موانع رشد آگاهیهای سیاسی

### - استبداد

حکومتهای استبدادی که عموماً کشورهای جهان گرفتار آنند، یکی از موانع دستیابی مردم به آگاهی سیاسی است. زیرا کارگزاران چنین حکومتهایی بقای خود را در جهل مردم و بی‌تفاوتبه آنان می‌دانند. چون با افزایش آگاهی و رشد سیاسی مردم، احتمال شورش علیه خودکامگان وابسته وجود دارد.

### - استعمار

در طول تاریخ استعمارگران با شیوه‌ها و ابزار گوناگونی جهت به جهالت کشاندن توده‌ها گام برداشته‌اند. آنان به شدت با رشد و تقویت آگاهیهای سیاسی جامعه مخالفت ورزیده‌اند. زیرا افزایش آگاهی مردم نسبت به مسائل سیاسی و رخدادهای داخلی و

خارجی به معنای ضعف قدرت یا افول رژیمهای استعماری و دستنشانده تلقی می‌شود. استعمار جهت استمرار حیات خود به طرق زیر عمل می‌کند.

**الف - ایجاد جهل و اغفال توده‌ها:** استعمار با القایات خویش مردم را به مسائلی مشغول می‌کند تا آنها از اندیشه و پرداختن به مسائل سیاسی دور بمانند و در برابر وضع موجود تسليم شوند. استعمار با طرح مسائلی چون تصادف، قضا و قدر و سرنوشت، مردم را نسبت به علل حوادث غافل نگه می‌دارند که در نتیجه مردم به بی‌تفاوتوی گرایش می‌یابند و در مقابل اتفاقات، عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند. در اینجا وظيفة رهبران مذهبی و روشنفکران آنهاست که مردم را از علل و سرچشمه‌های جریانات آگاه‌کنند و آنها را با تحلیل‌های صحیح و روشنگر، به صحته سیاست و سرنوشت خود بکشانند.

**ب - ایجاد تفرقه:** اختلافات قومی و قبیله‌ای، مذهبی و نژادی مردم را چند قرن از توجه به دشمن اصلیشان دور کرد. استعمار در نهایت با مطرح کردن ملیت‌ها توانست جهان سوم را کاملاً تکه‌کند و عامل وحدت آنها همچون اسلام را بی‌رنگ کرد تا بهتر به غارت آنها بپردازد.

**ج - ایجاد وابستگی:** استعمار در زمینه‌های مختلف، در راستای اهداف خود، جهان سوم را بخود وابسته کرد. وابستگی اقتصادی که به طرق مختلف صورت گرفته، هر روز شکل جدیدی به خود می‌گیرد. ملل جهان سوم را آنچنان به فقر و فلاکت دچار کرده که فرصت پرداختن به مسائل سیاسی را نمی‌یابند و دائم در فکر تأمین معاش خانواده خویش می‌باشند.

**د - محو هویت فرهنگ بومی:** استعمار و استکبار تلاش‌های موفق و ناموفقی در جهان سوم و به‌ویژه کشورهای اسلامی داشته‌اند تا بتوانند مردم را همنگ خود کرده و آنها را به سویی که منافع آنها ایجاد می‌کند، بکشانند. استکبار در جهت محو هویت فرهنگی کشورها از راههای مختلفی استفاده می‌کند. از جمله فساد اخلاقی، ترویج فحشاء

و بی اعتقاد کردن آنها به سابقه فرهنگی و الگوهای فکری جامعه خویش و ایجاد  
شیفتگی به دستاوردهای مصرفی غرب و تجملات و... که همه اینها موجب دور شدن  
مردم از صحنه سیاسی می‌گردد.

## پرسش

۱- سیاست را از نظر لغت و اصطلاح بیان کنید.

۲- پدیده سیاسی چیست؟

۳- دو مسأله از مسائل علم سیاست را توضیح دهید.

۴- امیر المؤمنین (علیهم السلام) علم را چند قسم می‌کند؟ بیان کنید.

۵- فرق تحلیل و تفسیر سیاسی چیست؟

۶- یک دلیل بر پیوند دین و سیاست بیاورید.

۷- حدیث «من أصيّح ولم يهتم بأمور المسلمين فليس منهم» را معنا کنید.

۸- عوامل مؤثر در تحلیل سیاسی را ذکر کنید.

۹- جامعه شناسی چگونه در پدیده های سیاسی نقش دارد؟

۱۰- شایعه چیست و تحریف کدام است؟

## درس دوم

# تاریخچه مسیحیت

## (قرن وسطی و رنسانس)

### هدف کلی

آشنایی فراگیران با تاریخچه قرون وسطی و رنسانس غرب، وضعیت تمدن اسلامی در این دوره و بررسی تعارض تمدنها و آثار آن در رنسانس غرب است.

### هدفهای رفتاری

از شما فراگیران عزیز انتظار می‌رود پس از خواندن این درس بتوانید:

- ۱- تاریخچه قرون وسطی و رنسانس را با یکدیگر مقایسه کنید.
- ۲- هشت تا از ویژگیهای قرون وسطی را نام ببرید.
- ۳- سه عامل مهم رنسانس را نام ببرید.
- ۴- چهار تا از تأثیرات جنگ صلیبی را بر اروپای قرون وسطی بیان کنید.
- ۵- چهار تا از ویژگیهای رنسانس را توضیح دهید.



## تاریخچه مسیحیت

### ۱- مقدمه: تاریخچه غرب

متفکران غربی تاریخ غرب را بطور مشخص و کلی به سه دوره تقسیم می‌کنند.

#### الف- قرون قدیم

این قرون به دوره طلایی یونان و روم باستان معروف است، چون یونان باستان از لحاظ فلسفی و فرهنگی در اوچ عظمت خود قرار داشت. دوره سقراط و افلاطون است. لذا وقتی گفته می‌شود قرون قدیم، منظور عصر قدرت، عظمت و شکوه فرهنگی، نظامی، مادی و معنوی غرب است. دوره‌ای که آزادی و آزادی هنر و... وجود دارد. به عبارت دیگر در «یونان باستان» هنوز مذهب خاصی در همه وجود زندگی غربی‌ها حاکم نشده است. خصوصیات بارز این دوره عبارتند از:

۱- دارای یک روح لائیک؛ یعنی یک حالت غیرمذهبی (نه ضد مذهبی) بر آن حاکم است. درست همان چیزی که پس از رنسانس بر غرب فعلی حاکم است؛ بطوری که می‌توان تمام حکومتها را غربی را لائیک نامید.

۲- بشردوستی؛ یعنی بشرپرستی و زندگی انسان برای انسان بعنوان یک ارزش بوده است که این اندیشه دقیقاً پس از رنسانس تبدیل به اولماییسم «اصالت انسان» می‌شود؛ یعنی ملاک تمام خوبی‌ها و بدی‌های الذت خود انسان است. هر چیزی که مطابق لذائذ انسان

باشد آن چیز خوب می‌شود.

**۳- واقع‌گرایی یونانی؛** که پس از رنسانس دقیقاً به همین عنوان و تحت عنوان رئالیسم رواج می‌یابد.

**۴- بینش شدید عقلی و منطق‌گرایی یونانی و رُمی** است. به همین خاطر است که در یونان و رم قدیم فلسفه و عقل قوی است ولی مذهب و عرفان ضعیف است و خود منطق ارسسطوی که هنوز هم در دنیا مطرح است محصول همین دوره است. همچنین از افتخاراتی که غرب جدید به خودش می‌بالد، خردگرایی و عقل‌گرایی است که بنحوی ریشه در قرون قدیم دارد.

**۵- تشکیلات؛** سازمان و نظم و همچنین مرکزیت دادن آن بطوری که می‌خواهد همه تابع آنها باشند؛ یعنی خواستار نظمی هستند که مرکزش، خودشان باشند. لذا از ویژگی بارز آنها خشونت نیز است.

### ب - قرون وسطی

از اینجا تاریخچه مسیحیت در غرب شروع می‌شود که به دو قسمت عمدهٔ قرون وسطی و قرون جدید تقسیم می‌شود. پس از دورهٔ طلایی قرون قدیم، مسیحیت در غرب حاکم می‌شود. یعنی در قرن چهار، در سال ۳۳۳ میلادی اعلام می‌شود که مسحیت رسمی است و در قرن پنجم، مسیحیت مذهب رسمی رژیم امپراتوری می‌شود. این به معنای آن بود که مذاهب دیگر باید نابود شوند. در واقع قرون وسطی از اینجا شروع می‌شود که هزار سال بطول می‌انجامد و ما در فصل جداگانه‌ای از آن بحث خواهیم کرد.

### ج - قرون جدید (رنسانس)

رنسانس، معنای بازگشت به عصر طلایی یونان، از قرن پانزده (۱۴۵۶) پس از فتح قسطنطینیه بدست مسلمانان، شروع می‌شود. قسطنطینیه (اسلامبول فعلی) مرکز فرهنگی و مذهبی قرون وسطی بود.

یعنی جایی که قدرت مذهبی و کلیسا ای بر تفکر، فرهنگ و عقل دنیا حکومت می‌کند. حال با فتح این مرکز به دست مسلمانان، باعث نجات و آزادی تفکر، فلسفه، مذاهب و مکتبهای مختلف شد و باعث نقطه شروع قرون جدید غرب شد که تا حالا ادامه دارد. یعنی عاملی که قرون وسطی را تبدیل به قرون جدید کرد، رنسانس است. رنسانس به این معنا که جامعه غربی احساس کرد که هزار سال مرده بود و نیازمند تولدی دوباره است تا عظمت و دوره طلایی یونان باستان را تجدید کند. غرب در قرن پانزده احساس کرد که آنچه موجب عقب افتادگی آنها نسبت به شرق و مسلمانان شده، کلیسا بوده است و عظمت و قدرت آنها در قرون قدیم لاثیک بوده است. لذا رنسانس جنگی علیه قرون وسطی، جنگ علیه مسیحیت، دین، رسوم و قوانین قرون وسطایی بوده است. اما اینکه چگونه؟ و چه عاملی باعث چنین رنسانسی شد؟ و یزگی آن چه بود؟ و سؤالات دیگر را در فصلی جداگانه مورد بحث قرار خواهیم داد.

## ۲- قرون وسطی

### الف - تاریخچه قرون وسطی

در این بخش ابتدا بطور اجمالی به دو مطلب اشاره می‌کنیم. یکی وجه تسمیه قرون وسطی و دیگری تاریخ عمومی قرون وسطی.

#### -وجه تسمیه قرون وسطی

نامگذاری اصطلاح «قرون وسطی» برای نخستین بار در قرن پانزدهم، در اروپا، به میان آمد. در این زمان دانشمندان او ما نیست (اصالت انسان) عهد رنسانس اروپا به تبعیت از زبان شناسانی که زبان لاتین را به سه دوران قدیم، وسطی و جدید تقسیم کرده بودند، تاریخ اروپا را نیز به سه دوران تقسیم کردند و زمان خود (قرن پانزدهم) را آغاز عصر جدید خواندند. فلاسفه و مورخان بعدی نیز، در قرن شانزدهم و هفدهم، این

اصطلاح را در ادبیات تاریخی و فلسفی بکار بردن و سرانجام در قرن هیجدهم میلادی قطعیت یافت و از آن پس از جانب همه مورخان بمنزله قسمتی از دورانهای سه‌گانه تاریخ (عهد باستان، قرون وسطی و عصر جدید) پذیرفته شد. اما در باره نقطه شروع و مبدأ تاریخی و همچنین خاتمه قرون وسطی، نظریه‌ها و دیدگاههای وجود دارد که ما در اینجا فقط به دو دیدگاه می‌پردازیم. در کتب کلاسیک غرب دوران قرون وسطی از سال ۳۹۳ میلادی (تاریخ تجزیه امپراتوری رُم) آغاز و تا سال ۱۴۵۳ م. (تاریخ سقوط حکومت بیزانس و تصرف قسطنطینیه از طرف ترکان عثمانی) ادامه می‌یابد. این تقسیم‌بندی بر اساس تجزیه حکومت‌ها و سقوط شهرها صورت گرفته است. اما بعضی‌ها معتقدند که قرون وسطی به دورانی اطلاق می‌شود که از سقوط نظام برده‌داری (مقارن با سقوط امپراتوری رُم غربی بدست بربرها در پایان قرن پنجم میلادی) آغاز و با انقلاب بورژوازی انگلستان (۱۶۴۰-۱۶۶۰) پایان می‌یابد.

### -تاریخ عمومی قرون وسطی

رُم وقتی که به کار تاز (بخشی از تونس فعلی) غلبه کرد، از لحاظ نظامی و اقتصادی صاحب اقتدار و قدرت شد. لذا بر یونان یورش برده و بر آن هم غلبه نمود و امپراتوری بزرگی را ایجاد کرد. بصورتی که همه ممالک جنوبی و غربی اروپا، شمال آفریقا، سوریه و آسیای صغیر در دست رومیان بود. فقط قسمتهای شمال و مشرق اروپا و شمال آسیا طوایفی می‌زیستند که از تمدن و تریتی دور بودند و تقریباً زندگی بدوى داشتند که رومیان و یونانیان ایشان را برابر می‌خواندند. در آغاز تاریخ میلادی، قبایل برابر، تصمیم به مهاجرت و تهاجم به ممالک رُم گرفتند و بنیاد آن دولت را متزلزل ساختند.

ممالک امپراتوری غربی میدان تاخت و تاز قبایل برابر شد و عاقبت درست در قرن پنجم میلادی، درهم شکست و منقرض گردید. در طول تاریخ قرون وسطی، یعنی از قرن پنجم، حمله، درگیریهای نظامی و جنگهای زیادی در اروپا مشاهده می‌شود. مثل

جنگهای ده ساله، سی ساله و صد ساله بین فرانسه و انگلیس. این جنگها تا قرن پانزدهم میلادی ادامه داشته است و از قرن پانزدهم به بعد امپراتوری رُم تبدیل به حکومتهاي پادشاهی در انگلستان، فرانسه و ایتالیا می شود و حکومت ملی یا دولت ملی فرانسه در قرن پانزدهم بوجود می آید. همچنین دولت و حکومت ملی انگلستان در همین قرن بوجود می آید.

تا اواسط قرن یازده هنوز کلیساي مسيحي به دو قسمت غربی و شرقی تجزیه نشده بود، اما پیوسته میان پاپ های غربی و روحانیون بیزانسی برخوردهایی اتفاق می افتاد. پاپ های غربی مدعی حکومت بر کلیه کلیساهاي مسيحي بودند. اما کلیساي بیزانس از امپراتوران تبعیت می کرد. سرانجام در سال ۱۰۵۴م. کار به جدایی انجامید. کلیساي غرب که پاپ در رأس آن قرار داشت لقب کلیساي کاتولیک و کلیساي بیزانس لقب ارتدکس گرفت.

در طول تاریخ قرون وسطی بطور دائم برخوردهایی میان پاپ و امپراتور رخ می داد که گاه به سود این طرف و گاه به سود آن طرف تمام می شد. سرانجام در قرن سیزدهم اختلاف به جای باریکی رسید. ابتدا پیروزی با پاپ بود، اما چیزی نگذشت که وی نفوذ معنوی خود را از دست داد. پاپ و امپراتور، هر دو بر جای خود باقی ماندند. پاپ تا به امروز هم باقی است و امپراتور تا زمان ناپلئون وجود داشت. اما آن نظریه دقیق قرون وسطایی که در خصوص قدرت این دو، ساخته و پرداخته شده بود از قرن پانزدهم به بعد تأثیر خود را از دست داد. وحدت عالم مسیحیت که مدعای این نظریه بود، در زمینه امور دنیوی با نیروی حکومتهاي فرانسه، اسپانيا و انگلستان از میان رفت و در زمینه دیانت نیز جنبش اصلاح دین - رفرم - آن را در هم شکست.

## ب - ویژگیهای قرون وسطی

در رابطه با ویژگیهای قرون وسطی می‌توان ویژگیهای زیادی را نام برد، ولی ما فقط به شاخصه‌های اصلی آن اشاره می‌کنیم. عصر قرون وسطی را بخاطر ویژگیهایی که در برداشته به نامهایی خوانده‌اند. بعنوان نمونه ایتن ژیلسون متخصص در فلسفه قرون وسطی و صاحب کتاب روح فلسفه قرون وسطی، قرون وسطی را هزار سال اندیشه مجرد می‌خواند و یا میشله مورخ فرانسوی آنرا هزار سال بدون گرمابه و یا کریستوفر داوسون آنرا عصر تاریک و وحشیگری گت‌ها می‌خواند. اما ویژگیهای قرون وسطی عبارتند از:

۱- جنگ و درگیریهای متوالی و طولانی و کشتارهای دسته‌جمعی و اعدامها.

۲- بیسواندی در سطح جامعه تا قرن دوازدهم میلادی شیوع فراوانی داشته است. اما از قرن دوازده تا چهارده بیش از چهل دانشگاه در سراسر اروپا ایجاد شد.

۳- تفتیش عقاید، سانسورهای فکری و تحمل عقیده.

۴- مجازاتهای سنگین و خرافی، مثلاً می‌گفتند برای تشخیص و تمیز دادن مجرم باید دستش را با آهن گداخته‌ای سوزاند و بعد پارچه‌ای به آن می‌بستند و پس از چند روز آن را باز می‌کردند اگر زخم التیام پیدا کرده بود او را بی‌گناه و گرنۀ مجرم حساب می‌آوردند و بعد هم مجازاتش می‌کردند.

۵- آمرزش گناهان. کلیسا و پاپ برای خودشان مسر درآمدی را یافته بودند و آن اینکه به مردم بی‌سود و بی‌فرهنگ و زودباور قبولاند که باید پیش پاپها که واسطه و نماینده خداوند در روی زمین هستند رفته تا گناهان آنها را بخشند و از این راه تجارت خوبی نصیب آنها می‌شد و منبع عمدۀ عواید پاپ‌ها بخصوص در قرن سیزدهم تجارت آمرزش گناهان بود.

۶- علاقه مردم و جامعه به معجزات، ماورای طبیعت، جن‌گیران، فالگیران،

- ستاره‌شناسان، ساحران و غیب‌گویان که در این دوران زیاد بودند.
- ۷- جعلیات، جعلیات کلیسا‌ای بخاراط بیسوادی مردم و سیله‌ای شده بود برای کسب مال. بی‌شک بیشتر مانه ترین جعلیات، موقوفات کنستانتین بود که در قرن هشتم صورت پذیرفت. ایشان (۳۰۶-۳۳۷م) حاکمیت رُم، تمامی ایتالیا و همه غرب را برای همیشه و بطور نامحدود در کف باکفایت پاپ قرار می‌داد.
- ۸- بی‌توجهی دانشمندان به حل مشکلات جامعه، اندیشمندان به مطالب بی‌ربط و به مسائلی که کمکی به حل مشکلات جامعه نمی‌کرد، مشغول بودند. اندیشمندان قرون وسطی نه در اندیشه نجات تمدن بودند و نه در پی بیرون راندن وحشیان و نه اصلاح مفاسد دستگاه حکومت. بلکه هم خویش را به موقعه محاسن بکارت و ملعنت کودکان تعیید نیافته، مقصور و محصور می‌داشتند. با چنین تفکرات انحرافی که کلیسا به دست وحشیان سپرد، دیگر جای شگفتی نیست که قرنهای بعدی در خشونت و خرافات، کمابیش از همه دوره‌های کاملاً تاریخی، درگذشت.
- ۹- انزجار و تنفر از علوم جدید یا علوم دنیوی، بعنوان نمونه گرگوری نسبت به علوم دنیوی نظر خوبی نداشت. ایشان می‌گوید به گوش ما مطلبی رسیده است که بدون احساس شرم نمی‌توانیم به ذکر آن مبادرت ورزیم. غرض اینکه آن برادر (روحانی کلیسا) را عادت بر این است که به بعضی اشخاص دستور زبان تعلیم می‌دهد. ما این عمل را به قدری خطای دانیم و به چنان شدتی با آن مخالفیم که مسموعات خود را به ناله و اندوه مبدل کردیم. زیرا که تمجید مسیح و ژپیتر نمی‌تواند از یک دهان جاری شود.
- دشمنی با علم تا قرن یازدهم ادامه داشت و از قرن یازدهم میلادی به بعد بود که کلیسا با علوم از در دوستی در آمد.
- ۱۰- نبودن استقلال فکری و آزادی در آراء، همه نظریات مبتنی بر گفته‌های پیشینیان بود. اگر کسی نظری مخالف رأی کلیسا اظهار می‌داشت، کفر گفته بود.

۱۱- شیوع مباحث لفظی، بحث بیشتر بر روی الفاظ بود؛ مثلاً

- آیا علم خدا افزایش پذیر هست یا نه؟

- آیا کبوتری که روح القدس به صورت او در آمد، حیوان واقعی بود؟

- حضرت عیسی (ع) را چون به دارکشیدند دست و پا و پهلویش را متروخ کردند،

بعد که دوباره زنده شد آیا جای رخمهای او باقی بود؟

- پیش از خلقت آدم فرشتگان کجا منزل داشتند؟

- حضرت آدم (ع) هنگام هبوط به چه قدو قامتی بود؟

از این سوالات مهم؟؟؟ می شود به روند و جریان فکری مردم و هیأت حاکمه آن زمان

پی برد.

۱۲- مبارزة با عقل و منکوب کردن آن و نشاندن ایمان بجای عقل، اگوستین قدیس که یکی از اندیشمندان مشهور قرون وسطی در قرن پنجم می باشد، شک را گناه شمرده و کشمکش بی پایانی را با عقل آغاز کرد و ادعای نمود که از طریق وحی الهی جوابهایی برای مسائل کهن‌های نظریه منشأ طبیعت و سرنوشت انسان می‌یابد.

۱۳- ارتباط دادن هر چیزی به خدا، در قرون وسطی برای کشف علت‌ها، کوشش و تلاش نمی‌شد. بلکه همه چیز را به خدا و ماوراء طبیعت نسبت می‌دادند؛ مثلاً اگر کسی مریض می‌شد به خدا نسبت می‌دادند. ولی در عصر روشنگری یعنی قرن هفدهم به علت‌ها پرداختند و رابطه‌ای بین مثلاً فلان غذا با فلان بیماری می‌یافتدند. یا رابطه‌ای را بین پدیده‌ای با پدیده‌ای دیگر می‌یافتنند.

۱۴- جدایی دین از سیاست یا آیین دو شمشیر، یعنی حفظ علایق و منافع روحانی و روحانیون بدست کلیسا و پاپ و حفظ منافع، علایق دنیوی، حصول و حفظ صلح، نظام و عدالت بدست امپراتور. این فرضیه در اواخر قرن پنجم از طرف پاپ (گلاسیوس اول) طی یک اعلام رسمی اعلام گردید و در تمام ادوار قرون وسطی این آیین به منزله یک

آین مقبول، پذیرفته شده و جزء سنت و عادت قرار گرفت.

۱۵- ترویج و توسعه علم کلام مسیحی، آمیخته به اساطیر یونانی و خرافات مذهبی. به عنوان نمونه در اساطیر یونانی شخصیتی وجود دارد به نام «پرومته». می‌گویند پرومته در آسمان با خداگلاییز شد و در فرستی که خدایان خوابشان برده بود، آتش مقدس را از آنجا دزدید و به زمین آورد و به انسانها هدیه داد. این هدیه لاجرم چشم و گوش انسان را باز کرد و انسان توانست بفهمد، انتخاب کند و اراده داشته باشد. خدایان با خبر شدند، آتش مقدسی که سالهای طولانی حفظش کرده بودند، تا مبادا دزدان آن را به دزدند و مبادا به انسان برسد، ریوده شده است. بنابراین دزد آتش - پرومته - مورد قهر و خشم خدایان واقع و رانده شد. این مطلب جزو اساطیر یونانی است. مسیحیت وقتی خواست مسأله انسان، شیطان، آدم و... را توجیه کند، آن را بر اساس همان چیزی که آمیزه‌ای از اساطیر یونان بود توجیه کرد و رابطه انسان با مذهب و خدا را یک رابطه خصمانه می‌بیند. یعنی آدم چرا از نزد خدا رانده شده، چون عصیان کرده است. عصیانش چیست؟ معرفت پیدا کردن. چرا که وقتی معرفت پیدا نکرده بود مطیع بود ولی همین که معرفت پیدا کرد عاصی شده است. بر اساس این آمرزش‌ها و باورها بود که بعدیها - عصر رنسانس و... - خیال کردند اگر علم بخواهد ترقی کند باید علیه مذهب بشورد و عاصی شود. چرا که مذهب جلوی معرفت را می‌گیرد!!.

۱۶- رکود فلسفه و اندیشه بشری، دوران قرون وسطی، دوران خلقان و دوران ظلم و تحجر بوده و تفکر و اندیشه سرکوب شده است. در حقیقت، دوران اطاعت محض انسانها از کلیسا بود، و عقل در بانکلیسا و در قید ایمان بوده است.

ویژگیهایی که ذکر شد، در طول ده قرن (۱۵-۵۵م.) قرون وسطی، دارای نوساناتی بود. این ویژگیها در دوره‌ای شدید و در دوره‌ای دیگر ضعیف بود. مثلاً قرن هفتم میلادی که مطابق است با قرن اول هجری - قمری، چون دین اسلام مانند ادیان قبلی نبود بلکه برای

عقل و استدلال جایگاه خوبی قابل بود، لذا مباحث عقلی و فلسفی در آن رشد خوبی داشت و اروپاییان با فرهنگ غنی شرق آشنا شدند. بخصوص در قرن دوازده و سیزده که دوران جنگهای صلیبی می‌باشد، آشنایی با فرهنگ غنی شرق باعث بسط افق فکری مردم آن زمان شد. جرج سارتون در کتاب تاریخ علوم می‌گوید: وقتی اروپا از نادانی قرون وسطایی رهایی یافت و عقلش چندان پخته شد که نیاز به تعمق علمی و ادراک داشت، پس از مدتی در پی تجدید رابطه خود با اندیشه باستان برآمد؛ نه به منابع یونانی بلکه به منابع عربی روی آورد. لذا غرب با ترجمه کتابهای بزرگان چون ابن‌رشد، ابن‌سینا و دیگران توانست به فرهنگ یونانی دستری پیدا کند و اینها زمینه‌های رشد و شکوفایی مغرب‌زمین شد. البته از قرن هفده به بعد عصر روشنگری و عصر علم‌گرایی است. و این بحث خود مطلب جداگانه‌ای است که تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد تحت عنوان رنسانس، ریشه‌ها، گرایش و ویژگیهای آن.

### ۳- رنسانس

قرون وسطی با رنسانس به پایان رسید و دوران جدیدی آغاز گردید. دورانی که بقول مایکل ب. فاستر صاحب کتاب خداوندان اندیشه سیاسی، «دوران دوباره جان گرفتن احساساتی بود که فرهنگ مسیحی قرون وسطی آن را زیر پا گذاشته ولی بکلی از بین نبرد. دورانی است که هنر یونانی و اندیشه‌های جمهوری رُم زنده می‌شود.» آری رنسانس (تجدید حیات) عبارتست از عکس‌العملی که مسیحیان، بعد از جنگهای صلیبی و آشنایی با مشرق‌زمین در اثر تماس با تمدن اسلامی، نشان داده‌اند. رنسانس از ایتالیا آغاز شد. در ابتدا تنی چند، به خصوص فردی بنام پترارک، دارای جهان‌بینی رنسانسی بودند؛ ولی در جریان قرن پانزدهم میلادی این جهان‌بینی به اکثریت بزرگ مردم ایتالیا، چه روحانی و چه عامی، سرایت کرد. رنسانس دوره توفیقهای بزرگی در زمینه فلسفه

نبود ولی این دوره کارهایی صورت داد که مقدمات عظمت قرن هفدهم را فراهم ساخت. اولاً دستگاه فلسفه مدرسه‌ای را که به صورت غل و زنجیر فکری در آمده بود، در هم شکست و مطالعه فلسفه افلاطون را احیاء کرد. دیگر اینکه رنسانس فعالیت فکری را به عنوان یک کار لذت‌بخش اجتماعی تشویق کرد. رنسانس یک نهضت توده‌ای نبود بلکه نهضتی بود در میان عده محدودی از علماء و هنرمندان که از طرف حامیان آزاداندیش بخصوص خاندان مدیچی و پاپهای اومانیست تشویق می‌شد، مطرح بود. خارج از عرصه اخلاقیات، رنسانس محاسن بزرگی داشت. با اینکه دوره رنسانس شهرت خود را نگاه داشت ولی تاریخ مغرب زمین به سوی بسی دینی سیر کرد. از رنسانس به این طرف دانشمندان غرب رفت و تفکر و تعهد دینی روی گردن شدند و افکار الحادی و ضدخدایی را برگرفتند.

فیلسوفان به ترویج اندیشه‌هایی همت گماشتند که در حقیقت ضد الهی بود. ساینتیسم «علم‌گرایی» یا «علم پرستی» مکتب غالب و قاهر شد و فیلسوفان و نویسنده‌گانی چون کارل پیرسون در انگلستان و ارنست رنان در فرانسه، هاکل و بوختر در آلمان و کسان دیگر از مردمان مکتب علم پرستی شدند که همه چیز را از روی قواعد علوم تجربی می‌پذیرفتند. شعار رنسانسی‌ها بازگشت به گذشته بود. (تجدد حیات). رنسانس دارای روحی نو و جوینده بود. بجای مکاتب قرون وسطایی و ارسطوری، تفکر افلاطون را قبول داشتند و علت عدم پذیرش فلسفه ارسطوری را می‌توان در ویژگیهای ساینتیسم و علم‌گرایی یافت.

### الف - تاریخچه رنسانس

در تاریخ دقیق رنسانس اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند که تاریخ شروع رنسانس زمانی است که ترکیب شهرها در حال تغییر بود. (قرون سیزدهم). بعضی دیگر

قرن شانزدهم را تاریخ شروع رنسانس می‌دانند؛ آن زمانی که این حرکت کاملاً خود را نشان داده بود. در هر صورت تاریخ شروع رنسانس از اهمیت خاصی برخوردار نیست بلکه مهم آن است که بدانیم رنسانس یعنی چه؟ «نسانس» یعنی تولد و «رنسانس» یعنی دوباره تولد یافتن. بنابراین هر رنسانسی مستلزم نسانس است.

در واقع شروع رنسانس همراه بود با مراجعه به آراء فلسفه یونان و تمدن یونانی؛ به عبارت دیگر غربیها می‌خواستند یک پرانتزی را در تاریخ بینندند که یک سمت این پرانتز اوایل رنسانس است و سمت دیگر آن سقوط رُم غربی است. یعنی اگر شما تمدن جمهوری رُم را ادامه تمدن یونانی بدانید، سقوط جمهوری رُم بدست برابرها را هم باید شروع پرانتز بدانید. یعنی سال ۳۹۵ (آغاز قرن پنجم). اتفاقاً همین کار را هم کردند؛ یعنی برای خیزش فکری جدید که شروع شده بود، دیگر در تاریکخانه‌های قرون وسطی بدبال چیزی نگشته‌ند. چون چیزی وجود نداشت؛ نه فکری و نه اندیشه‌ای، در حالی که عصر یونان باستان، یک عصر درخشانی بود که بعدها به نحوی با تمدن جمهوری رُم ادغام شد. اینها برای بازسازی فکر خودشان به عصر یونان قدیم و بعضیًّا جمهوری رُم قدیم مراجعه کردند؛ یعنی می‌خواستند بگویند که غربیها با رنسانس، تمدن یونان باستان و رُم باستان را مجددًا تحقق بخشدند. یعنی تا قبل از رنسانس، حدود هزار سال غرب در توحش بود. اروپاییان در جنگهای صلیبی از طریق فلسفه مسلمان و ممالک اسلامی و همزمان با تحولاتی که در آن سامان صورت می‌گرفت به منابع جدیدی از اندیشه دسترسی پیدا کردند. سرآغاز سیاست اروپا نیز به همین تاریخ بر می‌گردد؛ یعنی سال ۱۵۰۰ میلادی سال شروع حرکت اروپا است. ولی قبل از آن وقتی افرادی مثل «واسکو دوگاما»، «ماژلان» و ... سرزمین‌هایی را در جنوب آفریقا فتح می‌کردند، آفریقا یها چیزی کمتر از اروپاییان نداشتند؛ تنها مزیت اروپاییان داشتن کشتیهای توپدار بود که آفریقا یها از آن بی‌بهره بودند. اما به تدریج شکاف میان اروپاییان و آفریقا یها زیاد شد.

### ب - ریشه‌ها و علل رنسانس

رنسانس عوامل و ریشه‌های متعددی دارد که به سه عامل مهمتر آن - جنگهای صلیبی، ریشه‌های فرهنگی و ریشه‌های اقتصادی - به طور اختصار اشاره می‌شود.

#### - جنگهای صلیبی و تأثیرات آن

شهر قدیمی بیت المقدس که به عقیده مسیحیان مدفن عیسی مسیح(ع) می‌باشد، در اواسط قرن هفتم میلادی به تصرف مسلمین در آمد. چهار قرن بعد اروپاییان ظاهرآ به خاطر نجات قبر مسیح(ع) ولی عملآ برای جبران ضرباتی که از اسلام خورده بودند و همچنین برای تحصیل غنائم و استملاک اراضی حاصلخیز خاورمیانه، به سوریه، لبنان، انطاکیه، مصر و فلسطین حمله‌ور شدند. بیت المقدس مرکز تجارت مشرق زمین بطرف مغرب زمین بود و فلسطین راه ارتباطی بین ایندو مرکز تجاري بوده است که با تسلط مسلمین بر سواحل شرقی بخصوص با اشغال فلسطین، راه بازرگانی و اقتصادی ایتالیا به خطر افتاده بود. لذا می‌بایست راه فلسطین باز می‌شد. بدین ترتیب عامل تجاری تحت عنوان عامل زیارتی و آزادسازی قبر حضرت مسیح(ع)، موجب جنگهای صلیبی شد و جنگ شدیدی بین دو ملت بزرگ (مسلمین و نصاری) در گرفت و تا مدت دویست سال - از اواخر قرن یازدهم تا اواخر قرن سیزدهم میلادی - به طول انجامید.

در این جنگها که هشت فقره آن دارای اهمیت است، چون سپاهیان اروپایی روی سینه و پیراهن‌های خود علامت صلیب رسم می‌کردند و در اردوگاهها پرچم صلیب بر می‌افراشتند لذا این جنگها به جنگهای صلیبی نامیده شد.

رنسانس اروپایی در حقیقت عبارت است از عکس العملی که مسیحیان بعد از جنگهای صلیبی و آشنایی با مشرق زمین در اثر تماس با تمدن اسلامی، از خود نشان می‌دادند. به همین دلیل یکی از متفکران شیعه آن را مهاجرت صلیبی نامید. چون

اروپاییان آمدند و در طی دو قرن فرهنگ، آداب و تمدن اسلامی را فراگرفته و با خود به سرزینشان برداشتند لذا تمدن جدیدی را بنا کردند.

در اینجا بد نیست که اشاره‌ای از وضعیت مسلمین در آغاز جنگ‌های صلیبی داشته باشیم تا نقش و تأثیر تمدن اسلامی بر اروپای قرون وسطایی که در اوچ جهل، انحطاط و توهش بسر می‌بردند، دانسته شود و بیینیم که چگونه به یکباره بعد از جنگ صلیبی، این همه عظمت و تمدن با شکوه اسلامی همراه صلیبیان به کشورهای اروپایی منتقل شد. زمانی که جنگ صلیبی در گرفت، ممالک اسلامی از حیث ثروت از غنی‌ترین ممالک جهان به حساب می‌آمدند. انبوه جمعیت از نژادهای مختلف موج می‌زد. آبادیها بیکدیگر نزدیک و مزارع بهم پیوسته بود و دارای زراعت انبوهی بودند و به لحاظ تجارت، دارای تجارت پر رونقی بودند. کشتی‌های بازرگانی از بندر بصره، سیراف، عدن، اسکندریه و... کشیده و در سواحل هندوستان و سوماترا و همچنین در شمال فرانسه و ممالک اسکاندیناوی پهلو می‌گرفتند. کاروانهای آنها نیز تمام جاده‌ها را در آفریقا تا سودان و در آسیا تا چین در می‌نوردیدند. در «صنعت» نیز چنان حُسن شهرت داشتند که صنایع منسوب بدانها غیرقابل رقابت بود. کما اینکه مردم فرانسه اجنباسی را که در آن زمان، ساخت بلاد عربی بوده است هنوز هم به اسم آن بلاد می‌خوانند؛ مثلاً پارچه لطیف را موصلین (Movsseline) (منسوب به موصل)، تیماج را ماروکی (Maroquaie) (مشتق از کلمه مراکش)، شمشیر مُرصَع را دامسکن (Damasquine) (مشتق از دمشق)، پارچه گل دار را دامس (Damusse) (دمشقی) می‌نامند.

در «معماری» از ترکیب اصول بیزانس و استفاده از اسلوب رُم و یونان قدیم، سبک بدیع و دل‌انگیزی بوجود آورده بودند. بنای جامع کبیر در شام، جامع ابن طولون، الاحمر در قاهره، جامع سید عقبه در قیروان، قصر جعفریه در ساراغوس، جامع قرطبه و قصر الاماره در قرطبه نمونه کمال معماری آنها در فن معماری است.

در «علوم» نیز صاحب نظر بودند. کشف حرکت غیرمتشابه قمر (تیکو براهه)، تعیین میزان شعاع میل منطقه البروج، تکمیل اسطر لاب، ذات الشعوبین، حلقه اعتدالیه، ترسیم کواكب سبعه، وضع قواعد برای سنجیدن وزن مخصوص اجسام، تنظیم جداول برای تعیین عرض و طول جغرافیایی اماکن، اصلاح جدول بطلمیوس، وضع قواعد جدید در جبر و حساب، تلفیق اصول اقلیدوسی با اصول اپلیویوسی، تجویز عمل جراحی در معالجه سنگ مثانه، کشف الكل، نتیرات دارژان، اکسید دو مرکور، تکمیل کتاب دیسفوریس در باره نباتات طبی، کشف آثار تخم گیاهان در معالجه امراض محرقة از جمله ابتکارات علمای اسلام از اوایل قرن دوم تا آغاز جنگ‌های صلیبی است. در حالی که اروپاییان تا آن روز مردمی فقیر و عامی بودند. در سالهای اول جنگ جز در کسب غنائم و قتل عام اهالی و تخریب بنایها، اندیشه دیگری نداشتند و هر جا که به دانشگاه یا کتابخانه بر می‌خوردند از روی جهالت آن را آتش می‌زدند. کما اینکه کتابخانه تونس را که به همت خلفای فاطمی تأسیس گردیده بود، طعمه حریق ساختند و اکثریمیس اسقف طلیطله کتابخانه غرناطه را که دارای هشتاد هزار جلد کتاب بود سفیهانه آتش زد. ولی بعداً در طول جنگ مراوداتشان با ممالک اسلامی ادامه یافت و بتدریج با علم و فرهنگ آشنایی یافته و به ارزش کتاب واقف شدند. از آن به بعد بجای اینکه کتاب‌ها را بسوزانند با خود به غنیمت می‌برندند تا آنجا که از ترجمه آنها تمدن فعلی را که اینک موجب اعجاب نسل معاصر شده است، پایه گذاری کردنند.

در اوایل جنگ‌های صلیبی در بلاد اسلامی کتابخانه‌های بزرگی دایر بود. مثل کتابخانه بیت‌الحکمه بغداد در عهد منصور که فقط مشتمل بر کتب عربی بوده است؛ ولی در زمان مأمون وسعت بیشتری یافت و تعداد زیادی از کتب سریانی، یونانی، هندی، فارسی و قبطی بر آنها اضافه شد. از این کتابخانه برای مترجمین، مستنسخین و مؤلفین غرفه‌هایی ترتیب داده شده بود و هر کس از غرفه مخصوص بخود به کار تحریر

می پرداخت. یا کتابخانه آلبویه واقع در محله کرخ بغداد، تنها هزار جلد از کتابها به خط مؤلفین بوده است. در اندلس مت加وز از هفتاد کتابخانه وجود داشت که تنها در کتابخانه غرناطه چهارصد هزار جلد کتاب بوده است و خزانة الکتب مصر شامل ده هزار جلد کتاب به اضافه آلات و وسائل تحقیقات علمی بوده و علما و دانشمندان در آن گرد می آمدند و بکار تحقیق و تحریر می پرداختند. از این همه آثار گرانبهای مسی توان به میزان ارزش و سطح فرهنگ مسلمین آن روز پی برد.

ریمون (Rimond)، اسقف طلیطله در سال ۱۱۲۰ یعنی در اثنای جنگ‌های صلیبی، دارالترجمه بزرگی با شرکت جمعی از مترجمین واقف به اصطلاحات علمی تأسیس کرد. این اسقف بر خلاف سلف جاہل که کتابخانه غرناطه را آتش زدند، تعداد زیادی از کتاب‌های عربی را به لاتین ترجمه نمود. می‌گویند در دارالترجمه وی تنها در علم طب مت加وز از سیصد کتاب ترجمه شد.

فردریک دوم، امپراتور آلمان که قرار بود جنگ ششم صلیبی را عهده‌دار شود، هیأتی از کلیمی‌ها را مأمور ترجمه کتب عربی نمود. این هیأت علاوه بر آن، آثاری از ابن سینا، غزالی، محیی الدین عربی، ابن‌رشد اندلسی، نوشته‌های جابرین حیان و ابوالقاسم خلف بن عباس زهروی رانیز به زبان آلمانی ترجمه کرد. جابرین حیان از شاگردان حضرت امام صادق(ع) بود که بیست و هفت جلد کتاب شیمی نوشته بود. کتب وی نخست به زبان آلمانی و سپس به زبان فرانسه ترجمه شد و مبنای علم شیمی امروز گردید. ابوالقاسم زهروی از اطبای غرناطه بود که کتابی بنام التعريف لمن عجز عن التأليف نوشته و در باره اکثر امراض بحث کرده بود. این کتاب که در واقع قاموس طب به شمار می‌رفت، به تمام زبان‌های اروپایی ترجمه شد و اساس طب جدید قرار گرفت.

از جمله کتابهایی که در جنگ‌های صلیبی به دست اروپاییان افتاد و ترجمه شد، آثار یعقوب بن اسحق الکندی (صاحب دویست و سی و یک تألیف)، ابو عبدا... محمد اندلسی

(صاحب پانصد تأليف)، ثابت بن قوه (رياضي دان مشهور عرب)، احمد بن کثیر فرغانی (معروف بفراگاینوسي)، ابوالقاسم مسلمه مجریطی (مادریدی)، ابوالحسن علی المداینی (صاحب صدویازده تأليف) می باشد.

اروپاییان علاوه بر کتابهای مزبور، آثار جمعیت اخوان الصفا را نیز تماماً و بدون استثنای ترجمه کرده و مورد استفاده قرار دادند. جمعیت اخوان الصفا در سال ۳۳۴ هجری که بغداد تحت سلط آلبويه در آمد، به رهبری علی بن هارون زنجانی و عوفی و زید بن رقاعه و ابواحمد مهرجانی بطور مخفیانه تشکیل گردید. مرکز آن بصره بود. مرامش تطبیق اصل شریعت اسلام با اصول فلسفه یونان و مبارزه جدی با عقاید خرافی بود. رسالات خود را بوسیله ابوالحکم عمر بن عبدالرحمن کرمانی در اندلس پخش می کردند. کتابهای بی شماری در نجوم، هیأت، طب، کیمیا، جبر، مقابله، هندسه، حساب روانشناسی، نبات شناسی، معدن، حیوان، عشق و ازدواج منتشر کردند و صلیبی های اندلس تقریباً تمام آنها را بدست آورده و با اسمای مختلف ترجمه کردند.

هرچه جنگ طولانی تر می گشت و رفت و آمدها بیشتر می شد میزان معرفت اروپاییان فزو تر و رغبت شان به علوم و استفاده از آثار علمای اسلام بیشتر می گردید تا آنجا که ضمن جمع آوری کتب و ترجمه آنها، محصلینی به دانشگاه های اندلس اعزام داشتند و همین محصلین بودند که در مراجعت به اروپا به وسیله تدریس کتب اسلامی، اساس فرهنگ کنونی اروپا را بنیان نهادند. از میان این محصلین می توان از «آر دلهارد» انگلیسی (مترجم کتاب شرح اقلیدوسی)، «ژرارد» ایتالیایی (از اهالی کرمون واقع در شمال ایتالیا)، «آلبرت بزرگ» استاد دانشگاه پاریس، «اژرباگون»، «لئونارد او پیزه»، «آنودویلنود»، «سن طومار»، «آلبرگوان» و امثال آنان که در تاریخ اروپا بنام استادان علوم قلم زده اند، در واقع فقط مترجم با مستنسخ نوشته های علمای اسلام و شاگران مع الواسطه مکتب عرب بودند.

در خصوص نفوذ «تمدن اسلام» به اروپا، دکتر ماکس ماؤنیف می‌گوید: فرهنگ اسلام جنبشی علمی رنسانس را بوجود آورد و در حقیقت باید اعتراف کنیم که تا امروز (۱۳۳۶) ما با علوم اسلامی زندگی کرده‌ایم نه چیز دیگر. اسلام پس از ورود به کشورهای مغلوب رنگی به آنها داد که چشم‌ها را خیره نمود. شکسپیر و گالیله به درک معانی کتب ابن‌رشد افتخار می‌کردند. کریستف کلمب کشف آمریکا را وحی و اسلامی می‌دانست که از آسمان کتب و رسائل ابن‌رشد بر مغز او وارد شده است.

تشعشع تمدن مسلمین در آن تاریخ آنچنان قوی بود که بزودی اروپاییان را تحت تأثیر قرار داده و مقلد مظاهر خویش ساخت. تا آنجاکه بعد از جنگهای صلیبی زندگی آنها بکلی تغییر یافت و حتی لباسها فراخ و دراز شد و در وضع غذا و لوازم منزل نیز از عرب مسلمان تقليد می‌کردند.

«البرماله» در تاریخ قرون وسطی می‌گوید: نتیجه غیرمستقیم جنگهای صلیبی بسط و گسترش تجمل و تمدن در مغرب بود... قشوں صلیب از دیدن آثار تجمل مسلمین شیفته شده بود. استعمال فرش، آینه، اثاثه زیبای منزل، اسلحه ظریف، اقمشة فاخر و پارچه ابریشمی، حریر، پرنیان و محمول که در اوایل جنگهای صلیبی رایج و متداول بود، اروپاییان را شیفته خود کرده بود.

بهرحال طولی نکشید که این همه مفاخر مسلمانان توسط مهاجران صلیبی به غرب برده شد. در سال ۱۴۷۲ که لوئی یازدهم پادشاه فرانسه اصول تعلیماتی مدارس را جرح و تعدل می‌کرد، تدریس فلسفه ابن‌رشد اندلسی را در برنامه درسی دانشگاهها وارد نمود. در اواخر قرون وسطی که هومانیست‌ها جنبش رنسانس را بوجود آوردند، تدریس قانون شیخ ابوعلی سینا را در دانشگاهها الزامی کردند.

نتیجه: غرب با جنگهای صلیبی یا به تعبیر دقیق‌تر مهاجرت صلیبی، از تمدن شکوفای اسلامی بهره‌های زیادی را که زمینه‌ساز رنسانس و تولد دوباره غرب و بعدها باعث

شکوفایی تمدن و صنعت غربی‌ها شد، همچنان ادامه دارد.

در اینجا لازم است به بخشی از تأثیرات جنگ صلیبی بر اروپای قرون وسطاً اشاره شود که چگونه اروپا را از خواب هزار ساله بیدار کرد و موجب رنسانس شد:

۱- آخرت‌گرایی برای اینکه دوره قرون وسطی، همانطور که در خصوصیاتش ذکر شد، دوره آخرت‌گرایی افراطی است ولی بعد که با جامعه اسلامی در جنگ‌های صلیبی تماس می‌گیرند این آخرت‌گرایی تبدیل می‌شود به یک زندگی اجتماعی و سیاسی، چون اسلام یک دین اجتماعی، سیاسی و این جهانی (الدنيا مزرعة الآخرة) نیز هست.

۲- تزلزل رابطه میان مردم و کلیسا و سقوط اصالت و شخصیت روحانیت و پاپ. چون در اسلام رابطه بین انسان و خدا یک رابطه مستقیم است، واسطه‌ای میان انسان و خدا نیست. هر کس می‌تواند نماز بخواند و مستقیماً با خدا تماس بگیرد. یعنی اعمال عبادیش را بدون واسطه، میانجی و شفاعت انجام بدهد. بخلاف مسیحیت که امکان ندارد یک نفر مسیحی باشد ولی تسلیم پاپ نباشد. اگر عضو کلیسا نباشد مسیحی نیست. هر کس باید از طریق کلیسا با خدا ارتباط پیدا کند. هر کس باید کشیش داشته باشد تا کشیش اعترافات او را بشنود و واسطه شود پیش خداو پیش حضرت مسیح، در صورتی که در اسلام چنین قیدی نیست. زیرا **أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ**، شعار اسلام است.

حال در قرن ششم و هفتم، اینها وقتی به جامعه اسلامی وارد شدند و گاه نسلهای پی‌درپی در آنجا ماندند و سپس به اروپا بازگشتند، شروع به انتقاد و اشکال کردن که چرا باید دستگاه کلیسا چنین تشریفات خشک و مستبدانه‌ای داشته باشد.

ابتدا روشنفکران که جرأت اعتراض بیشتری داشتند علیه کلیسا مطالبی را طرح کردند. به تدریج این اعتراضات تبدیل به جنبشهای مذهبی و اصطلاحات توسط رهبرانی مثل لوتر و کاللون شد که نتیجه آن بوجود آمدن مذهب پروتستانیسم در برابر کاتولیک بوده است. خود این مذهب بخاطر اعتقادات و ویژگیهای خاص خودش موجب تحولات

اقتصادی و سیاسی و اجتماعی غرب شد. بطوریکه یکی از جامعه‌شناسان بزرگ غرب (ماکس وبر) علت رنسانس و تحولات اروپا را مذهب پروتستانیسم می‌داند.

۳- فرو ریختن حکومت ملوک الطوایفی (فُنْدَالِیْسِم). چون بورژوازی توسط تجارتی که با بازارهای اسلامی رابطه داشتند رشد کرد ه بود.

۴- آشنایی با صنعت، معماری، هنر، تمدن و علوم.

۵- رواج بازار تجارت جهانی و بوجود آمدن مراکز متعدد اقتصادی در اروپا.

۶- اخذ متد تحقیق از مسلمانان و گرایش به علوم طبیعی. چون قبلاً دارای گرایش ذهنی و فلسفی بودند.

۷- جانتشین شدن اقیانوس نوری و سفرهای بین‌المللی و جهانی و جهان‌گردی بجای دریاچه‌نوری و ساحل نوری.

اروپاییان در قرون وسطی فقط می‌توانستند با بلم‌های خود از کناره ساحل بگذرند و از این بندر به آن بندر بروند. ولی بعدها مسلمانان قطب‌نما را به اروپاییان آموختند. مردی بنام احمد برای اولین بار قطب‌نما را به یک جهان‌گرد اروپایی می‌دهد که بوسیله آن می‌توانند راههای دریایی را بشناسند. بعدها نقشه‌اقليمی جهان را برای اولین بار مسلمانان به اروپاییان می‌دهند. لذا با این دو وسیله (قطب‌نما و نقشه‌اقليمی) سجائی دریانوری، اقیانوس نوری شروع می‌شود که اثر بزرگی در وضع دنیا می‌گذارد. دیگر اینکه ساختن کشتبهای مدرن و بزرگ را نیز اروپاییان از مسلمانان یادگرفتند و بعدها تکمیل کردند.

- ریشه‌های فرهنگی (جنبشهای مذهبی، هومانیسم

پروتستانیسم عامل فرهنگی اساسی رنسانس بود. به گفته یک متغیر آلمانی، پروتستانیسم عبارت است از «مسيحیت اسلامیزه». یعنی مسیحیتی که در اثر آشنایی با بینش اسلامی، تفکر، تلقی و جهان‌بینی، اسلامی را گرفته ولی مسیحی باقی مانده است. (درست مثل روشنفکران غرب‌گرای مسلمان عصر جدید). یعنی در اروپا مذهب

کاتولیک در اثر تماس و آشنایی با جامعه اسلامی، اسلامیزه شد. با بیداریها یی که گروه روشنگر پروتست (اعتراض) از جامعه اسلامی دریافت می‌کند، به نظام مذهبی حاکم (اقتدار کلیسا) اعتراض می‌کند. به عبارت دیگر در جنگ صلیبی (مهاجرت صلیبی) توده غربی از بقال و تاجر و... به متن جامعه اسلامی آمدند و در کوچه و بازار و... با مردم شرقی سالیان سال زندگی کردند و با زندگی، مذهب، روابط اجتماعی و تمدن جامعه اسلامی آشنا شدند.

با توجه به تحولی که در آنها بر اثر تماس با مسلمانان حاصل شده طبیعی است که پس از بازگشت با استبداد، خفقان و تفکر کلیسا مبارزه کنند.

نفوذ تفکر و اندیشه ابن‌الرشد، ابوعلی سینا و غزالی بر غرب زیاد بود. بخصوص ابن‌الرشد، به طوری که در تاریخ فرهنگ، قرون پانزده و شانزده را دوره ابن‌رشد می‌نامند که فلسفه و منطق ابن‌رشد بر اروپا مسلط است. یعنی منطق و فلسفه افلاطون کنار زده شده است. لذا بلحاظ اهمیت تأثیر افکار ابن‌رشد در اروپای قبل از رنسانس و زمینه‌ساز بودن جنبش‌های اصلاح مذهبی توضیحات بیشتری در این باره ارائه می‌شود:

از نظر فرهنگی، فکری و تاریخی رنسانس به یک تفسیر، محصول گذار از تمدن یونان، منتها از صافی تمدن و فرهنگ اسلامی اندلس و متفکر مهمش ابن‌رشد است.

خلافت در زمان حمله صلیبی‌ها سه قسمت تقسیم شده بود. خلافت مصر، خلافت بغداد و خلافت اندلس که شامل اسپانیا و مراکش می‌شد و دارای تمدن درخشانی بود. اسپانیا بلحاظ اروپایی بودن و وجود متفکرینی مثل ابن‌رشد و ابوعلی سینا، تأثیرات فرهنگی و فکری عمیقی در اروپا ایجاد کرد. از قرون یازده تا سیزده، کلیسا به عنوان یک نهاد، اقتدار سیاسی را در دست گرفته بود. تفسیرهای شرعی از قدرت دنیوی پادشاهان (به عنوان غازیان دین مسیح، ابزار و نمایندگان کلیسا) در عمل با برخی ضرورتها و مشکلات مهم مواجه بود. این ضرورتها تمایل به خردگرایی و بحث رابطه یا تعارض

عقل و شرع را مطرح می‌کرد که در کلام مسیحی با اندیشه افلاطونی قابل طرح نبود. از سوی دیگر در قرون چهار، پنج و شش قمری تمدن عجیب و حیرت‌انگیز در ایالت جنوبی اندلس (اسپانیا) توسط مسلمانان شکل‌گرفت. در این دوره در اندلس، تحت تأثیر علوم اسلامی و تساهل خلفای اموی اندلس که موجب امنیت و تجمع علمای مسیحی، یهودی و مسلمان شده بود، در شهری بنام تولدا (طولیطوله) [در ایالت مادرید کنونی] عده زیادی از متفکران مسیحی آشنا به تمدن اسلامی، شروع به ترجمه آثار فارابی، ابن سینا و خصوصاً ابن رشد کردند. این اتفاق که در قرن دوازده میلادی رخ داد، برای فرهنگ مسیحیت و غرب اساسی و بنیادی بود، به دلیل اینکه تا آن دوره متفکران مسیحی عمدتاً به آثار افلاطون توجه داشتند؛ ولی پس از این اتفاق و ترجمه‌ها، متوجه آثار عقلگرایی ارسسطو شدند. بدین ترتیب دنیای غرب ابتدا از طریق ابن سینا و ابن رشد با آثار ارسسطو آشنا شدند و سپس مستقیماً دنبال نوشه‌های خود ارسسطو رفتند.

لذا رنسانس اروپا و حتی رفرماسیون غرب (اصلاح مذهبی) مدیون گذار منابع عقلی یونانی از طریق متفکران مسلمان بر مسیحیت است. توماس آکویناس در قرن سیزده و چهارده از اولین اندیشمندان کلیسا است که به مجموعه آثار ارسسطو دسترسی پیدا کرده و آنها را از دیدگاه کلام مسیحی و کلام مسیحی را بوسیله آنها شرح و تفسیر نمود. وی مسیحیت را در یک منظومة فکری با الزامات تعلق یونانی تطبیق (رابطه عقل و شرع) داد. مسیحیت تا زمان آکویناس، سیاست شرعی داشت. ولی با آکویناس سیاست عقلی نیز مطرح شده و بتدریج استقلال پیدا می‌کند که خود زمینه‌ساز تحولات بعدی در حکومتها و رژیمهای سیاسی مبنی بر عقل و قانونگذاری عقلی و حتی دمکراسی فعلی می‌شود. متفکران مسیحی این تحول را مدیون فلسفه اسلامی، بخصوص ابن رشد می‌دانند.

کتاب مهم ابن رشد «فصل المقال...» است که در مورد رابطه میان شرع و عقل نوشته

شده است. در این رساله ابن رشد (گفته می‌شود که) مسأله عقل یونانی و شرع اسلامی را طرح کرده و هماهنگی همه جانبه عقل و شرع را مورد عنایت قرار می‌دهد. در نتیجه عقل و شرع قادر به تفسیر و توضیح همدیگر بوده و بعنوان نتیجه بسیار بسیار مهم، راه را به سوی تفسیر عقلی شریعت باز نمود. در واقع اصلاح دینی غرب (زمینه‌ساز بسیار مهم و بوجود آمدن مذهب پروتستان) مدیون این تفکر است.

بنابراین، تفسیر و بیان ابن رشد بسیار مهم است و اثر مهمی در اروپا بر جای گذاشت. آثار ابن رشد به زبان اروپایی ترجمه شد و بتدریج یک مکتب ابن رشد لاتینی (Avorrosism) پیدا شده و بسط یافت. توماس آکویناس برخی ارجاعات خود را از ابن رشد گرفته است.

در مکتب ابن رشد لاتینی مطلبی مطرح شده که اروپاییان آن را «نظریه دو حقیقت با عقل و شرع» می‌نامند که پشتونه نظری خردگرایی قرون جدید (رنسانس و رفرماسیون و...) را فراهم نموده است. در راستای رشد و استقلال عقل و عقلگرایی، انسان غربی بموازات دو جریان فکری مهم و قوی (رنسانس و اصلاحات کلیسا) وارد عصر جدید گردید. این دو جریان فکری، از خارج و داخل، مسیحیت ارتکس را زیر فشار قرار داد. رنسانس که از مجرای مکتبهای فلسفی دنیوی (سکولار) سخن می‌گفت، تقریباً دویست سال قبل از رفرماسیون (اصلاحات کلیسا) شروع شده بود. با شروع رنسانس، مردم به فرهنگ قدیم یونان و روم باستان توجه کردند و به روش زندگی آنها که متفاوت از تلقینات دوره قرون وسطی اروپا بود علاقمند شدند.

غیر از فتوحات و اکتشافات علمی و اصلاحات کلیسا، رنسانس عنصر سومی هم داشت که اندیشه متفکران «هومانیسم» بود. این متفکران غربی انسان را در مرکز خلقت قرار می‌دادند؛ یعنی درست در نقطه مقابل کلیسا بودند. این جریان فکری و فرهنگی که پس از مدت کوتاهی اندیشه غالب اروپا گردید بطوری که هنوز هم حرف اول را در

تمدن غرب می‌زند، معتقد است که این انسان است که اصالت دارد و هر چیزی را که مطابق لذات و میل و خواست انسان باشد اصیل می‌داند. و بقیه، حتی ارزشهای کلیسا و مسیح، فاقد اصالت هستند.

ما تأثیر این اندیشه را در نقاشیهای رنسانس خصوصاً نقاشیهای ایتالیایی به خوبی ملاحظه می‌کنیم؛ یعنی هنر بطور کلی در خدمت این حرکت قرار گرفت و خیلی جالب و قابل توجه است که هنر در آغاز هر حرکتی بسیار مؤثر است. حرکات اجتماعی را می‌توان به جریان بوجود آمدن باران تشبیه کرد که ابتدا با برخاستن بخارهای لطیف همراه است تا اینکه تبدیل به سیلابهای عظیم می‌شود. در حرکتهای اجتماعی و فرهنگی، این بخارهای ضعیف همان ادبیات و شعر هستند که در آغاز هر حرکتی بروز می‌کنند و همواره هاله‌ای از رمانیسم و رویابافی را هم با خود به همراه دارند. از آنجاکه آینده خیلی روشن نیست ذهن هنرمند و شاعر توسعه یافته و به پرواز در می‌آید.

به هر حال در این مقطع هنر در خدمت او مانیسم قرار می‌گیرد؛ بطور مثال برخلاف سبک انتزاعی که در نقاشیها و مجسمه‌سازیها وغیره در گذشته مطرح بود، هنرمندان هیکلی از انسان را می‌سازند و یا می‌کشند. بازوan و دست و پایش را به روشنی (بدون پوشش) نشان می‌دهند و می‌خواهند بگویند که لزومی ندارد که شما در آسمانها به دنبال چیزهای خارق العاده بگردید بلکه بیایید همین انسان را در نظر بگیرید و به آن توجه کنید. این حرکت چون جنبهٔ هنری هم داشت، اثر قاطع‌تری بر اذهان می‌گذاشت و همراه با این او مانیسم کم‌کم رفرم مذهبی ایجاد شد و این رفرم مذهبی نیز کم‌کم به مناقشات سیاسی تبدیل گشت. زیرا هنگامی که او مانیسم حرکتش را آغاز می‌کند، انسان را به مرکز کانون خلقت می‌آورد و طبیعتاً بطور ناخواسته به قدرت و اقتدار کلیسا ضربه می‌زند. چون کلیسا در مرکز قدرت است بنابراین هر تغییر و ضربه‌ای که به کلیسا وارد می‌شود، طبیعتاً تبعات سیاسی هم دارد.

او مانیست‌ها در عوض تفسیرهای دگمی که کلیسا در مورد انجیل می‌کند و هیچ‌کس حق چون و چرا در آنرا ندارد، مسائل را مقداری بازتر در اختیار مردم قرار می‌دهند. می‌گویند که شما نباید بسیار به خودتان امیدوار باشید که با عبادات و کوشش کردن حتماً وارد بهشت خواهید (کما اینکه کلیسا می‌گفت) شد؛ خیر اینگونه نیست بلکه باید لطف الهی هم نصیب شما بشود. بنابراین با این اندیشه به مسائل صوری و ظاهری کلیسا ضربه می‌زنند و پایه‌های کلیسا نیز در همین جاها سُست می‌شود و اینجاست که زمینه‌های رفرم مذهبی فراهم می‌شود که این تحول در فرهنگ مقارن با صنعت چاپ (گوتنبرگ آلمانی ۱۴۲۰-) است که تأثیر بسزایی بر این حرکت دارد؛ یعنی هم بر او مانیسم و هم بر رفرم مذهبی تأثیر داشت. چون چاپخانه‌ها شروع به تکثیر کتابهایی که تا کنون در دسترس همگان نبوده است، می‌کنند. پس از آن ترجمه کتابهای مختلف از جمله انجیل، که چندین نوبت به زبانهای عامیانه ترجمه شده، مکرر چاپ می‌شود و در اختیار مردم قرار می‌گیرد. از آنجاکه یکی از وسایل اقتدار کلیسا این بود که به مردم بگویند شما مسائل مذهبی که نمی‌دانید اما ما می‌دانیم و مرتباً کتاب می‌خوانیم در حالی که شما خواندن و نوشتن نمی‌دانید، چاپ این کتاب‌ها، یعنی چیزی که مردم را تا کنون از آن دور نگاه می‌داشتند، تحول مهمی بود که کمک بسزایی به حرکت او مانیسم و رفرم کرد و به همان نسبت به اقتدار کلیسا ضربه زد.

پس از این، عدهٔ زیادی در جستجوی گذشته بودند. بعضی‌ها برای پیدا کردن هویت خودشان به نوعی عرفان و گنوستیسم رو آوردند که به اصطلاح همان مذهب مسیحیت بود. دو تن از کسانی که مذهب او مانیسم را از این دیدگاه اشاعه دادند «ارسم» و «لوفورد تاپل» هستند. منتها «لوفوردتاپل» بیشتر روی آوردن به عرفان و الهامات قلبی را توصیه می‌کرد و اینکه عقل انسان از رسیدن به حقیقت قادر است. پس باید بدنبال راه دیگری از شناخت بود. خصوصاً به خلسه و شوق انسانی توجه می‌کرد. «ارسم» هم کتابی نوشت

بنام «ستایش از دیوانگی» که مضمون همان شعر معروف مولوی است:

آزمودم عقلِ دور اندیش را      بعد از این دیوانه سازم خویش را

به حال او هم از این طریق به جنگ با مظاهر قدرت کلیسا رفت که خود این نوع عرفان زمینه را برای فردگرایی مذهبی آماده می‌ساخت؛ یعنی اینکه هیچ لزومی ندارد که مردم به کلیساها بروند تا آنجا خدا را ببینند و دستی به عالم اولوهیت برسانند. بقول ابن عربی اگر در پی یافتن کعبه هستید به دنبال کعبه دلها بگردید و در درون خودتان خدا را جستجو کنید. همین اندیشه‌ها بدون اینکه اصلاً جنبه ضد مذهبی داشته باشد، کم‌کم راه را برای فraigیری در مذهب فراهم می‌کرد و بدین ترتیب اقتدار کلیسا را فرو می‌ریخت. خصوصاً که اینها شروع به نوشتن «نیوتستمنت» یعنی انجیل جدید، کردند. به سبکی که در دسترس مردم قرار گیرد و مردم مستقیماً حوایج فکری و امور مذهبی خود را بر آورده سازند و دیگر دنبال کشیشه‌های واسطه بین انسان و خدا نباشند، تا اینکه پیش آنها اعتراف کنند و در مقابل، کشیشها تکه‌ای از بهشت را به آنها بفروشند.

#### -ریشه‌های اقتصادی رنسانس (بورژوازی)

سؤال این است که آیا تغییر تاریخ اروپا از قرون وسطی به قرون جدید می‌تواند علت اقتصادی هم داشته باشد؟ اگر دارد پس آن چیست؟ و بلحاظ تاریخی و جامعه‌شناسی چگونه بوجود آمده است؟

قرون وسطی را شاید بشود در دو اصل خلاصه کرد. از نظر زیربنای اجتماعی و اقتصادی، فئودالیسم است و از نظر مذهب، جهان‌بینی، فلسفه و تفکر، آخرت‌گرایی افراطی، ریاضت، زهد، معنویت پرستی ذهنی و تجرد روح است.

پس بلحاظ اقتصادی فئودالیسم (ارباب رعیتی) است که از نظر روان‌شناسی فئودالیسم انسان به زمین کشاورزی بسته است. بخلاف تجارت که انسان را به لحاظ فکری و اعتقادی متحرک و متزلزل بار می‌آورند. چون دائماً با اعتقادات، افکار و جهان‌بینی‌های

مختلف و بعضًا متضاد روبرو است. یعنی وقتی شیوه اقتصاد باز (تجاری) پیاده می‌شود، همراه خودش عوامل تغییرات فکری و فرهنگی و... را هم می‌آورد. فئودالیته دارای تولید بسته می‌باشد. تولید و مصرف روی یک دایره دور می‌زند. بنابراین اندیشه و افکار دوره فئودالیته تفکر بسته است و مذهب نیز بسته است؛ مثلاً می‌گویند: مذهب همین است. بقیه مذاهبان کفر و ظلمات مطلق است. اروپا در قرون وسطی، خیال می‌کرد از لیسبون، پایتخت پرتغال، به آن طرف دریا ظلمات است و از این طرف، به طرف مشرق تازننو و سواحل ایتالیا و از آن طرف هم برابرها هستند.

حال با این مقدمه، وارد کیفیت پیدایش و رشد بورژوازی که از عوامل اقتصادی بسیار مهم رنسانس و تحولاتی بعدی است، می‌پردازیم.

بورژوازی، یعنی رشد طبقه متوسط که بر اساس زندگی شهری، پولی، تجاری و صنعتی زندگی می‌کند و متوسط است؛ یعنی نه ارباب است و نه رعیت. طبقه بورژوا است که بعدها طبقه فئودالیته را نابود می‌کند و خودش جانشین آن می‌شود. پس بورژوا طبقه متوسط کاسب‌کار و مغازه‌دار دهات است نه ارباب و نه رعیت. بنابراین حالت تسلیم و پرستش و اعتقاد به فضیلت ارباب ندارد، بخودش متکی است. خودش کار می‌کند و خودش پول در می‌آورد و خودش از آن ارباب بهتر می‌فهمد. بورژوا بر عکس فئودال ویران‌کننده گذشته‌ها و سنت‌های است. برای اینکه از لحاظ بینش، لباس، روابط، فکر و همه چیز را در ده عوض کند، مصرف جدید و فکر جدید با خودش به دهات می‌آورد. بورژوا احساس منطقی و تحلیل عقلی دارد. در واقع این بینش بخلاف فئودالیته متناسب با پیشرفت و تکنیک و متناسب با تولید اقتصادی است.

حال رنسانس، یعنی تحرک ناگهانی علیه قرون وسطایی (نظام فئودالیته)، با جهان‌بینی باز و متحرک و سازنده تکنیک و تمدن جدید در بورژوا تجلی پیدا کرده است. بورژوا با دستگاه کلیسا، که وابسته به فئودال و اشرافیت است، بنناچار درگیر می‌شود و

هماهنگ با جنبش اصلاحات کلیسا و هومانیست‌ها و... عمل می‌کند. برای همین است که پرتوستان به تحریر ثروت و مال دنیا بنام مذهب اعتراض کرد و بالعکس، مال دوستی و مادیت و اصالت اقتصاد را عنوان اساسی ترین خواست خداوند و مشیت الهی اعلام کرد. لذا کشورهایی نظیر آمریکا، آلمان و فرانسه که مذهب پرتوستان را پذیرفته بودند از کشورهای دیگر از رشد تکنیکی و صنعت بیشتری برخوردار شدند برخلاف اسپانیا و ایتالیا که کاتولیک باقی ماندند.

در قرون چهاردهم و پانزدهم همگام با اکتشافات جغرافیایی (قرن مهاجرتها، قرن کشف آمریکا، قرن ورود به آسیا) راههای تجاری جدید، بندرها و بازارهای بزرگ و تجارت بین‌المللی در اروپا به وجود آمد. جامعهٔ بستهٔ قرون وسطایی اروپا را تبدیل به جامعهٔ بازکرد و در اثر تماس تجاری بین شرق و غرب، بورژوازی به وسیلهٔ کالاهای جدیدی که از کشورهای اسلامی ساخته می‌شد، رشد کرد. با رشد بورژوازی فئودالیسم و کلیسا که وابسته به اشرافیت بود، ضعیف شدند. پس در واقع رشد بورژوازی ناشی از تماس تجاری است. یعنی رشد بورژوازی بوسیلهٔ کالاهای مرغوب جوامع اسلامی بود که به عنوان تاجر اروپایی از بلاد اسلامی می‌خریدند و به اروپا می‌بردند. حتی در موزه‌های اروپا مارک قلابی («الله») را بر روی یک صلیب که در اروپا ساخته شده بود، یافت شد. (مثل بعضی از کالاهای فعلی که برای فروش، مارک شرقی را بر روی کالای که خودشان تقلیبی می‌ساختند، نصب می‌کردند تا از نام کالای مرغوب شرقی استفاده کنند و کالایشان به فروش بروند).

### ج - ویژگیهای رنسانس (قرن جدید)

۱- مادیگری، از خصوصیات مهم رنسانس توجه به جهان مادی (نه آخرت) و اعتماد

قوی به نیروی انسان است. در قرون وسطی به زندگی پس از مرگ توجه زیادی می‌شد. ولی رنسانس علاقه زیادی به این موضوع نداشت. چون رنسانس «عقل» و «فردیت آزادی» را پایه‌ای برای اخلاق خودش تلقی می‌کرد. بدین ترتیب جدایی حوزه‌های «خصوصی/عمومی» و «جامعه مدنی/دولت» به لحاظ اندیشه سیاسی قهری بود. چون فرد و رای مصالح عمومی و الزامات دولت، یک فضای گسترده‌ای از احتیاجات، نیازها، علائق هنری و شخصی و... را نیز احساس می‌کرد.

۲- بشرپرستی (اومنیسم)، یعنی زندگی انسان برای انسان است و به بودن یا نبودن خدا کاری ندارد. در عین حال ضد مذهبی هم نیست؛ یعنی بازگشت به تفکر یونان و روم قدیم که یک طرز تفکر صدرصد بشرپرستی دارد. این تفکر تمام نیروهای انسانی را برای بهتر زیستن در روی زمین و ترقی و تکامل او بسیج می‌کند.

در واقع اگر بخواهیم مذهبی برای غرب بعد از رنسانس در نظر بگیریم «مذهب اومنیسم» است. این تفکر (مذهب) در عقاید فلسفی، هنر، شعر، ادبیات و تمام وجوده تمدن غربی حاکم است.

۳- علمگرایی و سیانتیسم، یعنی اولاً تمام عقاید و افکار باید از قوانین و تحلیل‌های علمی سرچشمه بگیرد. ثانیاً، مذهب، خدا، روح و بسیاری از معنویات حقیقت ندارند. چون در دایره علم تجربی و اثباتی نمی‌گنجند. ثالثاً هیچ چیز را نپرستید و هیچ چیز مقدس نیست جز آنچه را که علم می‌گوید و....

علمگرایی یا مکتب سیانتیسم عبارت از یک مکتب اصالت علم که حقایق غیر عقلی و غیر آزمایشگاهی را قبول ندارد. لذا علم معبود بشر شده و بجای خداوند نشست و رسالت هدایت انسان را در زندگی بر عهده گرفت و مردم و متفکران در قرن شانزدهم الى نوزدهم به این پدیده نوظهور ایمان داشتند که نجات‌شان خواهد داد. برای هدایت، دیگر نیازمند وحی الهی و آسمانی نیستیم ولی در قرن بیستم بشر علمگرا به بن‌بست می‌رسد و

هوچیگری بر تمدن مادی غربی سایه می‌افکند و لذا الان مدرنیسم (علم‌گرایی و اثبات گرایی) جای خودش را به پُست مدرنیسم داد.

۴- اصالت فرد و توده جامعه، یعنی خواست و تمایل نفسانی افراد (آزادی فردی) بر همه چیز مقدم است.

۵- تزلزل در مبانی اعتقادی، جهان‌بینی، سنت‌ها، عادات اجتماعی و سنتی، ایمان مذهبی و اخلاق.

۶- جنبش‌های اصلاح طلبانه مذهبی، در پی روز آمد<sup>(۱)</sup> کردن مذهب مسیح از داخل مسیحیت بود. مهمترین این نهضت‌ها عبارت بودند از نهضت لوتر، کالون و انگلیکان که در نهایت این اصلاحات و رفرم مذهبی منجر به مذهب پروتستان شد که در نقطه مقابل کاتولیک بوده و موجب جنگ‌های سی‌ساله و صد‌ساله و... در اروپا شد.

۷- اصالت عقل و نقادی متون و مفهوم کتب مقدس، اگر چه مکتب اصالت عقل بطور مطلق مخالف مذهب مسیحیت نبود اما مخالف ارتدکس بود و بدنبال تفسیرهای عقلی از شریعت مسیح (ع) بوده است. یعنی رنسانس فقط به مذهبی علاقه داشت که در چارچوب عقلی محدود باشد. پیروان اندیشه رنسانس هرچند که شرارت ذاتی انسان را به کلی انکار نمی‌کردند (چنانکه ما کیاول می‌گفت)، اما علی‌الاصول با اعتقاد به گناه اولیه مسیحی مخالف بودند. کانت اطمینان داشت که عقل انسان کامل است و می‌تواند تمام مشکلات بشر را حل کند. بدین طریق اعتقاد ارتدکسها درباره هبوط و سقوط انسان مسخره‌آمیز تلقی شد. عقل‌گرایی انسان را به آزادی و فردیت ارتقاء داده و با خوشبینی به آینده، فرصت‌های گرانبهایی را ایجاد کرده بود. پیشرفت‌های تکنولوژیکی نیز، موجب اقبال گسترده و توده‌پسند عقل‌گرایی شد تا آنجاکه در اوآخر قرن نوزدهم برای متفکران وارث رنسانس تقریباً غیرممکن بود که دینی داشته باشند. همچنین زمینه‌های زیادی برای این

1. up to date.

حکم نیچه فراهم شده بود که «خدا مرده است...» البته این حکم چالشهای زیادی را در عرب ایجاد کرد که در تقابل با آن اکنون اندیشه جدیدی تحت عنوان «پُست مدرن» طراحی شد.

به هر ترتیب نقادی تعالیم موجود کلیسا، نقطه مشترک همه نهضتهای اصلاحگرها بود که اصولاً مبتنی بر عقلگرایی ملهم از رنسانس بوده است. مفهوم نقادی این است که پژوهشگران کتاب مقدس کوشش می‌کنند تا بجای عقاید خشک کلیساوی، دلایل منطقی و علمی برای نظرات خود بیابند. با چنین رویکردی دو جریان فکری مذهبی (جنبشهای مذهبی و اصلاحگر مثل پروتستان) و رنسانس اساس نظری مدرنیته (انسان خردگرا) را پایه گذاری و استمرار بخشیدند.

نقادی کتاب مقدس به دو طریق صورت می‌گرفت؛ نقادی متن و نقادی مفهوم. نقادی متن به مشکلات متن کتاب مقدس توجه می‌کرد در حالی که نقادی مفهوم کار خود را از جایی آغاز می‌کند که نقد متن تمام شده است. نقد مفهوم نهایتاً در باره هر مطلبی که کتاب مقدس بیان می‌کرد، شک و تردید بوجود می‌آورد و بدینسان مفاهیم کتاب مقدس نیز در محک عقل کاوشنگر، آزاد و نقاد ارزیابی و سنجیده می‌شد.

در پایان لازم به ذکر است که تمام ویژگیهای قرون قدیم (یونان باستان و روم) به نوعی و یا با تغییراتی از ویژگیهای قرون جدید تلقی می‌شود.

## پرسش

- ۱- متغیران غربی تاریخ غرب را به چند دوره تقسیم می‌کنند؟
- ۲- خصوصیات قرون قدیم را نام ببرید.
- ۳- تاریخچه قرون وسطی را بنویسید.
- ۴- وجه تسمیه قرون وسطی را توضیح دهید.
- ۵- تاریخ عمومی قرون وسطی را توضیح دهید.
- ۶- چهارتا از ویژگیهای قرون وسطی را بنویسید.
- ۷- شیوع مباحث لفظی در قرون وسطی از ویژگیهای آن دوره است. با مثالهایی آنرا توضیح دهید.
- ۸- رنسانس چه بود و چه تحول فکری در رنسانس واقع شده است؟
- ۹- علل و ریشه‌های رنسانس را نام برد و بطور اختصار توضیح دهید.
- ۱۰- جنگهای صلیبی و تأثیرات آن را بنویسید.
- ۱۱- پیشرفت‌های مسلمین در اوایل قرون وسطی در زمینه‌های مختلف چه بوده است؟
- ۱۲- تأثیرات جنگهای صلیبی بر اروپای قرون وسطی چه بوده است؟
- ۱۳- ریشه‌های فرهنگی رنسانس را در چند سطر بنویسید.
- ۱۴- ریشه‌های اقتصادی رنسانس را در چند سطر بنویسید.
- ۱۵- چهارتا از ویژگیهای رنسانس را ذکر کنید.

## درس سوم

# استکبار جهانی و

# کشورهای جهان سوم

### هدف کلی

آنالیز فرآیندان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس بتوانید:

### هدفهای رفتاری

از شما فراگیرندگان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس بتوانید:

۱- دو واژه استکبار و امپریالیسم را تعریف کنید.

۲- سه تا از شیوه‌های سلطه استکبار را توضیح دهید.

۳- شیوه ایجاد درگیری و بحرانهای منطقه‌ای و اختلافات مرزی را با ذکر نمونه‌ای توضیح دهید.

۴- شیوه تسلط بر افکار عمومی از طریق رسانه‌های گروهی را بیان کنید.

۵- شیوه نفی اصلت‌های فرهنگی و ارزش‌های انسانی را توضیح دهید.



## استکبار جهانی و کشورهای جهان سوم

### ۱- مقدمه

همواره ملت‌هایی بر ناملایمات زندگی فائق آمده‌اند که توانایی، استعداد و موانع رشد خود و دشمنان خود را شناخته و با یافتن هدف و طریقه زندگی، سرنوشت خود را رقم زده‌اند.

تاریخ حیات بشرگواه این است که همواره در میان اقوام، نژادها، گروهها و طبقات مختلف، برخی روند اعمال سلطه را بر دیگران، پیش گرفته‌اند. این سلطه‌گری و استکبار مراحل و درجات متفاوتی را طی نموده و زمانی بدین حد رسیده که به بهره‌کشی از تن رنجور محرومین اکتفا نکرده است؛ بلکه سلطه‌گران برای اینکه انسانها بر اثر فطرت خداجویی و با هدایت انبیا، به خالق و رازق حقیقی خود پناه نبرند و از زیر ستم آنها شانه خالی نکنند، در جهت ارضاء امیال نفسانی خویش، خود را معبد و رازق خلق معرفی و آنها را به تعظیم و عبودیت در برابر خود و داشته‌اند. قرآن برای نمونه، فرعون را ذکر کرده است. زمانی دیگر، استکبار با به برگی کشیدن انسانها که قرنها پیش از ظهور اسلام رواج داشت و تا صدوسی سال قبل ادامه یافت، سلطه خویش را بر آنان اعمال کرد و تجارت بردۀ در دوران استعمار کهن رونق فراوانی یافت. این تجارت از قرن پانزدهم، توسط دریانوردان پرتغالی با ایجاد درگیری بین قبایل آفریقایی و اسیر گرفتن و فروش آنها در قبال کالاهای تجملی اروپا، شروع شد و بعد توسط دیگر استعمارگران ادامه یافت

که با کشف آمریکا اهمیت زیادی پیدا کرد. مهاجران اروپایی با به سلطه کشیدن بر دگان، در مزارع آمریکا و در بخش‌های عمرانی دیگر مثل جاده‌سازی، معادن و غیره، با کار طاقت‌فرسای بر دگان، به انباست سرمایه پرداختند. در این مرحله هرچند مستکبران نمی‌توانستند ادعای الوهیت کنند ولی از این عامل روانی برای کنترل برده‌ها استفاده می‌کردند. به آنها تلقین می‌کردند که سفیدپوست، از جانب خداوند حکم می‌راند. اصول دینی که به آنها آموخته می‌شد حاوی این نکات بود: خداوند ارباب را به ما اعطای کرده و به ما فرمان می‌دهد که از ارباب اطاعت کنیم. آنچه امروز به عنوان استکبار با آن رو برو و هستیم، مجموعه‌ای از کشورها است که با جذب سرمایه‌های کلان و علم و تجربه و پیشرفتی که حاصل تلاش عملی و فکری بشر است و با غارت منابع ملل بی‌دفاع جهان سوم، سلطه نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را بر جهان گسترده است.

از آنجاکه بررسی ابعاد مختلف استکبار جهانی لازم بوده و شناخت آن برای مردم کشور ما از اهمیت خاصی برخوردار است، در این مقاله سعی بر آن است تاییان شود که استکبار در عصر حاضر، چگونه سلطه خود را بر ملل جهان اعمال می‌کند؟ ضمن معرفی اجمالی اهدافِ استکبار جهانی، بخشی از شیوه‌های اجرایی آن بیان می‌گردد. در اینجا سزاوار است که به توصیه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی(ره) اشاره شود. امام راحل(ره) در پیام خود به حاجاج بیت الله الحرام در ذیحجه ۱۴۰۷ فرمودند:

«روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نسبیت دگرگونی جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بیسماً یند. تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرتها و قدرتها خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند.»

## ۲- تعاریف استکبار و امپریالیسم

استکبار آن است که شخص اظهار بزرگی و تکبیر کند با آنکه اهلش نیست. تکبیر فقط سزاوار خداوند است چون او صاحب کبریا و عظمت است. این واژه در زبان عربی از ریشه «کبیر و کبیر» به معنی قدر و منزلت و بزرگی سن می‌باشد.<sup>۱</sup>

در اینجا بیشتر جنبه زیاده‌روی در تکبیر، مورد نظر است. به این نحو که شخص آنچه دیگران دارند به خود نسبت می‌دهد و تا جایی پیش می‌رود که ادعای خدایی می‌کند و می‌گوید: «أنا ربكم الاعلى» نظام‌های استکباری اساساً مجموعه‌های فکری نوظهوری هستند که امکانات مادی و اندیشه بشری را به استخدام خود در آورده‌اند و حاکمیت خود را به انحصار مختلف بر ملل ضعیف تداوم بخشیده و به رقابت و تفوق طلبی مشغولند.

امپریالیسم که از یک بینش استکباری ناشی می‌شود، عنوانی است برای قدرتی که بیرون از حوزه ملی خود به توسعه‌طلبی و تصرف سرزمینهای دیگر می‌پردازد و مردم آن سرزمینهای را بازور به فرمانبری از خود و ادار می‌کند و از منابع اقتصادی و انسانی آنها به سود خود بهره‌بازاری می‌کند.<sup>۲</sup> «مورگنتا» هر نوع سیاست خارجی را که هدف تغییر وضع موجود باشد، امپریالیسم می‌خواند.<sup>۳</sup>

با توجه به این تعریف ممکن است کسی بگوید، در زمان ما سیاست آمریکا امپریالیستی نیست؛ زیرا نه تنها خواهان تغییر وضع موجود نیست بلکه مدافعانه کشورهای مورد تهاجم است. لذا این واژه در مورد لشکرکشی‌های امثال هیتلر، ناپلئون، دوران استعمار کهن و امپراتوری‌های قبل از آن صادق است.

۱- سیدعلی اکبر قریشی، قاموس قرآن، ج ۶

۲- داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، ص ۳۶

۳- Hans J. Morgenthau, *Politics among Nations*, Kenneth W. Thompson, P.59.

در پاسخ می‌توان گفت که انگیزه انجام هر کاری، نتیجه آن است. اگر چه دخالت‌های آمریکا در خارج از مرزهای جغرافیایی آن، با عنوان دفاع از صلح و امنیت جهانی و حقوق بشر توجیه می‌شود اما شکی نیست که عمدۀ ثروت‌های طبیعی و انسانی کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین به چند کشور با صلح توسعه یافته بویژه آمریکا سرازیر است و میلیونها انسان، در وضعیت فلاکت‌بار، با غارت منابع و جذب مغزهای مبتکر خود مواجه می‌باشند. آن هم بیشتر بخاطر حاکمیت ایادی وابسته به استکبار که با حیله‌های سیاسی و حمایتهای خارجی یا کودتا، بر ملل محروم مسلط شده‌اند و با سلب آزادی از مردم و اندیشمندان، باعث فرار یا عدم بازگشت بعد از تحصیل آنان به وطنشان، در خدمت به ملت خویش می‌شوند. به طور خلاصه می‌توان گفت که انگیزه امپراتوری‌ها و مهاجمان توسعه طلب از لشکرکشی، اعمال قدرت و بهره کشی از اقوام دیگر بوده است و امپریالیستهای قرن بیستم با شیوه‌های نو به این هدف رسیده‌اند. تفاوتی ندارد که این سلطه گری بخاطر روح استکباری باشد یا بخاطر کسب پرستیز جهانی یا منطقه‌ای و یا برای جلب منافع بیشتر. چون راههای نوین و فریبنده‌تری وجود دارد، نیاز به تصاحب سرزمینهای دیگر کمتر شده است؛ اگر چه آمریکا از هجوم به کشورهای ضعیف، جهت حفظ منافع خویش، دریغ نمی‌کند و عندالزوم به تغییر وضع موجود دست می‌زند.

استکبار برای رسیدن به اهداف خویش از شیوه‌های متعدد نظامی، سیاسی، فرهنگی و... بهره می‌گیرد که به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

### ۳- شیوه‌های اجرایی استکبار

#### الف - شیوه‌های نظامی

##### - دخالت نظامی

شیوه‌های نظامی استکبار با دخالت و حضور مستقیم در مستعمرات آغاز شد. پرتغال

در قرن شانزدهم توسعه طلبی را آغاز کرد و پیشکراول تجارت گستردۀ ای با مناطق مأورای اقیانوسها گردید. تا این زمان کالاهای اقیانوس هند و شرق دور، در انحصار دریانوردان عرب بود که آنها را به کانال سوئز می‌رساندند. اما دیری نپایید که اعراب در مقابل پرتغالی‌ها تسلیم شدند. سپس هلندیها و بدنال آن انگلیسیها و فرانسویان، روشهای استعماری در پیش گرفتند و کم کم قدرتهای بزرگ اروپایی، جهان را بین خود تقسیم کردند. در غارت کشورها هر کجا که با مقاومتی روبرو می‌شدند با حمله نظامی پیش می‌رفتند. تا اوایل قرن بیستم فرهنگ، زبان رسمی و حکومتهای اکثر کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکایی را تغییر دادند. در این چهار قرن دخالت مستقیم، امری عادی تلقی می‌شد. با پایان جنگ جهانی دوم و به رسمیت شناخته شدن استقلال ظاهری کشورها، سلطه گری استکبار با حضور مستقیم، محدود شد. اگرچه آمریکا در ویتنام و شوروی سابق در افغانستان همین روش را بکار گرفتند.

#### - توطئه و حضور غیرمستقیم

استکبار به منظور حفظ منابع مادی خود در سایر کشورها، هر کجا که حضور نظامی مستقیم را مقرون به صرفه نمی‌دید با استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم و اعزام مستشاران نظامی و ایجاد حکومتهای وابسته توسط عوامل نفوذی و ایادي داخلی قدرت طلب و یا دست پروردۀ های شیفتۀ فرهنگ غرب، وضعیتی ایجاد می‌کرد که سلطه عملی و استعماری اش ممکن شود. در این مورد می‌توان به ایران زمان قاجار و پهلوی اشاره نمود.

#### - ایجاد درگیریها و بحرانهای منطقه‌ای و اختلافات مرزی

استکبار جهانی همواره وجود کانونهای تشنج و اختلاف را از عوامل مهم توجیه حضور خود می‌داند و با ایجاد مناطق بحرانی در نقاط مختلف جهان زمینه را برای دخالت و بهره گیری خویش مهیا می‌سازد. پس از آنکه کشورهای جهان سوم خواهان استقلال و

رهایی از بند استعمار شدند، استعمارگران برای تداوم تاراج منابع آنها به شیوه‌های نوین، که ایجاد زمینه اختلاف در قلمرو اقوام و ملل جهان بود، دست زدند و مرزهای کشورهای استقلال یافته را بدون ملاحظات جغرافیایی، تاریخی و نژادی تعیین کردند و باعث جنگهای قومی، مذهبی و... شدند.

نمونه بارز این تشنجهای و تأمین منافع استکبار، جنگ خلیج فارس و حمله عراق به ایران و کویت می‌باشد.

نیکسون می‌گوید:

«منطقه خلیج فارس مرکز سمبیلیک جهان اسلام است و بی‌گمان برای آمریکا ارزش حیاتی دارد... در درازمدت تهدید ناشی از ایران به مراتب خطرناکتر از عراق می‌باشد. تهدید ناشی از عراق یک تهدید نظامی است و فلسفه سکولار آن فراتر از مرزهایش هیچ جذابیتی ندارد. در حالی که تهدید ناشی از ایران هم مذهبی و هم نظامی است...»<sup>۱</sup>

در عالم سیاست، بازیگرانی راکامیاب می‌دانند که هنر ایجاد بحران و میوه‌چینی آن را داشته باشند. با ذکر مواردی از منافع آمریکا در بحران حمله عراق به کویت روشن می‌شود که طراحان بحران چه قدر تهایی بودند.

۱- با پایان جنگ ایران و عراق، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، چه از نظر رقبای غربی و چه ساکنین خلیج فارس و چه مردم آمریکا، مشروعیت نداشت. لذا برای ایجاد مشروعیت به بحرانی تازه نیاز بود.

۲- آمریکا با فروپاشی رقیب اصلی خود (اتحاد جماهیر شوروی) لازم می‌دید که با ایجاد بحران‌های نظامی درگوش و کنار جهان و با دخالت خود، پرستیز ابرقدرتی خویش را همچنان از طریق نظامی‌گری و سلطه بر مناطق استراتژیکی جهان حفظ کند.

۱- مجتبی امیری، ریچارد نیکسون و رویای رهبری آمریکا در جهان، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۰-۷۹، ص ۳۳.

- ۳- تأمین هزینه لشکرکشی و حضور دائمی ناوگان خود، از کشورهایی چون کویت در خلیج فارس بطور مجانی به عنوان حافظ صلح و حامی آنها.
- ۴- نظارت کامل بر صدور نفت و جلوگیری از تکرار بحرانهای نفتی و افزایش قیمت آن. مانند سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹.
- ۵- نیاز به تهدید شیوخ خلیج فارس به قطع رابطه سیاسی با ایران و در انزوا نگهداشت آن.
- ۶- ایجاد هماهنگی بین حکام خلیج فارس در مقابله با شورش‌های احتمالی که علیه آنها بوقوع می‌پیوندد. نظری آنچه در بحرین می‌گذرد.
- ۷- تهدید و تحکیر ایران با مانورهای مشترک و جلوگیری از نفوذ ایران در کشورهای خلیج فارس.
- ۸- ایجاد ترس و نامنی سرمایه‌گذاری در این کشورها، جهت انتقال دلارهای نفتی هرچه بیشتر به بانکهای آمریکا.
- ۹- سنجش حکومت‌های خاورمیانه و روحیات مردم مسلمان این کشورها خصوصاً با جبهه گیری صدام در مقابل اسرائیل و زمینه‌سازی برای سازش ساف با اسرائیل.
- ۱۰- ایجاد هماهنگی در کشورهای عربی خلیج فارس، جهت سازش با اسرائیل و برقراری رابطه با آن.<sup>۱</sup>
- ۱۱- رقابت شدید اقتصادی آمریکا با ژاپن و آلمان در بدست گرفتن بازارهای تجاری خلیج فارس.<sup>۲</sup>
- ۱۲- نیاز به نابود کردن سلاحهای پیشرفته که در اختیار صدام گذاشته بودند. با توجه به مواد فوق می‌توان نتیجه گرفت که منافع متصور در خلیج فارس برای

۱- اریک دیویس، ترجمه ایرانی طلب، جنگ خلیج، افسانه‌ها و واقعیت‌ها، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۷- ۷۸.

۲- همان مدرک، شماره ۷۹- ۸۰، ص ۶۲.

آمریکا، در هیچ کجای دیگر موجود نیست و از دست دادن دلارهای نفتی - که او در مقابل حضور نظامی، فروش تسلیحات و کالاهای خود به کشورهای خلیج فارس دریافت می‌کند - موجب شکست امپریالیسم آمریکا در رقابت با اروپا و ژاپن خواهد بود. لذا حضور نظامی آمریکا برای همیشه - در منطقه‌ای که ۶۰٪ از نفت جهان را تأمین می‌کند و ایران اسلامی، اصول‌گرایان و عراق پان عربیسم هر لحظه ممکن است این شاهرگ حیاتی آمریکای سلطه گر را قطع کنند - ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین باید صدام تحریک می‌شد تا با وجود زمینه‌هایی مانند ۶۵ میلیارد دلار قرض به کویت و عربستان و احتمال شورش و کودتا در ارتش بخاطر نارضایتی از جنگ بی‌حاصل با ایران و اقتصاد نابسامان عراق و از بین رفتن وحدت ملی این کشور، دست به ایجاد بحران برای حل مسائل خود بزند. آن هم با حمله به کویت تامیوه شیرین آن، نصیب آمریکا شود و توجیه کافی برای حفظ سلطه و حضور دائمی در این منطقه استراتژیکی خاورمیانه بدست آید. این نمونه کاملی از حرکات مرموز استکبار در زمان ما است.

#### -تجارت اسلحه

کشورهای استکباری با فروش تسلیحات به ملل جهان سوم علاوه بر اینکه آنها را به خود وابسته می‌کنند از پیشرفت اقتصادی و سرمایه‌گذاری آنها نیز جلوگیری می‌نمایند تا مصرف کننده کالاهای آنها باقی بمانند و تا منابع طبیعی جهان سوم با تجهیزات نظامی که برای نابودی آنها در نظر گرفته شده است، مبادله شود.

از آنتونی سمپسون در کتاب «تکاپوی جهانی» نقل شده است که:

«افزایش بودجه نظامی در دوران شاه سرگیجه آور بود. در سال ۱۹۶۴

معادل دویست و چهل و یک میلیون دلار، در سال ۱۹۷۴ چهار میلیارد دلار

و در سال ۱۹۷۷ ده میلیارد دلار بود. ارتش ایران در سال ۱۹۷۸ دو برابر

ارتش انگلیس و به سه هزار تانک مجهز است. نیروی دریایی اش بزرگترین

هورگرافت دنیا را در اختیار دارد و چهار ناوشکن به آمریکا سفارش شده است. نیروی هوایی اش چهارمین قدرت در جهان و دارای چهارده هزار پرسنل و نهصد هیلکوپتر است... و این در حالی است که «نابرابری دهشتناکی در توزیع منابع مالی و انسانی وجود دارد. در چنان کشور فقیری، ثروت‌اندوزی تجار و تجمل گستاخانهٔ تنی چند، ابدأ قابل تحمل نیست. چهل و پنج خانوادهٔ ۸۵٪ شرکتها و بنگاههای عظیم را در گتلر دارند. فساد، تمامی چرخ دنده‌های جامعه را پوشانیده است. هیچ قراردادی بدون حق دلالی کار چاق‌گنها، انجام نمی‌شود.»

اگر این بودجه‌ها صرف نظامی‌گری نشده بود، آمریکا با پیروزی انقلاب وحشت نمی‌کرد و برای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انگیزهٔ کمتری داشت و این نکته هم روشن است که اگر شاه در خریدهای نظامی خود ایران را با انگلیس و آلمان مقایسه می‌کند و می‌گوید فرقی بین ما نیست، این همان القایات ایادی آمریکاست که ایران را خط مقدم جبههٔ امپریالیسم در مقابل ابرقدرت شرق می‌دانستند و به دنبال پیمانهای نظامی منطقه‌ای، سعی داشتند با تبدیل کردن ایران به یک قدرت نظامی، در روز حادثه از بهانهٔ اعلام بیطری، جلوگیری کنند و ضمناً مانع سرمایه‌گذاری صنعتی شوند و ایران بعنوان یک مصرف‌کننده باقی بماند.

#### -کودتا-

یکی از روشهای عملی استکبار در برخورد با مردم مسلمان و جهان سوم، روی کار آوردن حکومتها نظامی وابسته است. اینان تحت تأثیر و با برنامهٔ مستشاران نظامی هرچند صباحی در کشوری به نفع استکبار دست به خونریزی یا قتل عام‌های گسترده می‌زنند تا سلطهٔ اربابان امپریالیسم خود را تداوم بخشدند.

۱- جراد منصوری، شناخت استکبار جهانی، مؤسسه آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷، ص ۷۸.

## ب - شیوه‌های سیاسی

### - تسلط بر افکار عمومی از طریق رسانه‌های گروهی

استکبار امروزه جهت اجرای هر سیاست و برنامه‌ای، چه کوتاه‌مدت و چه بلند‌مدت، از طریق رسانه‌های گروهی مثل خبرگزاری‌های بین‌المللی، رادیو و تلویزیون، ماهواره و مطبوعات و... افکار عمومی مردم جهان را آماده پذیرش می‌کند. در اینجا برای آسان شدن مطلب فقط به مثالی که دکتر گاری آلن، نویسنده کتاب «هیچ کس جرأت ندارد آن را توطئه بنامد»، که به اعتراف خود بیست سال در کنار سیاستمداران آمریکا شاهد دوزوکلک‌های آنها بوده، اشاره می‌کنیم. او تبلیغات رسانه‌های خبری را به یک سرگرمی بچه گانه تشییه می‌کند و آن منظره‌ای است که عکسی در میان عکس‌های متعدد مخفی شده و کودک سعی می‌کند تا آن را بیابد. پس از یافتن آن پی می‌برد که این عکس از اول جلوی چشمش بوده است. او می‌گوید اهداف سیاستمداران (استکباری) با ظرفت خاصی بین انبوه اخبار و گزارش‌های مخفی می‌گردد و با سلطه بر افکار عمومی قدم به قدم به آن نزدیک می‌شوند.<sup>۱</sup> مثال زنده آن، تبلیغات آمریکا علیه ایران به بهانه زیر پا نهادن حقوق بشر و سعی در ساخت سلاح اتمی می‌باشد.

### - تفرقه‌افکنی و از بین بردن همبستگی و وحدت ملی

ایجاد تفرقه، نفاق و دشمنی میان اقوام و گروههای مختلف یک جامعه و دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و نژادی، یکی از مهمترین اصول استراتژی عملی استکبار جهانی برای اعمال سلطه بر کشورهای جهان سوم بویژه کشورهای اسلامی می‌باشد. قرآن کریم نیز در این آیه «و جَعَلَ أَهْلَهَا شَيْعَأَ يَسْتَعْضِعُفْ طَائِفَةً مِّنْهُمْ»<sup>۲</sup> همین سیاست

۱- گاری آلن، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، هیچکس جرأت ندارد آنرا توطئه بنامد، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۳، ص ۱۷.

۲- ترجمه آیه «فرعون اهل زمین را گروه گردانید و طایفه‌ای را به استضعف کشاند.»، آیه ۳، سوره قصص.

استکباری و فرعونی را بیان می‌کند. این شیوه استعماری گاه به جنگهای خانمان‌سوز داخلی در کشورها منجر می‌شود. در ایران نمونه‌های بارز آن از زمان سلطه صفوی و درگیریهای شیعه و سنی و جنگ علیه امپراتوری عثمانی به چشم می‌خورد و در زمان استعمار انگلیس با فرقه سازیهای رنگارنگ باصطلاح مذهبی مثل بایگری و بھایگری، وهابیت و امثال آن باعث غفلت مسلمین از دشمن اصلی استکباری شد. نمونه تازه آن جنگهای داخلی افغانستان است و اگر سخن از حکومت اسلامی در این کشور فراموش شود و دیگر استکبار احساس خطر نکند آنوقت تمام احزاب درگیر با اشاره قدرتهای خارجی به یک وحدت ملی خواهند رسید ولی تا هدف اسلام است، عمال استکبار به تفرقه‌افکنی مشغولند.

#### -استفاده از سازمانها و مجامع بین‌المللی

میل به بقا و نیاز به آسایش و امنیت، ملل کوچک و بزرگ را برابر آن می‌دارد که منابع مادی و معنوی، حیات سیاسی، استقلال و تمامیت ارضی خود را از گزند حوادث و بحرانها به وسیله‌ای مصون دارند. سازمانهای بین‌المللی، ظاهراً با چنین هدفی به وجود آمده‌اند. اما متأسفانه با نفوذ‌گستردۀ آمریکا در این سازمانها و تأمین درصد بیشتری از بودجه آنها و عده و وعید به نمایندگان رژیم‌های وابسته و توجیه آنها، اهداف شوم استکبار، قانونی و عملی می‌شود. نمونه‌های آشکار آن، استفاده از سازمان ملل متحد برای حمله به عراق، دخالت‌های آمریکا در عراق و لیبی و تصویب قطعنامه‌های تحریمی عليه آنها به بهانه‌های واهی می‌باشد.

#### -حمایت از رژیمهای وابسته و سرکوب جنبش‌های مخالف

امروزه سلطه استکبار جهانی عموماً توسط حکام و رژیمهای وابسته اعمال می‌شود. هرچند این رژیمهای مستبد و ناقض حقوق بشر و سرکوب‌گر باشند ولی تا جایی که مخالفت عملی با سیاستهای جاری استکبار نداشته باشند، نه تنها بخاطر شکنجه‌ها و کشتار

مردم خود، محکوم نمی‌شوند بلکه استکبار جهانی به نفع آنها عمل می‌کند. نمونه این برخوردها حمله شوروی سابق به افغانستان به حمایت رژیم کمونیستی، حمایت فرانسه از کودتای الجزایر و سرکوب بنیادگرایان اسلامی و حمایت آمریکا از شیوخ خلیج فارس و محمد رضا شاه در کودتای بیست و هشتم مرداد علیه مصدق می‌باشد.

### ج - شیوه‌های فرهنگی و اجتماعی

#### - نفی اصلالهای فرهنگی و ارزش‌های انسانی

از آنجاکه بخش اعظم رفتار انسان، مبتنی بر ارزشها و معیارهای اخلاقی و تابع عقاید او است لذا تلاش در زمینه‌های اعتقادی ملتها از گذشته‌های دور، امری مهم و اساسی بوده است و بر این اساس اگر مهمترین بخش سیاستهای جاری استکبار را بعد فرهنگی آن و جایگزینی ارزش‌های غربی به جای ارزش‌های اسلامی بدانیم بیراهه نرفته‌ایم.

امام خمینی(ره) در پیام به حاجج می‌فرمایند:

«آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع)، احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان، پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاست گذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند.»<sup>۱</sup>

#### - جذب افراد و نیروهای کارآمد

سرمایه‌های معنوی یک ملت را اندیشمندان، روشنفکران و متخصصان معتقد به اصالت فرهنگ بومی تشکیل می‌دهند. بنابراین مسئولان متعهد هر کشور می‌کوشند تا با

۱- جواد منصوری، شناخت استکبار جهانی، مؤسسه آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷، ص ۱۰۴.

ایجاد دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی و علمی، نیاز آینده جامعه را از توصل به کارشناسان بیگانه بر طرف نمایند. اما جهت دریافت تخصصهای بالا و تکنولوژی پیشرفته، مجبور به اعزام دانشجو به خارج از کشور می‌باشدند. در نتیجه بسیاری از افراد با استعداد اعزامی ملّ عقب‌مانده با ناباوری، نظاره‌گر عظمت پیشرفتهای علم و تکنولوژی و آثار جذب و فریبند آن می‌شوند و در این اندیشه که تفاوت ما و آنها در چیست آنچه در ظاهر می‌یابند تضاد فرهنگی موجود است و بدون ملاحظه به علل اصلی عقب‌ماندگی جهان سوم، با القایات دشمنان دوست‌نما نسبت به فرهنگ سنتی خود بی‌تفاوت می‌شوند و با امکانات و موقعیت‌هایی که بعد از تحصیل، استکبار بخاطر عدم تمایل انتقال تکنولوژی به جهان سوم و عدم بازگشت این متخصصین در اختیارشان می‌گذارد، آنها غافل از اینکه هزینه سالها تحصیل آنها را دست‌رنج چه کسانی تأمین کرده است به استخدام ماشین صنعتی غرب در می‌آیند و ملت محروم خویش را که نیازمند بهره‌برداری از آموخته‌ها و تخصصهای فرزندان خود می‌باشدند، در فلاکت و انتظار رها می‌کنند. در حالی که همه کسانی که مدارج علمی را طی کرده و در کشورهای توسعه یافته مقیم شدند اگر به سرزمین خود باز می‌گشتنند بسیاری از گرفتاریهای ملت خویش را بر طرف می‌کردند و از وابستگی آن می‌کاستند. در گزارش تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (انکتاد)، در سال ۱۹۷۵ میلادی/ ۱۳۵۴ شمسی چنین آمده است:

«مهاجرت دانشمندان، مهندسان، پزشکان و جراحان از جهان سوم به حدّ وحشتناکی رسیده است. پنجاه و سه هزار نفر متخصص، بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. بیشتر از ۲۰٪ همه دانشمندان و مهندسان جدید الاستخدام، بین سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ در آمریکا از خارج آمده بودند.»

### -تربیت مدیران و زمامداران

مدیران، زمامداران و کسانی که سرنوشت ملتها را رقم می‌زنند، مناسبترین ابزاری هستند که سلطه‌جویان غرب به آنها چشم دوخته‌اند و تلاش می‌کنند تا به این وسیله به اهداف جهانی خود دست یابند و چون اکثر کارگزاران کشورهای جهان سوم، فارغ‌التحصیل دانشگاههای غرب هستند اساسی‌ترین برنامه‌های درازمدت استکبار، تأثیر و نفوذ فرهنگی بر دانشجویان اعزامی به غرب است و این امر بوسیله باشگاهها، انجمنها و سازمانهای نظیر فراماسونری و غیره صورت می‌گیرد. این مؤسسات با شناسایی افرادی که زمینه فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دارند آنان را کاملاً چه در دوران تحصیل و چه بعد از مراجعت به میهن، زیر نظر می‌گیرند و با ارتباط مستقیم و غیرمستقیم از آنان عناصری وابسته به غرب و مدافعانه اجرای سیاستهای خود و مبلغانی رایگان جهت نشر اندیشه و فرهنگ جوامع غربی می‌سازند. این غرب‌گرایان به جای تطبیق آموخته‌های علمی خود با ارزش‌های جامعه خویش، فرهنگ بومی خود را مانع رشد و ترقی، معرفی می‌کنند و به نفی ارزش‌های فرهنگی می‌پردازند و موجب انحراف در جامعه می‌شوند. در حالی که ایدئولوژی و فرهنگ بومی، مانع برای پیشرفت علمی و صنعتی ملتها محسوب نمی‌شود. در این خصوص می‌توان به کشورهای ژاپن، چین، کره و... اشاره کرد. بخصوص اسلام در ممالک اسلامی، نه تنها مانع رشد و پیشرفت آنها نمی‌شود بلکه مشوق اصلی برای پیشرفت ملتها است. آیات و روایات تعقل و تفکر، اندیشمندان را به دو سو هدایت می‌کند؛ یکی شناخت خالق و دیگری کشفیات و اختراعاتی که هر روز شاهد آن هستیم.

در خبری راجع به دستاوردهای شورای فرهنگی بریتانیا اخیراً آمده است که سی و دو نفر از زمامداران و اداره‌کنندگان کشورهای جهان، تحصیلکردهای انگلیس هستند. طی پانزده سال قبل از کودتای کمونیستی افغانستان به طور متوسط سالانه هزار نفر برای

تحصیلات دانشگاهی به شوروی و بلوک شرق اعزام می‌شدند. حتی پنج سال قبل از آن کودکان هفت ساله را به شوروی می‌بردند تا دوره دبستان را نیز به طور شباه روزی در آنجا بگذرانند و از ابتدا با مقاومت کمونیستی آشنا شوند. نتیجه کار به قدرت رسیدن نظام کفر و الحاد در این سرزمین اسلامی و اکنون نیز نفوذ در گروههای اسلامی و ایجاد جنگهای ویرانگر و خانمان سوز شد. در سال (۸۵-۸۶) در خاورمیانه از نظر اعزام دانشجو به آمریکا هفت کشور در صدر بودند: ایران (۱۴۲۱۰ نفر)، لبنان (۹۴۰ نفر)، عربستان (۹۰۰ نفر)، کویت (۳۹۸۰ نفر)، اسرائیل (۲۴۸۰ نفر) و ترکیه (۲۶۴۰ نفر). بسیاری از این گونه افراد که عامل تهاجم فرهنگی غرب و یا مخالف ارزش‌های اسلامی اند، اکنون در سطوح مختلف، مدیریت وزمام امور مسلمین و کشورهای جهان سوم را به عهده دارند. در دوران رضاخان و محمد رضا شاه، ملت ماگرفتار چنین اشخاصی بود که ارزش‌های مادی و معنوی جامعه را فدای اجرای سیاستهای اربابان استکباری خود می‌کردند.<sup>۱</sup>

#### - اشاعه فساد و ترویج فحشاء

استکبار جهانی زمانی می‌تواند آسوده خاطر به غارت سرمایه‌های مادی و معنوی مردم جهان پردازد و کسی مزاحم او نباشد که انسانیت و شهامت نیروهای فعال بویژه جوانان را به بی‌هویتی و لابالی‌گری مبدل سازد. در این روند فساد اخلاق، اعتیاد به مواد مخدر، فحشاء و بی‌بندوباری عوامل مهمی هستند که نقش بسزایی ایفا می‌کنند. استکبار و ایادی آن بوسیله این عوامل روح مردانگی، ایثار و تلاشگر جوانان پرکار جهان سوم را به پستی و پوچی سوق می‌دهند و بعد ایادی خود را به راحتی بر آنها مسلط می‌کنند. همانطور که اسپانیا پس از سال‌ها جنگ و عدم کامیابی، بوسیله ترویج فحشاء توانست مرکز مهم اسلامی در اروپا را تسخیر کند و مسیحیت را حاکم گرداند. در این مورد می‌توان نظری به کشور ترکیه افکند که تا دیروز پایتخت خلفای

<sup>۱</sup>. همان منبع، ص ۱۱۹.

عثمانی و اسلام بودولی امروز فساد اخلاق، فحشاء و بی‌بندوباری به اوج خود رسیده است.

### -جاسوس پروری

امروز بخاطر مسافرت‌های گسترده‌ای که در کشورهای توسعه‌یافته جهت تحصیل، کاریابی، سیاحت، تجارت و مداوا صورت می‌گیرد، سازمانهای جاسوسی استکبار با شناسایی افرادی که در مراکز نظامی، اقتصادی، سیاسی و غیره کار می‌کنند و یا می‌توانند با آنها ارتباط برقرار کنند، اهداف شوم خود را دنبال می‌کنند که یکی کسب اطلاعات محرمانه و سری در هر زمینه‌ای است و دیگر القای طرح و سیاستهای خود به آن مراکز برای ایجاد وابستگی هرچه بیشتر و یا به شکست و انحراف کشاندن انقلابات است.

بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحده، وزیر سابق اطلاعات اعلام کرد، بیش از هزار جاسوس سیاکه در رابطه با جنگ تحمیلی در ارگانهای مختلف فعالیت داشتند، شناسایی شدند. اینها در حالی به مزدوری دشمن قدّار مشغول بودند که رزمندگان غیور ما، بخاطر حفظ و دفاع از اسلام و کشور انقلابی، هدف آماج سلاحهای آتشین دشمن قرار می‌گرفتند. ممکن است انگیزه مزدوری چنین افرادی بخاطر دلایل ذیل باشد:

۱-مخالفت با مکتب و نظام حاکم.

۲-ناآگاهی و فقر مالی.

۳-خوشگذرانی و عافیت طلبی و تجمل‌گرایی که با این همکاری، پول و امکانات لازم را بدست می‌آورند.

۴-ارتکاب اعمال خلاف و تهدید سازمانهای جاسوسی مطلع، به افشاری اعمال آنان.<sup>۱</sup>

با چنین انگیزه‌هایی، افراد یک کشور بدام می‌افتدند و اطلاعات لازم را در اختیار سازمانهای جاسوسی قرار می‌دهند و سیاستهای غلط آنها را با یافتن واسطه‌ها و طرح دوستی به طور غیر مستقیم به اجرا در می‌آورند و عامل بدینختی ملت خود می‌شوند.

۱-سعید الجزایری، ترجمه عباس سعیدی‌فر، سازمانهای اطلاعاتی و جهان، انتشارات سکه، ۱۳۶۳، ص ۱۲.

## پرسش

- ۱- دو واژه استکبار و امپریالیسم را توضیح دهید.
- ۲- شیوه‌های اجرایی استکبار را نام ببرید.
- ۳- استکبار چگونه سلطه خود را بر ملت‌های جهان سوم اعمال می‌کند؟
- ۴- شیوه‌های نظامی استکبار را نام ببرید.
- ۵- ایجاد درگیری و بحران‌های منطقه‌ای و اختلافات مزدی از شیوه‌های نظامی استکبار است لطفاً آنرا توضیح دهید.
- ۶- چه منافعی از حمله عراق به کویت نسبت آمریکا شد؟ چند مورد را ذکر نماید.
- ۷- چرا حضور نظامی دائمی آمریکا در خلیج فارس برای منافع آمریکا ضروری است؟
- ۸- شیوه‌های سیاسی استکبار را نام ببرید؟
- ۹- تفرقه افکری و ازین بردن همبستگی و وحدت ملی از شیوه‌های سیاسی استکبار است، لطفاً آنرا توضیح دهید.
- ۱۰- شیوه‌های فرهنگی و اجتماعی استکبار را نام ببرید.
- ۱۱- اشاعه فساد از شیوه‌های فرهنگی و اجتماعی استکبار است. خطرات آنرا برای جوامع اسلامی با توجه به نمونه تاریخی اسپانیا (اندلس) مذکور شوید.
- ۱۲- با استفاده از بحث شیوه‌های فرهنگی و اجتماعی استکبار و... توضیح دهید که چرا استکبار در بی‌بی‌هیت کردن مردم بخصوص جوانان و خودباخته کردن آنان نسبت به فرهنگ بومی و ارزش‌های اصیل اسلامی است؟
- ۱۳- اصولاً چرا عده‌ای از فرهنگ و ارزش‌های غنی خود بیزار و خودباخته شده و مقهور فرهنگ بی‌محتوای بیگانه می‌شوند؟



## درس چهارم

# واکنش ایران در برابر

## استعمار و استبداد

### هدف کلی

آشنایی فراغیران با نهضتها و مبارزات مردم مسلمان ایران به رهبری علماء در دوره قاجار و پهلوی است.

### هدفهای رفتاری

از شما دانش‌پژوهان عزیزان‌انتظار می‌رود پس از خواندن این درس بتوانید:

- ۱- اقدامات میرزا شیرازی و لغو امتیاز رزی را توضیح دهید.
- ۲- سه تن از رهبران بر جسته نهضت مشروطه را نام ببرید.
- ۳- سیاست عدمی شهید مدرس را توضیح دهید.
- ۴- نقش آیة الله کاشانی را در نهضت ملی شدن صنعت نفت بیان کنید.
- ۵- تصویب‌نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی را توضیح دهید.
- ۶- کاپیتولامسیون را توضیح دهید.



# واکنش ایران در برابر استعمار و استبداد

## ۱- نهضت تباکو

### -تحریم تباکو اولین مقاومت منفی در ایران

نهضت تباکو در ایران از حوادث مهمی است که می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ معاصر دانست. شکستی که استعمار در این نهضت متحمل شد، با آن وسعت و سرعت، سابقه نداشت.

یکی از نکات برجسته این نهضت، نقش رهبری آن است. مرحوم آیة‌الله محمد حسن شیرازی با برخورداری از مقام مرجعیت، با حکم تحریم تباکو طی یک مقاومت منفی، امتیاز تباکو را برابر هم زد و مردم را از سیطره بیگانگان نجات داد. هیجانی که علیه امتیاز تباکو پدید آمد، از یک سو تکرار نقش علماء در مخالفت با استبداد و استعمار و از سوی دیگر پیش‌درآمد جنبش مشروطه بود. پیروزی این نهضت تأثیرات زیادی در پی داشت. ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان می‌گوید:

«از این ارتقای امتیاز رژی، ملت ایران دانست که می‌شود در مقابل سلطنت ایستاد و حقوق حقه خود را مطالبه کرد.»

### -اعطای امتیاز تنبَاکو

ناصرالدین شاه در مسافرت سوم خود به انگلستان، احتیاج شدیدی به پول داشت. در چنین هنگامه‌ای سیاستمداران انگلیسی بر آن بودند تا امتیازی کسب کنند، بنابراین مأمور تالبوت انگلیسی امتیاز توتون و تنبَاکو را از ناصرالدین شاه درخواست می‌کند. شاه ضمن قبول درخواست، وی را به ایران دعوت می‌کند. در ظاهر، تالبوت طرف امتیازات است، ولی در واقع دولت انگلستان پشت سر او است. تالبوت کمپانی رژی را با گرفتن امتیاز تنبَاکو تأسیس می‌کند.

در سال ۱۲۶۷ شمسی امتیاز انحصار تنبَاکو به مدت پنجاه سال در مقابل حق الامتیاز، سالی پانزده هزار لیره و اگذار می‌شود. سهل‌انگاری و سستی دربار در مورد این امتیاز همه را به شکفتی و داشت، مخصوصاً وقتی آن را با امتیازی که در این مورد دولت عثمانی داده بود، مقایسه می‌شد. زیرا حق الامتیاز عثمانی سالی ششصدوسی هزار لیره بود.

### -علت مقاومت

تنها زیان مادی، علت اصلی مقاومت مردم نبود؛ بلکه خشم آنها از تسلط شرکت بر سرتاسر ایران بود. شرکت از ابتدا به اقدامات مشکوکی دست زد که ارتباطی با امتیازش نداشت. شرکت مرکز کار خود را در خیابان علاءالدوله آن زمان (فردوسي فعلى)، بشکل قلعه مستحکمی در آورد. برای خود سپاهی و تفنگدار داشت. این وضع در شهرها جنبه جدی تری داشت. به بهانه کمک به شرکت، هزاران زن و مرد انگلیسی وارد ایران شدند که در تهران و سپس در شهرستانها پراکنده شدند و شروع به تبلیغ مسیحیت کردند. گویا این شرکت حرکتی نظیر کمپانی هند شرقی در هند داشت.

مهمنترین جنبه این قرارداد ننگین از جهت فرهنگی و اجتماعی بود. انگلیس

می خواست تا حدی که تیغ آنها می برد، فرهنگ اسلامی این ملت کهنسال و قدیمی را، از آنها بگیرد و فرهنگ بی محتوا و ارزش‌های مادی اروپایی به اصطلاح متmodern را جایگزین آن کند. چون اگر می توانست فرهنگ اسلامی این ملت را از او بگیرد، به همه اهداف سیاسی، اقتصادی و استعماری خود به راحتی دست می یافت.

### - قیام مردم و رهبری علماء

نخستین فریاد اعتراض از شیراز، به رهبری یک روحانی بنام سید علی اکبر فال اسیری، برخاست.

دومین اعتراض از سوی مردم تبریز صورت گرفت. علماء به نشانه نارضایتی ضمن صدور اعلامیه‌هایی، همکاری با بیگانگان را ممنوع اعلام کردند.

سومین حرکت اعتراض آمیز به رهبری آقانجفی، مجتهد بزرگ در شهر اصفهان، آغاز شد. قیام مردم به حدی شدید و سریع بود که حتی پیش از صدور حکم تحریم تباکو از سوی میرزا شیرازی، فروش و استعمال تباکو در آنجا تحریم شد.

در تهران و مشهد و سایر شهرهای ایران هم با پرچمداری علماء، مبارزات و اعتراضها گسترش یافت و ایران یکپارچه در برابر این اقدام شاهانه، قیام کرد و همه دست به دامن میرزا شیرازی شدند.

سید جمال الدین اسدآبادی طی نامه‌ای به میرزا شیرازی، اوضاع ایران و سیاستهای استعماری و امتیازاتی را که پی در پی از جانب دربار به بیگانگان داده می شد، شرح داده و انتظار ملت را در اعلام نظر او بازگو می کند.

### - اقدامات میرزا شیرازی و لغو امتیاز رژی

آیة الله شیرازی در سامرا اقامت داشت و در آن زمان مرجعیت مطلق را دارا بود. وی

طی نامه‌ای به شاه نوشت که اجازه مداخله اتباع خارجه در مملکت، رودررویی با فرامین قرآن است. وی امتیاز تنبـاکو را عملی ننگین نامید و حتی به طرق مختلف به دربار ایران اتمام حجت نمود و سرانجام در آذرماه ۱۲۷۰ شمسی اعلامیه‌ای بدین شرح صادر می‌نماید:

«بسم الله الرحمن الرحيم اليوم استعمال تنبـاکو و توتون بـأى نحوـ كـان در  
حـكم محـارـبـهـ بـاـ اـمـامـ زـمـانـ صـلـواتـ اللهـ وـ سـلامـهـ عـلـيـهـ اـسـتـ».

بر اساس این حکم در مدت قلیلی بطور کامل، استعمال تنبـاکو و توتون در تمام کشور متروک شد. حتی در بعضی از نقاط تظاهرات بطور مستقیم شاه صورت گرفت که او را به وحشت انداخت. شاه ابتدا عملیات شرکت را در داخل کشور منع کرد و چون فایده نداشت مجبور به لغو کلی امتیاز گردید. کمپانی رژی پانصد هزار لیره غرامت مطالبه داشت و شاه این پول را از بانک شاهی، که از طرف انگلیسیها با امتیاز رویتر تأسیس شده بود، قرض کرد.

ملت در این نهضت اسلامی به واقع، جزئی از حاکمیت خود را بطور رسمی و عنی اعمال کرد و موفق شد تا نیروهای متجاوز خارجی و مستبد داخلی را عقب بزنند.

## ۲- مشروطیت

### - نهضت مشروطه

نهضت مشروطه ایران جنبشی ملی و مردمی بود که بر اثر سالها مداخلات قدرتهای خارجی، نابسامانی، نامنی، فشار فقر و محرومیت توده‌های محروم و نیز در مقابله با فساد حکومت و خودکامگی و آزمندی بسیاری از حکمرانان دوران استبداد در تهران و شهرستانها، پدید آمد و با رهبری و مبارزه پیگیر شماری از پیشوایان مذهبی و آزادیخواهان راستین بخصوص در تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و رشت شکل گرفت.

این مبارزه پس از چند سال به برقراری حکومت پارلمانی انجامید و این در تاریخ نهضتهای ملّی و تحولات سیاسی ایران رویدادی بزرگ بود. رویدادی که نظام حکومتی، اداری و اجتماعی ایران را دگرگون کرد. مبدأ این نهضت را می‌توان تاریخ قتل ناصرالدین شاه (۱۲۷۵/۲/۱۲ش.) در نظر گرفت.

### -عوامل مشروطه-

حوادثی که در مجموع دلیل پیدایش مشروطه شد، اعم از عوامل و زمینه‌های فکری داخلی و خارجی، از جمله آنها می‌توان به شکست ایران در دو جنگ با روسیه و انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای، برقراری کاپیتولاسیون، بی‌اعتباری دولتمردان در خارج از کشور بعلت بی‌لیاقتی و آگاهی جمعی از ایرانیان از وضع ممالک اروپا، امتیازاتی که دولتها روس و انگلیس با رقابت در ایران بدست می‌آوردن و قرض‌هایی که بدلاً لیل خاص و شرایط اسارت‌بار اخذ می‌شد، عدم توجه زمامداران ایران به حقوق واقعی مردم در سرنوشت مملکت و از دست رفتن قسمتی از خاک ایران در شمال و شرق، آمادگی گروههای زیادی از مردم برای تحول که آزمایش آن را در واقعه تباکو نشان داده بودند، ظلم و جور و تعدی عمال حکومت و مسافرت‌های زائد و پرخرج سلاطین به اروپا، اشاره کرد.

در این زمان خزانه دولت از خزانه شخص شاه جدا نبود و شاه عواید دولتی را همانند ثروت شخصی خود در هر جایی که دلش می‌خواست، خرج می‌کرد. فشار مالیاتی مردم را خرد کرده بود.

تحرک مراجع مذهبی و آگاه ساختن مردم به آنچه در کشور می‌گذشت قسمتی از عواملی است که در انقلاب تأثیر داشت. با نیرومندتر شدن فریاد اعتراض مردم، کم‌کم

شكل عصیان به خود گرفت و در سراسر ایران انجمن‌هایی تشکیل شد.

بدنبال آگاهی مردم در سال ۱۲۸۴ شمسی و تشکیل کمیته‌ای زیر نظر سه روحانی برجسته زمان، آیة‌الله سید عبدالله بهبهانی، آیة‌الله سید محمد طباطبائی و آیة‌الله شیخ فضل‌الله نوری، شب‌نامه‌هایی منتشر ساختند و از طرف دیگر وعظات و روحانیون به تشریح اوضاع برای مردم پرداختند؛ که در این رابطه چون جنبه روحانیت نهضت غلبه داشت و روسها مخالف آن بودند، نوز بلژیکی را لباس روحانیت پوشانیدند و از او در حال مسخره‌ای عکس گرفتند و متعاقب آن آشوبی پیشید و مردم با انگست‌فرض روس را ویران کردند. در نتیجه زد خوردی که پیش آمد، جمعی کشته شدند و علمایک ماه در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. بدنبال آن بنا شد عدالت‌خانه تأسیس شود ولی صدراعظم از این کار طفره می‌رفت. در اثر راهپیمایی‌ها و برخورد مردم با نیروهای دولتی، یک طبله هدف تیر قرار گرفت و مردم جسد او را روی دست گرفته و بسوی مسجد سید عزیز‌الله به راه افتادند که در اثر محاصره مسجد حدود یکصد نفر کشته شدند. پس از این کشтар، مهاجرت کبیر بسوی قم شروع شد و عده‌ای از مشروطه‌طلبان نیز در سفارت انگلیس تحصن اختیار کردند؛ در چنین شرایطی در تاریخ ۱۲۸۵ش. مظفر الدین شاه فرمان مشروطیت را صادر کرد.

### ۳- نهضتها و مبارزات پس از مشروطیت

#### دلایل پیدایش نهضتها بعد از مشروطه

ملت ماکه پس از انقلاب مشروطه، انتظار استقلال، آزادی و رفاه را داشت، با مصائب بسیاری مواجه گردید؛ زیرا امپریالیستهای انگلیس، روسیه تزاری و آلمان در جهت اجرای برنامه‌های استعماری خود در ایران، به نزاع برخاسته و مداخله در امور ایران را بیشتر نمودند. اختلاف میان آلمان و روسیه از یک طرف و آلمان و انگلستان از طرف

دیگر در ایران، جزئی از مناقشاتی بود که قدرت‌های استعماری را در آستانه جنگ اول جهانی قرار داد. در اوایل جنگ، ایران فقط از استقلال، عنوانی داشت؛ در حالی که بیطرفی خود را اعلام کرده بود، ارتش عثمانی آذربایجان را اشغال کرد و در نواحی غرب ایران عملیات جنگی بین انگلیس و روسیه با آلمان و عثمانی ادامه یافت و سرانجام شمال ایران در تصرف روس و جنوب در تصرف قوای انگلیس در آمد. در این وضعیت که حکومت ایران فقط جنبه تشریفاتی داشت و ملت بستوه آمده بود، افرادی در گوشه و کنار مملکت پیدا شدند تا زنجیرهای اسارت را پاره کنند و آزادی و استقلال کشور را تأمین نمایند. اینان می‌دیدند که وضع اقتصادی کشور به وحامت گراییده، خرایهای ناشی از جنگ مردم را به فلاکت رسانده، خزانه کشور تهی شده، قیمت نان و سایر مایحتاج چندبرابر شده و قحطی، گرسنگی و بیماری شیوع پیدا کرده است. همه این عوامل، ریشه نهضتها بی است که در اواخر دوران جنگ اول جهانی و بعد از آن در ایران ظاهر گردید. نهضت جنگل در گیلان، قیام خیابانی در تبریز، جنبش دشتستانیها و تنگستانیها در جنوب و پایداری کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان از آن جمله‌اند.

#### -نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان

یونس معروف به میرزا کوچک، فرزند میرزا بزرگ، اهل رشت، متولد ۱۲۵۹ شمسی، شخصیتی روحانی بود که بعلت خیانت زمامداران، شور و حرارتی برای مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی داشت. وی در گیلان به صفوف آزادیخواهان پیوست و برای سرکوبی محمدعلی شاه در دوران استبداد صغیر، روانه تهران شد. در زمان جنگ جهانی اول با گرویدن به اندیشه اتحاد اسلام در صدد برآمد تا با راه انداختن تشکیلاتی نظامی به مبارزه علیه استبداد و استعمار و نجات کشور بپردازد. بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ و نفوذ شدید انگلیس در کشور، در حالی که روسها او را از منطقه شمال کشور تبعید کرده بودند، به تشکیل حزب جنگل مبادرت کرد و روزنامه‌ای به همین نام انتشار می‌داد.

قوای روس و انگلیس قبل از انقلاب روسیه و هم بعد از آن با جنگلیها به مذاکره پرداختند.

در اولین برخورد جنگلیها با قوای دولت، دکتر حشمت با دویست و هفتاد نفر تسلیم و اعدام گردید و پس از آن میرزا کوچک خان به اعماق جنگل رفت و در تیرماه ۱۲۹۸ از جانب فرماندار رشت در تمام مناطق اطراف فعالیت جنگلیها، حکومت نظامی اعلام شد. از طرف دیگر دولت مشیرالدوله برای مذاکره با سران نهضت، دو هیأت نمایندگی به جنگل فرستاده شد؛ اما نتیجه‌ای حاصل نشد.

در این هنگام ارتش سرخ به شمال ایران آمد و شهر رشت سقوط کرد و گروهی از جنگلیها با این متجاوزین همگام شدند و اعلام جمهوری کردند. میرزا کوچک خان مسلمان نمی‌توانست با چنین جمهوری موافق و هم‌آهنگ باشد. لذا در تیرماه ۱۲۹۹ از رشت خارج شد و نهضت جنگل دچار انشعاب گردید. در مرداد ۱۲۹۹ قزاقها بعنوان مامور دولت مرکزی، رشت را بتصرف خود در آوردند ولی پس از مدتی دوباره شهر به تصرف انقلابیون در آمد.

با کودتای ۱۲۹۹، سید ضیاء یک مهلت شش ماهه از میرزا کوچک خان خواست تا او بتواند خواسته جنگلیها را اجرا نماید اما دولت سید ضیاء ادامه نیافت.

بعد از تصاحب وزارت جنگ توسط سردار سپه و تسلیم خالوقربان، قزاقها حمله جدی را به شمال شروع کردند. قوای متفرق جنگل یا تسلیم می‌شدند و یا به قتل می‌رسیدند. میرزا کوچک خان در آخرین روزهای مبارزه که برای جمع‌آوری نیرو بسوی خلخال می‌رفت، دچار برف و بوران شد و از پای درآمد و به این ترتیب نهضت جنگل پایان گرفت.

#### -قیام محمد تقی خان پسیان

محمد تقی خان پسیان در زمان جنگ جهانی اول در عملیات نظامی علیه انگلیسیها و

روسهای تزاری در قزوین، همدان و کرمانشاه شرکت کرده بود و در سال ۱۲۹۴ به آلمان رفت و شش سال بعد که مراجعت کرد به فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب شد. وی بعلت افکار آزادیخواهی در بین مردم نفوذ و اعتباری یافت. پس از کودتای ۱۲۹۹، استاندار خراسان قوام‌السلطنه را که به درخواست سید ضیاء دستگیر و به تهران فرستاد، اداره استان خراسان به خودش واگذار شد. اما با سقوط حکومت سید ضیاء و نخست وزیری قوام، کلnel محمد تقی خان از فرمان حکومت مرکزی سر باز زد و در مشهد کمیته ملی تشکیل داد و از تصمیمات رضاخان هم عدول کرد. خواسته محمد تقی خان این بود که از زیر فشار انگلیس‌ها خارج گردد و یک سلسله اصلاحات انجام گیرد. وی با جاسوسان انگلیسی در خراسان در افتاد و جمعی از آنها را دستگیر کرد.

در پاییز ۱۳۰۰ قوای دولتی به دستور قوام به خراسان اعزام شد و خوانین خراسان با دستجات مسلح خود، به قوای دولتی پیوستند. کلnel محمد تقی خان در نبردی که با گروههای مسلح قوچان داشت کشته شد. خبر قتل او در مشهد با هیجان مردم و عزای عمومی توأم شد.

#### -قیام خیابانی در آذربایجان

شیخ محمد خیابانی در سال ۱۲۹۸، نهضت خود را در تبریز آغاز کرد. اکثریت مردم شهر از او حمایت کردند. وی با کمک همدستان خود، شش ماه اداره شهر تبریز را در اختیار گرفت. خیابانی باز رگان زاده‌ای بود که تحصیلات دینی را آغاز کرد و در سلک روحانیون در آمد. در سالهای مبارزه علیه استبداد صغیر شرکت داشت و به نمایندگی مردم تبریز، روانه مجلس دوم شد. در سالهای جنگ جهانی اول علیه سیاست انگلیس، روس، آلمان و ترکهای عثمانی مبارزه می‌کرد. خیابانی علیه قرارداد ۱۹۱۹ فعالانه مبارزه کرد. استعمار انگلیس که از گسترش قیام مسلحانه مردم تبریز وحشت داشت، دولت را مجبور به اعزام نیرو برای سرکوبی نهضت خیابانی کرد. مخبرالسلطنه که به عنوان

حکمران تبریز انتخاب شده بود، در رأس قشون زیادی تبریز را تصرف کرد و به سرکوبی مردم پرداخت و خیابانی نیز به شهادت رسید.

#### -نهضت دشتستانیها و تنگستانیها-

عمده مبارزات دلیران جنوب ایران به ویژه منطقه تنگستان و دشتستان، در طی سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ ق. است. با آغاز جنگ جهانی اول، دولت انگلیس، بوشهر را پایگاه مهم دریایی خود قرار داد و حتی اداره امور شهر را انگلیسیها در اختیار گرفتند و پرچم انگلیس را بر فراز ساختمانهای اداری برافراشتند و عده‌ای از اهالی را دستگیر و به هندوستان تبعید کردند.

انگلیسیها در اقدامهای بعدی خود، اهالی دلوار را زیر آتش قرار دادند. مردم به دستور رئیس علی دلواری به نخلستانهای اطراف رفته و به مقابله با دشمن پرداختند. سرانجام، فرمانده نیروهای انگلیسی کشته شد و با بر جای گذاشتن تعدادی کشته و مجروح و اسیر عقب‌نشینی کردند. همچنین جنگ مهمی در دوازده کیلومتری بوشهر بین نیروهای بومی و انگلیسیها در گرفت، که با کشته شدن دویست دشتستانی و ۱۹۰۰ انگلیسی با پیروزی دشمن خاتمه یافت. در این جنگ شیخ عبدالحسین خان چاه کوتاهی، فرزند شیخ حسین خان به شهادت رسید و «مستوفی‌الممالک» تلگراف تسلیتی به خانواده‌اش فرستاد. یک هفته بعد دوباره جنگ آغاز شد و نیروهای بیشتری از جمله رئیس علی دلواری، پس از اطلاع یافتن از نظرات علمای نجف و ایران و کسب تکلیف از شیخ محمدحسین برازجانی، به جمع مجاهدین پیوستند.

رئیس علی پس از مجاهدتهای کم‌نظیر در مبارزه علیه انگلیسیها، سرانجام با توطئه آنان، عنصری پست و خودفروخته از اهالی بوشهر، در حین جنگ از پشت سر، او را هدف قرار داد و وی را به شهادت رساند.

شجاعان دشتستان و تنگستان نه تنها از طرف حکومت مرکزی سرکوب می‌شدند،

بلکه والی فارس، مصدق السلطنه، نیز به درخواست کنسول انگلیس اقداماتی علیه آنان صورت می‌داد.

#### -مبارزات شهید مدرس

یکی از چهره‌های درخشان و فراموش نشدنی تاریخ مبارزات اسلامی صد سال اخیر کشورمان، مرد میدان دیانت و سیاست، آیة‌الله سید حسن مدرس است. مدرس یکه و تنها مبارزه با دیکتاتوری رضاخانی را آغاز و سرانجام جان خود را در راه اهداف اسلامی خود نثار کرد. وی قهرمان پیروز مبارزه با التیماتوم روسیه، قرارداد ۱۹۱۹، کودتای ۱۲۹۹ و جمهوری رضاخانی است که هر کدام فراز مهمی از تاریخ اخیر ماست.

سیاست عدمی، از ابتکارات شهید مدرس بود که در مقابل سیاست وجودی حاکم، در مجلس پنجم طرح شد. سیاست عدمی، همان سیاست موازنۀ منفی است و سیاست وجودی همان سیاست موازنۀ مثبت است.

در دوران حکومت قاجار، روس و انگلیس (دو قدرت برتر جهان آنروز)، از ایران امتیاز می‌خواستند. در قبال این امتیاز طلبی قدرتها، سه نظریه وجود داشت. عده‌ای قائل بودند که چون انگلیس دارای قدرت زیادتری است، لذا به او امتیاز بدھیم و برخی می‌گفتند که به هر دو قدرت برتر، امتیاز بدھیم. ایندو نظر به سیاست موازنۀ مثبت معروف است. در مقابل، شهید مدرس و دیگران قائل بودند که نه به روس امتیاز بدھیم و نه به انگلیس. این همان سیاست موازنۀ منفی است که از ابتکارات مرحوم مدرس بود. شاید این سیاست مدرس برگرفته از فرهنگ و روحیه اسلامی باشد. چون اسلام از تسلط کفار بر مسلمانان نهی کرده است. (آیه نفی سبیل). «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبیلاً» («خداؤند راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است»).

#### -آیة‌الله کاشانی و نهضت ملی شدن صنعت نفت

نهضت ملی کردن نفت، نهضتی بود که بر اساس اسلام استوار بود. اسلامی که خار

چشم دشمنان و نفی کننده همه گونه وابستگی، استبداد و استعمار می‌باشد. در این جنبش همانند سایر جنبشهای اسلامی و ضداستعماری دوران معاصر، روحانیت نقش راستین و بسزایی ایفا کرد. عامل اصلی تحرک مردم در این نهضت، آیة‌الله کاشانی بود. درست به همین دلیل بود تا زمانی که این جنبش از تأیید و حمایت وی برخوردار بود، پویا، زنده و موفق به پیش می‌رفت و از زمانی که دست رد بر سینه کاشانی زده شد، حمایت مردمی از دولت سلب شد و دولت با یک کودتای کم خرج آمریکایی از پای در آمد.

سابقه مبارزاتی آیة‌الله کاشانی علیه استعمار انگلیس، از انقلاب اسلامی ۱۹۷۰ عراق آغاز می‌گردد. وی سپس وارد صحنه سیاسی ایران شد.

در جریان نهضت مشروطیت، روشنفکران غیر مذهبی حاکمیت یافتند. با شهادت سید حسن مدرس، اندیشه جدایی دین از سیاست قوت‌گرفت و روحانیت به انزواکشیده شد. اهمیت مبارزات کاشانی این بود که با این تفکر غلط مبارزه کرد و در نتیجه روح مقاومت اسلامی را در برابر استعمار خارجی، که در آن روز تحت سلطه استعمار انگلیس متجلی بود، در میان مردم مسلمان ایران احیا نمود و یکبار دیگر کاشانی را در برابر سلطه انگلیس قرار داد. وی با انتشار اعلامیه‌ای نسبت به اینکه انگلیسیها خود را مالک ارقباب ایران بدانند اعتراض کرده و اعلام کرد که ایران متعلق به ایرانی است و ذخایر آن، بخصوص نفت، از آن ایرانیان است.

#### -شهید نواب صفوی

نواب صفوی در زمرة مجاهدینی بود که سری پرشور از عشق به اسلام داشت. او می‌دانست دشمنان اسلام در گذشته نه چندان دور، به منظور حاکمیت بخشیدن تفکر غربی، قربانیانی از اسلام گرفتند و از حال شیخ فضل‌الله‌ها و مدرس‌ها خبر داشت و روزگار مرحوم کاشانی را هم از نزدیک شاهد بود.

شهید نواب از بازیهای سیاسی خسته شده بود. چون همه‌اش به ضرر ملت تمام شده

بود. بنابراین تصمیم گرفت شوک‌های لازم را به دشمن وارد کند و در چند مقطع دشمن را آشکارا و ادار به عقب‌نشینی کرد.

### ۴- نهضت امام خمینی(ره)

#### - قیام پانزده خرداد

در سال ۱۳۴۰ آیة‌الله بروجردی مرجع جهان تشیع و آیة‌الله کاشانی درگذشتند و در شرایطی که توده مردم برای یک پیشوای روحانی و عالم اسلامی دخالت در سیاست را جایز نمی‌دانستند، امام خمینی در چنین حالتی می‌باشد از موضع مرجعیت حرکت نماید و اولین شعار نهضت را در قالبهای مذهبی بریزد تا از آن ریشه عمیق فکری مذهبی، توده‌ها بهره‌مند گرددند.

از طرف دیگر دولت وقت، لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی جدیدی تصویب کرد که در متن مصوب، قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف و بجای سوگند به قرآن به کتاب آسمانی قید شده بود و به زنان حق رأی داده بودند. در این مصوبه با برداشتن شرط اسلام و سوگند به قرآن، به گروههای صاحب نفوذ غیرمعتقد به قرآن و اسلام که عملای سیاست کشور را در اختیار داشتند، فرصت داد تا موجودیت خود را اعلام کنند.

در چنین شرایطی، امام خمینی در مقام مرجعیت با همکاری دیگر مراجع تقليد و علمای شهرستانهای مختلف به مخالفت با مصوبه دولت پرداخت و طبقات مختلف مردم هم پشتیبانی خود را از خواسته علمای قم و اعتراض به تصویب‌نامه اعلام داشتند.

سرانجام دولت مجبور به لغو تصویب‌نامه شد. امام پس از موضع‌گیری در برابر انقلاب سفید شاه و اعلام عزای عمومی فروردین ۴۲ و تهاجم عمال شاه به مدرسه فیضیه قم و فرار سیدن ماہ محرم و سخنرانی امام خمینی در عصر روز عاشورا و تظاهرات وسیع

ده و یازده محرم تهران، مجموعه این حوادث باعث شد تا در نیمه شب دوازده محرم (۱۵ خرداد ۴۲) امام خمینی را دستگیر نمایند. دستگیری امام خمینی در پانزده خرداد زمینه‌ساز تغییر و تحولاتی شد که سرانجام ثمرات آن در ۲۲ بهمن ۵۷ تجلی یافت.

### - کاپیتولاسیون و تبعید امام به ترکیه و نجف

در سال ۱۳۴۳ ه.ش. دولت وابسته ایران بدون اینکه در برابر ملت احساس مسؤولیت کند، بار دیگر در احیای کاپیتولاسیون قدم برداشت و قانونی جدید از تصویب مجلس گذراند تا مستشاران نظامی آمریکا و تکنیسین‌های وابسته و اعضای خانواده و خدمه آنها، اعم از نظامی و سیاسی از شمول قوانین قضایی ایران معاف شوند.

آمریکا بیش از چهل هزار مستشار داشت و می‌بایست از هر جهت در رفاه باشند. حتی قوانین کشور، محل اقامت آنها را محدود ننماید و از هر گونه احتمال مجازات مصون بمانند و با نقض قوانین جزایی وارتكاب جرم به طور علنی هم، امکان تعقیب آنها وجود نداشته باشد. محل اقامت آنان می‌بایست مثل سفارت، مورد حمایت باشد.

دولت می‌خواست این موضوع در ابهام باقی بماند و انتشار نیابد و مردم اطلاعی حاصل نکنند. اما امام خمینی، اعتراض کرد. امام در سخنانش شاه، اسرائیل و آمریکا را به شدت مورد تهاجم قرار داد و افشاگری کرد و با بیان مفهوم کاپیتولاسیون مردم را به قیام و انقلاب دعوت نمود.

امام فرمود:

«اگر یک خادم آمریکایی یا یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاههای ایران حق محاکمه ندارند! باید پرونده به آمریکا برود و در آنجا اربابها تکلیف را معین کنند!... ما با این مصیبت چه

کنیم؟... ما این قانون را... قانون نمی‌دانیم... ما این دولت را دولت نمی‌دانیم، ایها خائن‌اند...».

حضور امام خمینی در کشور با ادامه حکومت شاه، امکان پذیر نبود. امام را نمی‌توانستند با هیچ شیوه‌ای ساکت و آرام نگهداشته باشند. با نفوذی که امام در بین مردم و علماء داشت، طرح مسأله اعدام او ممکن نبود و نتوانستند مردم را از اطراف امام پراکنده کنند. لذا رژیم تصمیم‌گرفت تا امام را به ترکیه تبعید کند. شب سیزده آبان ۱۳۴۳، خانه امام را در قم، محاصره کردند و از بام و دیوار وارد منزل شدند. امام را دستگیر و به ترکیه تبعید کردند.

مردم نسبت به این اهانت، شدیداً اعتراض کردند تا جائیکه رژیم مجبور شد، محل تبعید امام را تغییر دهد. دولت در صدد برآمد تا به نحوی به حالت تبعیدی امام پایان بخشد، بدون اینکه ایشان را به کشور بازگرداند. لذا تصمیم‌گرفت امام را به عراق منتقل کند. عراق شرط کرد که اقامت امام به صورت تبعیدی نباشد و مقامات ایران دخالتی در سرنوشت آزادی و مدت اقامت وی در عراق نداشته باشند. وقتی خبر ورود امام به حوزه نجف در ایران انتشار یافت، موجب مسربت و شادی مردم شد.

در حالیکه امام در تبعید بسر می‌برد از رهبری و هدایت مردم و انقلاب اسلامی که از پانزده خرداد چهل و دو شروع شده بود، غافل نماند و با هدایت انقلاب، سبب پیروزی آن در بیست و دوی بهمن پنجاه و هفت گردید.

## پرسش

- ۱- نهضت تباکو چه بود؟
- ۲- چرا مردم در برابر امتیاز تباکو مقاومت کردند؟
- ۳- هیزاژ شیرازی چه کسی بود و چه اقداماتی در لغو امتیاز رزی انجام داد؟
- ۴- سید جمال الدین اسد آبادی چه نقشی در قیام مردم و اعلام تحریم تباکو داشت؟
- ۵- نهضت مشروطه ایران به چه منظوری صورت گرفت و نتیجه آن چه شد؟
- ۶- چه عواملی سبب نهضت مشروطه در ایران شد؟
- ۷- نقش رهبران مذهبی را در هدایت و به ثمر رسیدن نهضت مشروطه، توضیح دهید.
- ۸- نهضتهای وجود آمده بعد از نهضت مشروطه را نام برده و بگویید که علت وقوع آنها چه بوده است؟
- ۹- چه کسی رهبری نهضت جنگل را بر عهده داشته و هنرزاژ نهضت را به اختصار توضیح دهید.
- ۱۰- شهید مدرس چه کسی بود؟
- ۱۱- سیاست عدمی که از انتکارات شهید مدرس است، یعنی چه؟ و چرا در آن زمان مطرح شد؟
- ۱۲- نهضت ملی شدن صنعت نفت و نقش آیة الله کاشانی را توضیح دهید.
- ۱۳- نواب صفوی چه کسی بود؟
- ۱۴- تصویب نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی را توضیح داده و علت مبارزه امام خمینی (ره) با آن را بیان کنید.
- ۱۵- کاپیتلولاسیون چیست و چرا امام خمینی با آن به مخالفت برخاست؟
- ۱۶- در چه تاریخی امام خمینی به ترکیه و سپس به نجف تبعید شد؟ چرا؟

## درس پنجم

# انقلاب اسلامی ایران

### هدف کلی

آشنایی فراغیران با شرایط سیاسی - اجتماعی ایران، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است.

### هدفهای رفتاری

از شما عزیزان انتظار می‌رود پس از خواندن این درس بتوانید:

۱- انقلاب را تعریف کنید.

۲- سه رکن اصلی و مهم انقلاب را توضیح دهید.

۳- چهار مرحله از دوران رهبری امام خمینی (ره) را بیان کنید.

۴- دو دوره از دوران تحولات تکاملی بعد از انقلاب را توضیح دهید.

۵- چهار تا از اصول عمل به تکلیف رانام ببرید.



# انقلاب اسلامی ایران

## ۱- مقدمه

در بهمن ماه ۱۳۵۷، تحولی عظیم و شگرف و به قول امام امت «معجزه‌ای الهی» در تاریخ ایران بلکه جهان اسلام و حتی جهان بشریت رخ داد.

عظمت این انقلاب نه به این لحاظ است که ملتی بدون سلاح به عمر طولانی شاهنشاهی خاتمه داد؛ و نه به لحاظ این است که این انقلاب دولت کارتر، رئیس جمهور آمریکا، را دچار تزلزل و تشکیل کرد و نهایتاً موجب شکست او در انتخابات ریاست جمهوری شد که در تاریخ آمریکا کم سابقه بوده است؛ و نه به این لحاظ که در این انقلاب بر خلاف معمول انقلابها، ملتی با ظاهرات غیر مسلحانه و روحیه‌ای ایثارگرانه و شهادت طلبانه به مقابله با طاغوت بپا خواستند؛ و نه به این لحاظ که عظیم‌ترین و مجهرزترین دستگاهها و سازمانهای اطلاعاتی - جاسوسی دنیا در آمریکا با همه امکانات خود نتوانستند، احتمال وقوع انقلاب را پیش‌بینی کنند؛ و نه به این لحاظ که در مصاف با دشمنان داخلی و خارجی خود و در قبال توطئه‌های گوناگون مداوم، همچون ترور سران انقلاب، کودتا، جو سازی، نفوذ در سیستم تا مقام ریاست جمهوری، تحریکات و زدوخورددهای داخلی، تحریم و محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی زیر چتر حمایت قدرتهای استکباری، چون کوهی استوار ایستادگی نموده و پیروز و سرفراز بیرون آمد؛ و

نه به این لحاظ که نظم موجود و پذیرفته شده در روابط بین‌الملل و بلوک‌بندیهای بعد از جنگ جهانی دوم را درهم ریخت؛ و نه به لحاظ این که جرقه‌های این انقلاب در لبنان آنچنان جهنمی سوزان برای اشغالگران فلسطین و حامیان آن خلق کرد؛ و نه به این لحاظ که افشاگر چهره انقلابی‌نمایها در داخل و خارج از کشور شد؛ بلکه آنچه را که بعنوان نمونه بر شمردیم همه معلوم پیروزی عظیم‌تری بود و آن پیروزی یک مکتب و فرهنگ، پیروزی اسلام در همه ابعاد ایدئولوژیکی، سیاسی و فرهنگی، پیروزی و غلبه یک تمدن بزرگ و در یک کلام به این جهت که انقلاب، انقلاب اسلامی بود.

اگر یاران انقلاب آن را زمینه‌ساز حکومت عدل جهانی به رهبری مهدی موعود(ع) می‌دانند و اگر دشمنان انقلاب آن را یک زلزله یا یک خطر می‌دانند، تنها باخاطر اسلامی بودن آن است.

تأثیر و بازتاب این انقلاب آنچنان زیاد است که امروزه اصطلاح جهان اسلام که در برگیرنده منطقه‌ای از موریتانی در غرب، تامالزی و اندونزی در شرق و از بوسنی در قلب اروپا و تا جنوب آفریقا، حول محور ایران اسلامی مورد استفاده و استعمال قرار می‌گیرد. در تاریخ اسلام نیز، انقلاب اسلامی ایران مهمترین و عمیق‌ترین حادثه است، زیرا قدرت سیاسی - نظامی اسلام از زمان سقوط اسپانیا در اوخر قرن پانزدهم بطور مداوم، سیر نزولی داشته است. با توجه به نفوذ استعمار غرب در جهان اسلام، تصور اینکه روزی امکان احیای مجدد این قدرت قدیمی پیدا شود به ذهن غریبیهای استعمارگر و بسیاری از مسلمانان هم خطور نمی‌کرد. بویژه که بعد از پایان دوره استعمار قدیم و حضور مستقیم استعمارگران غربی در جهان اسلام، دولتها بظاهر مستقل، از بطن استعمار اروپایی ظاهر شد که این نزول فرهنگی و سیاسی را تداوم می‌بخشید.

بنابراین و با توجه به مراتب فوق به جرأت می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در تاریخ بشریت می‌باشد.

## ۲- کلیات

### - تعریف انقلاب

شهید مطهری انقلاب را عبارت از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظام حاکم موجود، برای ایجاد نظمی مطلوب می‌داند. به عبارت دیگر، انقلاب یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزشها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، رووها و فعالیتهای حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی می‌باشد.

### - قدرت اجتماعی

کشوری که متشکل از مجموعه‌ای از مردم با زبان، لهجه، ریشه‌های نژادی و ملیتهاي مختلف از قبیل: فارس، کرد، ترک، عرب، ترکمن و بلوچ است، اگر آداب و رسوم و عقاید مذهبی را که وجه اشتراک اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه می‌باشد در نظر نگیریم، عامل مشترک مهم دیگری نمی‌تواند آنها را به هم نزدیک کند. به همین دلیل است که از اسلام نه تنها بعنوان یک امر ارتباطی ایرانیان با پروردگار می‌توان نام برد بلکه این عامل، فرهنگ، سنتها، زبان و روابط اجتماعی مشترک آنها را طوری تحت تأثیر قرار داده است که بدون شناخت مذهب و ویژگیهای آن نمی‌توان از فرهنگ و سنتهای مشترک ایرانیان صحبت کرد.

عوامل نارضایتی اجتماعی، که زمینه را برای انقلاب فراهم کرده بود، متعدد است. بی‌توجهی به ارزش‌های مسلط مذهبی، رواج فساد، بی‌بندوباری زیاده از حد، اشتغال بهائیان و صهیونیستها در پستهای کلیدی و حساس دولتی و کنترل اقتصاد جامعه توسط آنها، بازگشت به ارزشها و سنتهای قبل از اسلام و ترویج و تبلیغ آنها موجب جریحه‌دار ساختن احساسات مذهبی جامعه ایران شده بود.

### ۳- نگاهی به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

#### الف - ریشه‌ها و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی

زمانیکه جامعه‌ای به صورت دو قطبی در آید و امکان التیام و نزدیکی میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی از بین برود، ایجاد یک تحول و تغییر سیاسی - اجتماعی به صورت اجتناب‌ناپذیری ضروری است. برای درک علل پیروزی انقلاب اسلامی باید به چند مسأله اساسی توجه کرد:

#### - سابقه تاریخی مبارزات مردم ایران

مردم ایران در طول یک قرن اخیر، مبارزاتی علیه نظام سیاسی حاکم به شیوه‌ای اصلاح طلبانه و میانه‌روی، انجام داده بود. مانند نهضت تباکو، مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت. ولی در عمل با شکستهای تلغی مواجه شده بود. بنابراین، این بار حرکتی اساسی و بنیادین برای قطع ریشه‌های فساد سیستم سیاسی و برقراری نظامی نوین بر پایه ایده‌آلها و ارزش‌های قلبی مردم صورت گرفت.

#### - شرایط سیاسی - اجتماعی ایران قبل از انقلاب

سلطین در ایران همواره محور اصلی قدرت سیاسی را تشکیل می‌دادند و سلسله‌های پادشاهی که سابقه‌ای طولانی و قدیمی داشته، تنها در اثر جنگ و خونریزی با رقبای داخلی و یا خارجی و غلبه بر آنها بقدرت می‌رسیدند.

با وقوع انقلاب در روسیه، انگلیسیها که نگران گسترش انقلاب بلشویکی در سایر نقاط جهان، خصوصاً ایران بودند با استفاده از آشتفتگی در داخل روسیه و پراکندگی و تزلزل در میان افسران تزاری، موجبات برکناری افسران روسی را از نیروهای قزاق ایران فراهم آوردند و رضاخان به فرماندهی نیروهای قزاق گمارده شد و سپس بنام رضا پهلوی بر تخت سلطنت جلوس کرد. انتخاب نام «پهلوی» برای این سلسله هم، نکته قابل

توجهی بود. پهلوی نام زبان باستانی ایران است و رضاخان با انتخاب این نام نشان داد که سنن باستانی ایران را بروستهای اسلامی ترجیح می‌دهد.

انگلیسیها که خود موجبات روی کار آمدند رضاشاه را فراهم کرده بودند هچنین در جریان جنگ جهانی دوم، در تبعید وی از ایران نیز پافشاری کردند. در سال ۱۳۲۰ متفقین، محمدرضا شاه را به جانشینی پدرش قبول کردند.

دوران سلطنت محمدرضا را به چهار دوره مشخص می‌توان تقسیم کرد:<sup>۱</sup>

دوره اول از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ که ایران تحت اشغال نیروهای بیگانه بود.

دوره دوم از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ که به حکومت مصدق و فرار شاه از ایران انجامید.

دوره سوم از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴، یعنی از تاریخ بازگشت شاه به ایران تا برکناری سپهبد زاهدی از مقام نخست وزیری.

و بالاخره دوره چهارم از سال ۱۳۳۴ به بعد است که دوران اوچ قدرت و سقوط او را در سال ۱۳۵۷، در بر می‌گیرد.

-حضور همزمان و کامل سه رکن اصلی و مهم انقلاب (مردم، رهبری و ایدئولوژی) تبلور عینی وحدت و یکپارچگی مردم را می‌توان در تظاهرات روزهای عیدفطر، تاسوعاً و عاشوراً در تهران و دیگر نقاط کشور ملاحظه کرد. مردم تحت لوای مذهب و شعارهای آن از مسجد، تحت رهبری روحانیون قیام کردند.

### ب - دوران رهبری امام خمینی(ره)

این دوره را به چهار مرحله متفاوت می‌توان تقسیم کرد:<sup>۲</sup>

دوره اول: ظهور امام خمینی بعنوان رهبر سیاسی - مذهبی و مخالفت ایشان با

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب «تحلیلی بر انقلاب اسلامی» از دکتر منوچهر محمدی مراجعه کنید.

۲. مدرسان گرامی با تکیه بر منابع و اندوخته‌های خود، توضیحات بیشتری را برای فرا گیران عزیز از این دهند.

تصویب‌نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی است. در این دوره سخنرانی معروف ایشان در روز عاشورا، دستگیری امام و قیام پانزدهم خرداد را داریم. همچنین مخالفت شدید با کاپیتو لاسیون و در نتیجه تبعید امام به ترکیه از وقایع مهم دوره اول است.

**دوره دوم:** رهبری امام امت از زمان تبعید ایشان به ترکیه و نجف تا عزیمت ایشان از نجف، در طی پانزده سال.

**دوره سوم:** از زمانی آغاز شد که اولین جرقه‌های انقلاب در دی ماه ۱۳۵۶ در قم، موجب شعله‌ور شدن آتش زیرخاکستر گردید. عزیمت امام به فرانسه و امکان دسترسی بیشتر مشتاقان و عاشقان به ایشان - که انقلاب اسلامی از مرحله حرف به عمل در آمد - خروج شاه از ایران، بازگشت ظفر مندانه امام به آغوش مردم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در دوره سوم مورد بحث قرار می‌گیرد.

**دوره چهارم:** که حساس‌ترین و مشکل‌ترین دوره رهبری انقلاب بود، رهبر انقلاب می‌باشد با قدرت و توانائی فوق العاده، ضمن کنترل هیجان و احساسات عمومی توده‌های مردم و جلوگیری از هرج و مرج، همچون معماری قابل و توانا ساختمان جدید حکومت اسلامی را برویرانه‌های حکومت ساقط شده، بنا نماید.

او در طول یکسال پایه نظام اسلامی را با انجام انتخابات متعدد، از جمله رفراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، تدوین و به رفراندوم گذاردن قانون اساسی، تثبیت و تحکیم نمود. به این وسیله قابلیت و توان بی‌نظیر خود را، در سازندگی و اداره جامعه بعد از انقلاب، نشان داد.

#### ۴- دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

دوران تحولات تکاملی بعد از انقلاب را می‌توان به چهار دوره معین تقسیم کرد:

**دوره اول** که دوره حاکمیت رسمی لیبرالیسم می‌باشد با پیروزی انقلاب و تشکیل

دولت موقت آغاز و با اشغال سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) و استعفای دولت موقت خاتمه یافت.

اشغال سفارت آمریکا تو سلطدان شجاعیان پیرو خط امام و استقبال و حمایت مردم از این اقدام، انقلاب دوم و به قول رهبر فقید انقلاب، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول، نامیده شد. دوره دوم که می‌توان آن را دوره حاکمیت مشترک نامید، با مأموریت شورای انقلاب برای اداره کامل مملکت بعد از استعفای دولت موقت آغاز و با پایان کار شورای انقلاب و آغاز نخست وزیری شهید رجائی به اتمام رسید.

دوره سوم که با انتخاب شهید رجائی به نخست وزیری آغاز و تا عزل بنی صدر و ماجرای هفتم تیرماه ۱۳۵۰، ادامه داشت. می‌توان دوره سوم را دوره حاکمیت رسمی حزب الله و حضور لیبرالها در موضوع اقلیت نامید.

دوره چهارم که با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری و حذف کامل لیبرالیسم از مسؤولیتهای دولتی آغاز گردید. این دوره، دوره حاکمیت کامل حزب الله و حذف رسمی لیبرالیسم از نظام می‌باشد. عزل بنی صدر را انقلاب سوم نیز می‌گویند. پس از برکناری بنی صدر، در حالی که عراق شهرا را زیر آماج حملات هوایی قرار داده بود، منافقین با ایجاد آشوب، ترور مردم و شخصیت‌های درجه اول انقلاب، بیش از پیش باعث رسوایی خود شدند.

با برگزاری انتخابات، محمدعلی رجائی به ریاست جمهوری رسید. اما در حالیکه بیش از دو ماه از فاجعه خونین هفت تیر نمی‌گذشت، در هشتم شهریور با انفجار یک بمب دیگر، رجائی و باهنر به شهادت رسیدند و مردم بار دیگر به پای صندوقهای رأی رفتند و آیة الله سید علی خامنه‌ای را به ریاست جمهوری انتخاب کردند و در سال شصت و چهار نیز بار دیگر به عنوان رئیس جمهور انتخاب شدند. وقایع مهم این دوره عبارتند از: ورود مخفیانه مکفارلین مشاور رئیس جمهور آمریکا به ایران، فاجعه

در دنا ک مکه، تشکیل شورای مجمع تشخیص مصلحت، نامه امام خطاب به گورباقف، رئیس جمهور شوروی، پذیرش قطعنامه ۵۹۸، حکم امام خمینی به ارتاداد سلمان رشدی، بازنگری قانون اساسی، ارتحال امام خمینی، انتخاب حضرت آیة‌الله خامنه‌ای به مقام ولایت و رهبری کشور توسط مجلس خبرگان رهبری، انتخاب حجۃ‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی به مقام ریاست جمهوری کشور در دو دوره انتخابات، طرح و برنامه‌ریزی پروژه‌های عظیم و زیربنایی جهت نیل به خودکفایی و استقلال اقتصادی که امروزه شاهد به ثمر رسیدن تعدادی از آنها هستیم.

## ۵- آگاهی مسؤولیت آور است

آنچه را که یک فرد مسلمان آگاه ایرانی باید بداند این است که هم‌اکنون پرچم انقلاب اسلامی بر دوش او قرار دارد و او پیشاهنگ انقلاب اسلامی جهانی می‌باشد. این امر مسؤولیتی بس سنگین به بار می‌آورد. برای اینکه هر چه بهتر به تکلیف خود عمل نمائیم باید اصول زیر را مورد توجه قرار داده و بکار بندیم:

۱- هرگز در مقابل مشکلات، گرفتاریها، نابسامانیها و توطئه‌ها مأیوس و ناامید نگردیم.

۲- در تزکیه نفس کوشیده و جهاد اکبر را سر لوحه برنامه‌های خود قرار دهیم تا بتوانیم همچون سربازی توانا و لایق، در راه انقلاب اسلامی تلاش خالصانه بنمائیم.

۳- پرداختن به هر کار دیگری جز مجاهدت برای انقلاب سزاوار نیست. همه اوقات ما، افکار و برنامه‌های ما باید صرف مبارزه و تلاش برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی شود.

۴- در هیچ زمان و شرایطی، خستگی و یأس را به خود راه نداده و صحنه را خالی نکنیم که حضور دائم در صحنه مبارزه، تضمین‌کننده انقلاب است.

- ۵- در عین حال هدف اصلی از جهاد و مبارزه تأمین رضای پروردگار و ادای آنچه را که امام امت تکلیف شرعی نامیدند، باشد.
- ۶- با تطبیق زندگی خود با معیارهای اسلامی، خود را نمونه و الگویی از یک مسلمان مبارز و انقلابی ساخته و سعی کنیم کردار و گفتارمان با هم مطابقت داشته باشد.
- ۷- بکوشیم با ارتقای هر چه بیشتر مدارج علمی خود، بار بیشتری را از دوش جامعه انقلابی برداشته و در تحقق سریعتر اهداف انقلاب کمک بیشتری کرده باشیم.

## پرسش

۱- انقلاب را تعریف کنید.
۲- ویژگی منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران کدام است؟ چرا؟
۳- کدام کشور استعماری در روی کار آوردن رضاخان و پسرش نقش اساسی داشت؟
۴- سلطنت محمد رضا پهلوی به چند دوره تقسیم می شود؟ لطفاً آنها را بنویسید.
۵- قدرت اجتماعی و عوامل تشکیل دهنده آن کدام است؟
۶- عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران را نام ببرید.
۷- دوران رهبری امام خمینی (ره) به چند دوره تقسیم می شود؟ آنها را ذکر کنید.
۸- دوران بعد از پیروزی انقلاب را نام برد و توضیح دهید.
۹- چه اصولی را باید در حفاظت از دستاوردهای انقلاب مورد توجه قرار دهیم؟ چهار مورد را ذکر کنید.



## درس ششم

# استکبار جهانی و

# انقلاب اسلامی

### هدف کلی

آشنایی فراگیران با تفکر اسلامی و استکباری، بررسی موقعیت استراتژیکی ایران برای آمریکا و علل ورود و نفوذ آمریکا در ایران است.

### هدفهای رفتاری

از شما دانش پژوهان انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس بتوانید:

- ۱- چهار علت و هدف ورود آمریکا را به ایران نام ببرید.
- ۲- موقعیت استراتژیکی ایران را برای آمریکا توضیح دهید.
- ۳- تاریخچه ورود و نفوذ آمریکا را در ایران بیان کنید.
- ۴- برتری طلبی آمریکا را با استناد به گفته دو تن از رهبران آن توضیح دهید.



## استکبار جهانی و انقلاب اسلامی

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستعطف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی نماید. امروز زمانی است که ملتها چراغ راه روشنفکران شان شوند و آنان را از خود باختگی و زیونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند.

امام خمینی(ره)

### ۱- مقدمه

هدف ما آشنایی با موقعیت ژئوپلیتیکی (جغرافیای سیاسی) ایران از دید آمریکا و همچنین تفکرات حاکمان آمریکا است که بیشتر به جنبه تئوری و فکری آن پرداخته می شود که با داشتن این مواد و معیار براحتی می توان مصاديق عملکرد استکبار جهانی، آمریکا، را در قبال کشورها و ملت‌های مظلوم، در زمانهای مختلف بدست آورد.

برای تحلیل این مطلب که استکبار جهانی یعنی آمریکا، در قبال انقلاب اسلامی ایران چه مواضعی را اتخاذ کرده و چه واکنشی را در برابر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷

انجام داده ضروری است که ابتدا مقدمه‌ای از تاریخچه ورود و نفوذ آمریکا در ایران بیان شود.

## ۲- ورود آمریکا به ایران

### -تاریخچه ورود و نفوذ آمریکا در ایران

در این بخش ما فقط بطور اجمال و فهرستوار، به تاریخچه ورود آمریکا در ایران می‌پردازیم. اولین بار در سال ۱۸۵۰ میلادی، امیرکبیر به حاج میرزا احمدخان، نماینده ایران در استانبول، دستور داد با جرج مارش وزیر مختار آمریکا در عثمانی درباره انعقاد قرارداد بین دو دولت وارد مذاکره شود؛ لذا آمریکا از این طرح استقبال کرد و تیلور رئیس جمهور وقت آمریکا در این زمینه دستورات مساعدی به مارش صادر کرد. در نتیجه مذاکرات نمایندگان دو دولت در ۱۸۵۱م. منجر به امضای عهدنامه موقع کشیترانی گردید؛ ولی با عزل امیرکبیر از صدارت، موضوع قرارداد منتفی شد. در سال ۱۸۸۲م. کنگره آمریکا، قانون تأسیس سفارت آمریکا در ایران را تصویب کرد و در سال ۱۸۸۳م. دولت آمریکا اقدام به تأسیس سفارت در تهران کرد و وزیر مختاری بنام ساموئل گرین بنجامین به تهران فرستاده شد و در این راستا، ایران هم در سال ۱۸۸۸م. سفارتی در واشنگتن تأسیس می‌کند و در اوائل قرن نوزدهم میلادی یکی از روحانیون مسیحی بنام مریک، مأموریت یافت بعنوان اولین سفیر مذهبی کلیساهای آمریکا، برای بررسی و تحقیق پیرامون امکان تبلیغ دین مسیح و ایجاد روابط مذهبی به تهران مسافرت نماید. او به همراه دو کشیش آلمانی به تهران رسید؛ اما بعد از مدتی ناامید شدند. به هر طریق، این هیأت به آذربایجان رفت و اولین مرکز خود را در شهر ارومیه تأسیس نمودند و مدرسه‌ای افتتاح کردند که تا شش سال تنها چهار شاگرد داشت و هیأت پزشکان هم بیمارستانی تأسیس نمودند تا اینکه چهل سال پس از آن یعنی در سال ۱۸۴۰ میلادی جمیز باست

آمریکایی، اولین مرکز میسیونر مذهبی آمریکا را در پایتخت (تهران) تأسیس کردند. جمیز باست آمریکایی از ناصرالدین شاه اجازه گرفت تا به ارشاد ارمنی‌ها و مسیحیان تهران پردازد. این خدمات بظاهر، برای تبلیغ دین و مذهب خاص یا خدمات بهداشتی و انسانی بود.

تا پیش از جنگ جهانی دوم درگیری و دخالت آمریکا در ایران، جزئی بود. اما منافع آمریکا در ایران از سال ۱۹۴۶م. که آمریکا نقش تازه‌ای پذیرفته بود، آغاز شد و ایران در هنگام جنگ سرد یکی از میدانهای نبرد جنگ سرد برای آمریکا محسوب می‌شد.

#### - موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی ایران برای آمریکا

بهتر است که اهمیت استراتژیکی ایران از زبان مسؤولین آمریکا، بیان شود:

ریچارد هلمز رئیس اسبق سازمان سیا و سفير آمریکا در ایران می‌گوید:

«ایران از نظر سیاسی مرکز واقعی جهان است. تعهد آمریکا نسبت به دفاع از منابع نفتی خلیج و ثبات سیاسی منطقه، بایستی یکی از حیاتی ترین و پردوام ترین منافع ایالات متحده به شمار آید. این منافع در ایران حداقل به اندازه منافع موجود در اروپای غربی برای آمریکا، جنبه اساسی دارد.»<sup>۱</sup>

همچنین اسنادی موجود است که از زبان آمریکائیان، اهمیت ایران بیان می‌شود. از جمله اسناد زیر:

«ما محل مناسب دیگری نداریم که بتوانیم از خاک آن این استفاده‌ها را که در خاک ایران می‌بریم، داشته باشیم. ایران برای ما یک منبع نفتی مستقل بوده است. مکان استراتژیکی ایران، قدرت نسبی آن میان کشورهای خلیج فارس، منابع داخلی و بازار داخلی بورژوازی آن، این کشور را یک منطقه

۱- پیروز الف، سیاست خارجی آمریکا در دهه ۱۹۸۰، انتشارات نکاپ، تهران، ۱۳۶۰، ص. ۳۵.

بسیار با اهمیت برای ایالات متحده، در حال حاضر و برای آینده قابل پیش‌بینی، نموده است. مانیاز به یک ایران دوست، مستقل و با ثبات داریم که هم بخواهد نقش مسؤولانه و سازنده در منطقه، بروزه در خلیج فارس بازی کند... و هم به ما امکان دسترسی مستمر به بازار، منابع معادنی و نفتی اش را بدهد.»<sup>۱۶</sup>

در سندي دیگر اينچنین آمده است:

«این کشور (ایران) واجد یک وضعیت استثنایی از نظر اهمیت استراتژیکی، بواسطه موقعیت مکانی و منابع نفتی و نفوذ سیاسی خود می‌باشد. ایالات متحده در تعقیب یک خط مشی در باره ایران، در صدد این هدف بوده است که یک کشور دوست و متعهد و با ثبات داشته باشد.»<sup>۱۷</sup>

همچنین در سندي دیگری آمده است که:

«ایران کشور عمده منطقه، سپر میان اتحاد شوروی و شبه جزیره سرشار از نفت عربستان، می‌باشد. تا زمانی که نفت خاورمیانه برای غرب اهمیت حیاتی دارد، دوستی ایران واجد اهمیت شدید برای ایالات متحده است.

آمریکا منافع بسیار مهم دیگری نیز در ایران دارد.»<sup>۱۸</sup>

### علل ورود و نفوذ آمریکا در ایران

ایالات متحده آمریکا و قتی از سیاست انزوا برون آمد و بقدرتی رسید، برای سلطه بر کشورها و غارت منابع آنها دست به هر کاری زد و در دوران نتگین پهلوی، نفوذ زیادی در ایران پیدا کرد. از جمله در سندي آمده است:

«شاه قویترین هم پیمان آمریکا در خاورمیانه، یکی از مصرف کنندگان اصلی وسایل نظامی آمریکا، یکی از دشمنان سرسخت کمونیسم، یکی از

۱-علی باقری، خاورمیانه و سیاست بین‌المللی، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع)، صص ۴۲ و ۴۳.

۲-اسناد لانه جاسوسی، شماره ۴، ص ۲۷. ۳-منبع پیشین.

میانه روهای اوپک و تنها منبع قابل اطمینان نفت برای اسرائیل بود. وی به علاوه اجازه فراردادن وسایل پیشرفته خبرگیری از روسیه، در طول مرز دو کشور را به سیا داده بود. به طور خلاصه شاه بهترین دوستی بود که آمریکا در خاورمیانه داشت. ارزش حیاتی ایران برای آمریکا خیلی بیش از هر ارزشی بود که ویتنام یا گره برایش داشته باشد.<sup>۱</sup>

در این گفتار به راحتی می‌توان اهداف ورود و نفوذ آمریکا را فهرست کرد که عبارتند از:

- ۱- دستیابی به بازار مصرف کالاهای آمریکایی در خاورمیانه و بازار خوبی برای فروش تسليحات نظامی آمریکا.
- ۲- تهدیدی علیه شوروی بنفع آمریکا.
- ۳- دستیابی و قدرت یافتن برکنترل انرژی و غارت منابع در خاورمیانه.
- ۴- تثبیت موقعیت اسرائیل در خاورمیانه.
- ۵- دستیابی به مواد خام و استراتژیک در خاورمیانه و... چرا که آنچه برای آمریکا در سطح جهان مطرح است، گسترش نفوذ و پایگاههایی برای دستیابی هرچه بیشتر به منابع و حفظ منافعش است. این اصل کلی برای آمریکا ایجاب می‌کند تا در جهت کسب این منافع، زمینه‌سازیهایی بنماید. خصلت جهانخوارگی و ماهیت امپریالیستی ابرقدرتها، زمینه رقابتی را بین آنها بوجود آورده تا بر سر به غارت بردن منابع جهان به تلاش و مبارزه برخیزند و ایران هم یک مکان و میدان خوبی برای این بازی بود و این سناریو ادامه داشت تا زمانی که انقلاب اسلامی ایران به رهبری مردمی خدایی و الهی بوقوع پیوست و قدرت پوشالی آمریکا را به جهانیان نمایاند و ایران را از دست این غارتگر جهانی نجات داد.

۱- احمد تابنده، روند سلطه گری، چاپ آشنا، ۱۳۶۳، ص ۲۵۳.

### ۳- استکبار جهانی و رویارویی انقلاب اسلامی ایران

قبل از پرداختن به رویارویی انقلاب اسلامی با استکبار جهانی (آمریکا)، بهتر است که ابتدا تفکر اسلامی و استکباری را مورد ارزیابی قرار دهیم. مکتب اسلام به ما آموخته است که «الاسلام يعلوا ولا يُعلَى عليه» و یا «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» بر اساس این تفکر هیچ وقت ملتها و دولتهای اسلامی نباید زیر سلطه کافرین و مستکبرین بوده باشند. با این استدلال پس بنناچار ما باید یک رویارویی با نظام سلطه داشته باشیم. آیه‌ای که ذکر شد بیان داشت که کافرین نباید بر ما سلطه داشته باشند و دیگر اثبات نکرد که ما سلطه بر آنها داشته باشیم بلکه ما در نظام بین الملل، انسانها را برادر همدیگر می‌دانیم

-«الإنسان أخ الإنسان الا ما خرّج بالدليل» «انسان برادر انسان است مگر اینکه بواسطه دلیلی از این قاعده کلی خارج شود». -تا موقعی که ضرری به برادر دیگر، وارد نکرده باشد. اما تفکر غربیهابویژه یهودیها و آمریکاییها این نبوده و نیست. بلکه اروپاییان و یا آمریکاییان خود را بطور کلی از غیراروپایی و آمریکایی برتر می‌شمارند. این طرز تفکر هسته اصلی روحیه استعماری را تشکیل می‌دهد و اگر این چنین روحیه‌ای نبود شاید استعمار هرگز بوجود نمی‌آمد. زیرا اگر کسی به افراد انسانی بدیده تساوی بنگرد هرگز حاضر نخواهد شد عده‌ای از آنانرا پیوسته تحت تعییت و بهره‌برداری خود قرار دهد. تفکر یهودیان و آمریکاییها این است که «لن يجعل علينا في الاميين سبيل» یعنی همه کشورها و ملتها اُمی و بی فرهنگ هستند و فقط ما صاحب فرهنگ، دمکراسی، آزادی و... هستیم. لذا همیشه در حال تهاجم به فرهنگ، منابع و سرزمین ملت‌های دیگر هستند. غرب چه از ناحیه تاریخی، چه از ناحیه ارزشی و چه از ناحیه منافع، همیشه با اسلام درستیز بوده و در حالت تهاجم قرار داشته است. زیرا نه فکر غربی از نژادپرستی و تعقیب خود دست بر می‌دارد و نه وجودان اروپایی از جنگهای صلیبی شفا یافته و نه

ارزش‌های غربی بشارت نیکی می‌دهد و نه زنجیره منافع اجازه کار می‌دهد. لذا غرب تفکر و فرهنگ را فرهنگ و تفکر مسلط بر جهان می‌داند و در جهت سلطه آن می‌کوشد. آمریکاییها از هنگامی که بعنوان یک ملت به قدرت رسیدند، همواره خود را پلیس جهانی پنداشته، به دخالت در امور دیگر کشورها و کودتا پرداخته‌اند. از روش‌های شرورانه و زهرآگین استفاده کرده و به یاری دلار که همیشه یک ابزار مهم به شمار می‌رفت هدفهای خود را خریده‌اند. تفکر آمریکایی این است که ما قوم برگزیده هستیم و این مطلب را می‌توان در تمام حاکمان آمریکا یافت. از جرج واشنگتن گرفته تا آخرین رئیس جمهور (کلینتون) همه در یک نکته با همدیگر مشترک هستند. در این یقین دارند که ایالات متحده آمریکا کشوری هم‌دیف با دیگر کشورها نیست. بلکه سرزمینی کاملاً خاص شمرده می‌شود. آنان آمریکا را «کشور خدایی ما» «امید بشریت» و «بیت المقدس جدید» می‌نامیدند و بر آن بودند تا رسالتی جهانی بر عهده گیرند. برای نمونه گفته‌های چند نفر از مورخان و حاکمان آمریکایی را که دارای چنین تفکری هستند ارائه می‌کنیم.

«هنری استیل کومیجر» که استاد دانشگاه کلمبیا در نیویورک و ارشد مورخان آمریکایی است، طرز تفکر نخستین نسل‌های آمریکائی را چنین توصیف می‌کند:

«جماعتشان بیت المقدس جدید بود، صهیون بود، و انسان‌هایی که در

آن مسکن داشتند، قوم برگزیده خدا بودند.»<sup>۱</sup>

رونالد ریگان در آغاز به دست گرفتن زمام امور کشور از سرزمینش به عنوان «شهر تابنا کی بر تپه بلند» نام برد و پیشتر هم بر این نظر بود:

«خداآوند گه باران رحمتش را بی دریغ نثار این کشور می‌کند، همواره

نگران ما بود و ما را همچون کشوری گه سرزمین موعود است رهبری

۱- بولتن خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۵/۶.

می‌کرد. به عبارت دقیق‌تر، کشور نظر کرده‌ای که واپسین امید بزرگ انسانهای کره زمین است و همچنین کشوری که هرگز مشیت خداوندی بر این قرار نگرفته بود تا دو میهن کشور برتر جهان باشد.»

«پل دی. اریکسون» تاریخ‌نگار دانشگاه هاروارد می‌گوید: «ما قومی برگزیده‌ایم، برخوردار از رحمت و آمرزش خداوندی و اینکه به عنوان مجری مشیت خدا بر روی کره خاک عمل می‌کنیم.» روزولت می‌گوید:

«آدم متمدن در نهایت تنها وقتی روی صلح را خواهد دید که همسایگان وحشیش را سرکوب کند.»

رهبران آمریکایی، کشورهای دیگر را هرگز همسنگ و هم‌شأن با خود نمی‌یافتنند. آنان خود را از دیگر ملت‌ها و رهبران، به خدا نزدیکتر می‌دانستند و مانند رونالد ریگان بر این باور بودند که دلیل محکمی وجود دارد که ایالات متحده از جانب خدا به عنوان سرزمین موعود برگزیده شده است. چرا که آمریکاییها از مردم کلیه کشورهای دیگر بسیار مذهبی‌تر بودند. هرچه بیشتر به تفکرات آمریکاییها استناد شود بهتر به عمق خودخواهی و اینکه خود را قوم برگزیده خدا می‌دانند، می‌رسیم. یکی دیگر از رئیس جمهورهای آمریکا بنام ویلسون می‌گوید:

«چرا عیسی مسیح تاکنون نتوانسته است جهان را به متابعت از خویش بر انگیزد؟ زیرا او اگرچه آرمانی را پدید آورد، لیکن راهی عملی را که همگان از آن طریق به سویش بیایند نشان نداد. از این روی من طرحی مناسب را پیشنهاد می‌کنم که هدف او را دنبال می‌کند، می‌دانم که جهان در صورتی که آمریکا از هدایت آن خودداری ورزد، به وحشت خواهد افتاد... صحنه آماده است و هدف روشن، این را ما تعیین نکرده‌ایم که دست

خداآوند ما را رهنمون بوده است... آمریکا در حقیقت باید راه را نشان

دهد، آمریکا توفیق این را می‌باید که جهان را رهبری کند.»

آلبرت بورایچ سناטור ایالت امیدیانا می‌گوید: خداوند ما را توانائی فرمانروائی بخشدید تا بتوانیم اقوام وحشی و سالخورده را رهبری کنیم. بدون چنین نیروئی، این جهان به کام بربریت و قدرت گذشته می‌افتد. خدا آمریکاییها را از میان همه نژادها، قوم خاصه خود کرد، تا جهان را از نو آباد کنند.

نیکسون رئیس جمهور آمریکا می‌گوید:

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم وظیفه رهبری جهان به ما واگذار شده است و یا هرمان ملویل ادیب آمریکا این چنین می‌سروده: و آمریکاییها بی که ما باشیم قوم بی همتای را تشکیل می‌دهیم، قوم اسرائیل زمانمان، ما کشتی نوح، آزادیهای این جهان را هدایت می‌کنیم. باز هم تفکر سناטור بورایچ را داریم که بیان می‌کند: تجارت جهانی باید از آن ما باشد و چنین نیز خواهد بود و باکشتهای بازرگانی خود همه اقیانوسها را در می‌نوردیم و یک نیروی دریائی جنگی که برازنده عظمت ما است ایجاد می‌کنیم. قانون آمریکائی، آئین آمریکائی، تمدن آمریکائی در آن سواحلی که تاکنون آلوده به خون بودند و در ظلمت نادانی می‌زیستند، ریشه خواهد دوانید و آن وقت است که آنان در پناه این نیروهایی که از خداوند سرچشم می‌گیرد رستگار و شادکام خواهند شد. با ذکر این شواهد درباره نحوه تفکر آمریکاییها به راحتی می‌توان تحلیلی درست از ماجراجوییها و جنگ افروزی‌های آمریکا ارائه داد.

کشوری که یک چنین عقیده‌ای در باره خود داشت، نه تنها به خود اجازه می‌داد که در امور دیگران دخالت کند، که آنرا وظیفه و تکلیف شرعی خود می‌شمرد. دخالتی که در طول تاریخ، آمریکا در دیگر کشورها داشته است کم نیست. از جمله دخالت در ایران و رویارو شدن با انقلاب اسلامی ایران. وقتی که خبرنگار خارجی از امام خمینی می‌پرسد

چرا شما از زمان برکناری مصدق تا کنون اعمال آمریکا را متهم می‌کنید آیا دلیلی هم دارید امام فرمودند:

«سالیان دراز است که آمریکا بر خلاف همه موازین بین‌المللی و انسانی، در امور داخلی کشور ایران دخالت مستقیم دارد؛ به طوری که امروز می‌بینیم وقتی شاه در پرتگاه سقوط قرار گرفته و ملت ایران برای بدست گرفتن سرنوشت خود بپا خاسته است، مستقیماً رئیس جمهور آمریکا و نیز بعضی از مقامات عالیرتبه آمریکائی رسمآ دخالت می‌کنند و علی‌رغم اراده قاطع ملت ایران اعلام می‌کنند که ما از شاه حمایت می‌کنیم و باید حمایت کنیم چون بهترین دوست و حافظ منافع ما در منطقه است. در سالیان دراز می‌بینیم که اکثر و بلکه تمامی سیاستهای شاه در زمینه‌های مختلف در جهت تأمین هرچه بیشتر منافع آمریکا و همدستان آمریکا بوده است.»<sup>۱</sup>

آمریکا در زیر ماسک دفع نفوذ شوروی در ایران اهداف عمدی‌اش به غارت بردن منافع و نابود کردن فرهنگ ملت ایران بود. ولی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نفوذ انقلاب اسلامی در جهان چهره آمریکا نمایانتر و مواضع استکباری او روشنتر شد. بقول فرد هالیدی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه لندن:

«از زمان وقوع انقلاب اسلامی، ایران مهمترین اسباب دردسر در جهان برای سیاستگذاران آمریکایی بوده است. او می‌گوید واشنگتن بخاطر ترس از افزایش نفوذ ایران در جمهوریهای آسیای مرکزی، آمریکا برای جلوگیری از این امر خواهان افزایش شرکت در این کشورهای مسلمان تازه استقلال یافته است...»

آری ایران اسلامی اسباب دردسر برای آمریکا است چراکه تفکر نفی سبیل (لن

۱- امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۴، ص ۲۴.

يجعل الله...) دارد و این به ضرر آمریکا محسوب می‌شود و خطری برای آمریکا است. همینطوری که کیسینجر می‌گوید: از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دیگر خطر اصلی در مورد منافع آمریکا در خاورمیانه، شوروی و اقمار آن نبود، بلکه بنیادگرایی اسلام است که می‌باید اندیشه سیاستمداران آمریکایی را بخود مشغول دارد.

آشنایی با این تفکرات آمریکایی است که ما می‌توانیم به عمق فرمایش امام خمینی(ره) برسیم و آن اینکه امام می‌فرمایند:

«ما با اینها هیچ راه مصالحه‌ای نداریم، برای اینکه مقصد ما یک مقصدی است و آن اسلام است. همه ملت ما اسلام را می‌خواهند و مقصد آنها یک مقصد ضداسلامی است. اسلام و ضداسلام نمی‌شود با هم تفاهم گنند. اگر ما با آمریکا و یا سایر ابرقدرتها کنار آمده بودیم، گرفتار این مصائب نبودیم. ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهنده و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می‌دهند.»<sup>۱</sup>

۱- اسناد لانه جاسوسی، ش ۳۴، ص ۲۱.

## پرسش

- ۱- تاریخچه ورود و نفوذ آمریکا در ایران را به اختصار بنویسید.
- ۲- اهمیت ایران را برای آمریکا از زبان آمریکاییها بیان کنید.
- ۳- اهداف ورود آمریکا به ایران را دلیل کنید.
- ۴- تفکر اسلامی و آمریکایی را به اختصار توضیح دهید.
- ۵- چرا آمریکا به خود اجازه می دهد تا در امور کشورهای دیگر دخالت کند؟
- ۶- چرا آمریکا، ایران را اسباب دردسر خود می داند؟
- ۷- وجه تمایز تفکر اسلامی و آمریکایی در چیست؟
- ۸- علت برتری جویی آمریکاییها در چیست؟

## درس هفتم

# نظم نوین جهانی

### هدف کلی

آشنایی فraigiran با نظام نوین جهانی و بازیگران اصلی آن است.

### هدفهای رفتاری

از شما فراکیرندگان عزیزاننتظار می‌رود پس از خواندن این درس بتوانید:

- ۱- دو اصطلاح نظام نوین جهانی و نظام سرمایه‌داری را تعریف کنید.
- ۲- بازیگران اصلی نظام نوین جهانی را نام ببرید.
- ۳- نقش آمریکا در نظام جدید بیان کنید.
- ۴- موقعیت اروپا و ژاپن را در نظام جدید توضیح دهید.
- ۵- نقش سازمان ملل متحد را در نظام جدید توضیح دهید.
- ۶- دیدگاه جمهوری اسلامی ایران را در مورد نظام نوین جهانی بیان کنید.



## نظم نوین جهانی

### ۱- مقدمه

سیاست خارجی و رفتار کشورها، تحت تأثیر عوامل و متغیرهای زیادی قرار دارد. بخشی از این عوامل ناشی از محیط خارج و نظام بین‌الملل است. نظام بین‌الملل دارای ساختاری است که بر اساس توزیع قدرت مشخص می‌گردد. هنگامی که قدرت، میان دو بازیگر عمدۀ توزیع شده باشد، نظام بین‌الملل دو قطبی خواهد بود و اگر قدرت، میان چند کشور عمدۀ توزیع شده باشد، نظام بین‌الملل به تناسب آن بیش از دو قطب خواهد داشت. بطور کلی شناخت و بررسی نظام بین‌الملل ما را در فهم مسائل بین‌المللی، سیاست، اقتصاد بین‌الملل و انواع روابط میان‌کشورها و ملت‌ها یاری می‌دهد. نظام بین‌الملل معاصر که پس از جنگ جهانی دوم شکل‌گرفت، جهان را به دو بلوک تقسیم کرد. در یک طرف نظام سرمایه‌داری به رهبری آمریکا و در سوی دیگر نظام مارکسیستی به سردمداری شوروی سابق قرار گرفت و رفتار کشورهای جهان سوم متأثر از این دو قطب گردید. با ارتقای قدرت اقتصادی ژاپن و اروپای غربی از دهه هفتاد، زمینه‌های تردید نسبت به موقعیت برتر اقتصادی آمریکا به تدریج ظاهر شد؛ ولی همچنان سیاست بین‌الملل متأثر از روابط دو بلوک بود. با روی کار آمدن گوربაچف در سال ۱۹۸۵ میلادی در شوروی سابق و شروع اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، تحولات جدیدی در نظام بین‌الملل

بوجود آمد و سرانجام ما شاهد فروپاشی شوروی بودیم. متعاقب آن رفتار کشورهای بلوک شرق، دستخوش تغییر گشت. رژیمهای سیاسی مارکسیستی، احزاب مارکسیست و... از میان رفت. سازمان ورشو از هم پاشید. برخی از قومیتهای درون شوروی، مستقل شدند و حکومتها جدید ظاهر گردید. با اضمحلال یک قطب نظام بین‌الملل، مسئله نظم‌دهی نظام بین‌الملل آینده، مطرح شد.

هدف ما تبیین و بررسی نظم نوین بین‌المللی است تا با شناخت و نگرش واقعی به آن، بتوانیم نظام بین‌الملل موجود و رفتارهای آینده دولتها را تا حدی ترسیم نماییم. براین اساس سؤال اصلی ما این است که علل پیدایی نظم نوین بین‌المللی چه می‌باشد و چه عواملی در شکل‌دهی آن مؤثر خواهد بود؟

جهت دستیابی به هدف، از روش توضیحی و تحلیلی استفاده خواهد شد.

اصول و پایه‌های نظم نوین جهانی، قبل از فروپاشی شوروی وجود داشته است. بر این اساس فرضیه‌ما این است که نظم نوین جهانی ناشی از ضرورت نظام سرمایه‌داری است و قطب سرمایه‌داری جهت شکل‌دهی نظام آینده، دارای نقش اساسی است. لذا نظم نوین جهانی در ارتباط با اهداف، منافع و سیاستهای نظام سرمایه‌داری می‌باشد.

مطلوب این مقاله در طی یک مقدمه، دو فصل و با ذکر نتیجه گیری ارائه می‌گردد. در فصل اول مفاهیم نظم، نظم جهانی، نظم نوین جهانی و نظام سرمایه‌داری به اختصار بیان می‌شود. در فصل دوم به بررسی نقش بازیگران اصلی نظام نوین بین‌المللی می‌پردازیم. بنابراین نقش آمریکا، اروپا، ژاپن، جهان سوم و سازمانهای بین‌المللی را در نظام آینده جهانی، بطور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. در بررسی نقش سازمانهای بین‌المللی به منظور رعایت اختصار، به نقش سازمان ملل متحد و جنبش عدم تعهد اکتفا می‌کنیم. سرانجام با نتیجه گیری از مطالب مطروحه، منابع مورد استفاده را متذکر خواهیم شد.

## ۲- کلیات

- مفاهیم نظم، نظم جهانی، نظام نوین جهانی و نظام سرمایه‌داری

«نظم» کلمه‌ای است عربی که بمعنای آراستن و ترتیب دادن است. «نظم» و «نظم جهانی» در روابط بین انسانها و دولتها بمعنای آن است که قواعد و قانونی را بصورت مدوّن یا غیر مدوّن، معیار رفتارهای خود قرار دهند؛ چه بصورت عادلانه و چه به صورت جابرانه.

اصطلاح «نظم نوین جهانی»، ترجمه عبارت «New World Order» (NWO) است. عده‌ای، یکی از معانی «Order» را معادل «System» بکار می‌برند. از سوی دیگر «System» در زبان فارسی به «نظم» معنا شده است. بدین ترتیب معتقدند که در اینجا «Order» بمعنای نظام بکار رفته است. لذا باید «نظم نوین جهانی» خوانده شود.<sup>۱۵</sup> (سیستم در آثار مختلف بدین صورت معنا شده است: «مجموعه‌ای از عناصر که در ارتباط متقابل با یکدیگرند.»)

از سوی دیگر عده‌ای از تحلیل‌گران قائلند، زمانی یک نظام بین‌المللی دچار تغییر و تحول کامل می‌شود که تمام عناصر سیستم بین‌المللی متحول گردد. اگر یک یا چند پارامتر تغییر کند و بقیه به شکل ساختار گذشته خود باقی بمانند، نظام جدیدی شکل نخواهد گرفت بلکه باید گفت که نظام جدیدی در حال شکل‌گیری در چارچوب سیستم قبلی است و از اینجا کلمه «Order» را بمعنای «نظم» بکار می‌برند.<sup>۱۶</sup> این گروه مدل سیستم‌های «مورتون کاپلان» را در این ادعای خود، مورد بررسی قرار می‌دهند. کاپلان معتقد است که قواعد تغییر و تحول، شرایط و وضعیتی را توصیف می‌کنند که در آن

۱- دانشکده اطلاعات، نظام نوین، انتشارات نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۷۲، ص ۱۵.

۲- همان منبع، ص ۱۶.

قواعدِ جوهری، تغییر می‌یابند. در اثر تغییر و تحول این دسته از متغیرها، خود نظام تغییر می‌یابد. می‌توان ادعا کرد که از نظر کاپلان، مدل نظام بین‌المللی دستخوش تغییر و تحول گردیده و دیگر نظام سابق نیست؛ اما در مورد اینکه آیا نظام، استقرار یافته یانه؟ و این که مدل این نظام نوین چیست؟ باید گفت تا قواعدِ جوهری جدید، شکل نگیرد و استقرار نیابد از نظر تئوریک و از دیدگاه کاپلان نمی‌توان ادعا کرد که مدل نوینی از نظام بین‌المللی شکل گرفته است. شاید اینکه از کلمه «Order» استفاده می‌شود، اشاره‌ای به این معنا باشد که قواعدِ جوهری نوین در حال شکل‌گیری است و هنوز تغییر و تحول به جایی نرسیده که بتوان کلمه «System» را مورد استفاده قرار داد. در این صورت استفاده از اصطلاح «نظم نوین جهانی» به این معنا که قواعد جوهری نوینی در شرف تکوین است، صحیح‌تر از «نظم نوین جهانی» به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup> درست است که ما در دوره انتقالی از نظامی به نظام دیگری هستیم ولی نظام دیگر هنوز شکل نگرفته است.

اصطلاح «نظم سرمایه‌داری» به سیستمی گفته می‌شود که در آن، وسائل عمدۀ تولیدی به وسیله سرمایه‌های شخصی فراهم می‌آید و به مالکیت شخصی صاحبان سرمایه، باقی می‌ماند. اقتصاد جهان امروز بیشتر بر اساس نظام سرمایه‌داری اداره می‌شود. نظام سرمایه‌داری که می‌خواهد در شکل‌دهی نظام آینده نقش اصلی را ایفا نماید، همان کشورهای بزرگ صنعتی هستند که از حيث اقتصادی نسبت به دیگران برتری دارند.

### ۳- بازیگران اصلی نظام نوین بین‌المللی

#### - دیدگاه‌های آمریکا نسبت به نظام نوین جهانی

به نظر آمریکائیها، نظام نوین جهانی نظمی است که در آن یک نظام، حاکم است و آن

ایالات متحده آمریکا می باشد.

جرج بوش، رئیس جمهور سابق آمریکا می گوید:

«امید بشریت به ایالات متحده است و آمریکائیان مسؤولیت بی همتایی

برای به انجام رساندن کار دشوار آزادی! به عهده دارند، در جهانی که سریعاً

در حال تغییر است، رهبری آمریکا ضروری است.»<sup>۱</sup>

جرج بوش در سپتامبر ۱۹۹۰ در کنگره آمریکا، ویژگیهای نظم نوین را برمی شمارد:

«نظم نوین جهانی، نظامی است که در آن هیچ ملتی نباید جزئی از

حاکمیت خود را از دست بدهد. نظامی که ویژگیهای آن، حاکمیت قانون،

عدم توسل به زور، حل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیر و اعتقاد راسخ به

حقوق بشر است.»<sup>۲</sup>

در جهان دو قطبی با کنار رفتن یک قطب، طبیعی است که قطب با قیمانده برای مدتی کوتاه، یکه‌تازی کند؛ ولی آیا می‌تواند یک قطبی بودن خود را در جهان حفظ کند و پاسخگوی مسؤولیت جهانی باشد؟ و اصولاً تا چه حدی می‌تواند در شکل دهی نظم آینده دخیل باشد؟ آمریکا پس از جنگ جهانی دوم با زیاد کردن مصرف نفت در دنیا، متمرکز کردن تکنولوژی صنعت نفت آمریکا و با در اختیار گرفتن کمپانی‌های نفتی توانسته بود در صحنۀ جهانی قدرت زیادی پیدا کند؛ ولی از سه دهۀ گذشته تا حال به تدریج عناصر سه گانه را تا حدی از دست داد و در بعد اقتصادی نیز قدرتهای دیگر نظری راپن و آلمان ظهور کردند و به شکوفایی بیشتری نسبت به آمریکا دست یافتند. بنابراین وجهی برای حاکمیت مطلق آمریکا وجود ندارد.

هنری کیسینجر، استراتژیست معروف ایالات متحده، معتقد است که در نظم نوین،

۱- همان منبع، ص ۲۳.

۲- محمد جعفر جواد، درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) قم، سال تحصیلی ۷۱-۷۲

شاهد مراکز جدید قدرت خواهیم بود. در چنین وضعی صلح از دو طریق امکان پذیر است. یا از طریق سلطه و یا از طریق توازن. آمریکا دیگر قادر به سلطه جویی نیست. پس باید در پی توازن باشد و این توازن میان سه مرکز مهم امپریالیسم (آمریکا، اروپا و ژاپن)، شکل خواهد گرفت و آن سه مرکز برای تجارت جهان سوم به یک رقابت کشیده می شوند.<sup>۱</sup> لذا جهان چندقطبی خواهد شد. شواهد نشان می دهد که ژاپن، فرانسه، آلمان، چین و روسیه از سیاستهای جهانی آمریکا در همه زمینه‌ها تعیت نمی‌کنند؛ منتها آمریکا به عنوان یک قطب در صحنه جهانی باقی خواهد ماند.

#### -موضع اروپا نسبت به نظام آینده جهانی

جامعه اروپا از امکانات و ظرفیتهای چشمگیری برخوردار است؛ مثلاً نیمی از تجارت جهانی در داخل جامعه اروپا صورت می‌گیرد. مقام دوم تولید ناخالص ملی را داراست. دومین بازار پرجمعیت اقتصاد آزاد است و....

اروپا با مشکلاتی مواجه است که انگیزه اصلی ادغام و ایجاد اروپای واحد می‌باشد؛ مثل کسری تکنولوژی در مقایسه با رقبای خود، آمریکا و ژاپن. اروپای واحد می‌تواند با رقبای خود رقابت کند ولی هر یک به تنها یی قادر نیستند. همینطور هزینه‌های موازی در فعالیت پژوهشی و توسعه که سبب اتلاف انرژی و پول می‌شود.<sup>۲</sup> اروپا با کاهش تعرفه‌ها، حذف کمک هزینه‌های صادراتی، ایجاد پول واحد، حذف هزینه‌های موازی، آزاد شدن انتقال سرمایه و کارگر و... در پی ایجاد وحدت اقتصادی است. هدف اروپا از رسیدن به وحدت اقتصادی، دستیابی به وحدت سیاسی است که آمریکا از آن وحشت دارد. رشد اقتصادی اروپا بیشتر از آمریکا است. هر یک از اروپا و آمریکا در پی تسخیر بازارهای یکدیگرند. آمریکا در پی مهار اروپاست و اروپا هم در برابر آمریکا مقاومت

۱-دانشکده اطلاعات، نظم نوین، انتشارات نشر و تبلیغ بشری، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۷.

۲-حسن قاسمی، اروپای واحد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۲.

می‌کند. برژیستنگی و کیسینجر، دست‌اندرکاران اجرایی آمریکا، حساسیت‌ها و کانونهای نگرانی آمریکا را در سالهای آتی، پنج منطقه دانسته‌اند که یکی از آن مناطق، اروپای غربی است که در حال شکل‌گیری و وحدت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و دفاعی می‌باشد. اروپا با روی آوردن به وحدت، خواهان ایفای نقش زیادتری در نظام نوین آینده نسبت به گذشته است و رقبت زیادی به یکه تازی آمریکا از خود نشان نمی‌دهد.

«بارون گرسپو»، رئیس پارلمان اروپا، معتقد است:

«جامعه اروپا نه تنها مسؤولیت اولین قدرت تجاری جهان را بر عهده

دارد بلکه باید مسؤولیت سیاسی را نیز بر عهده گیرد.»<sup>۱</sup>

سفیر آلمان در آمریکا می‌گوید:

«شانس ایجاد یک نظام نوین جهانی وجود دارد. کمکی که آلمان می‌تواند به این موضوع بکند این است که اولاً روند اتحاد را در اروپای غربی تسریع کند. هدف از این کار، تقویت جامعه اروپا و تلاش در جهت نیل سریعتر به وحدت سیاسی است. ثانیاً آلمان خواهد کوشید تا اروپای غربی و شرقی را به یکدیگر نزدیکتر کند.»<sup>۲</sup>

فرانسو میتران، رئیس جمهور سابق فرانسه می‌گوید:

«یک آمریکای صلح دوست نمی‌تواند نظامی را بر دیگران تحمیل

کند.»<sup>۳</sup>

این نکته قابل توجه است که با ادغام دو آلمان جمعیت این کشور در حدود ۸۰ میلیون نفر رسیده است و قدرت اقتصادی آن از قدرت اقتصادی فرانسه، هلند و بلژیک در کنار هم تجاوز خواهد کرد و حتی از پنج برابر قدرت اقتصادی لهستان، چکسلواکی،

۱- دانشکده اطلاعات، نظام نوین، انتشارات نشر و تبلیغ بشری، تهران، ۱۳۷۲، ص ۷۴.

۲- همان منبع، ص ۷۴.

۳- همان منبع، ص ۷۵.

مجارستان، رومانی و بلغارستان و پنج کشور اروپایی مرکزی نیز بیشتر خواهد شد. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که آلمان متحده، محوریت رهبری در این قاره را به دست خواهد گرفت.<sup>۱</sup>

از طرف دیگر بعضی از کشورهای اروپایی مثل انگلیس و ایتالیا، نسبت به آمریکا خوشبین هستند. نخست وزیر ایتالیا در مقاله‌ای ضمن حمایت از حضور آمریکا در اروپا ادعا کرد که اروپا بدون آمریکا، قادر به دفاع از خود نیست. آمریکا ضمن آگاهی از خواست اروپا برای ایفای نقشی بیشتر در نظم نوین جهانی و با قبول اعطای چنین نقشی و با استفاده از اختلاف نظر بین کشورهای اروپایی، می‌خواهد برتری و موقعیت محوری خود را در اروپا حفظ کند.

جرج بوش در استراتژی امنیت ملی آمریکا، اهمیت اروپا را برای منافع حیاتی کشورش چنین بیان می‌کند:

«یکی از مهمترین پیشرفت‌های درازمدت و استراتژیک عصر جدید که از موفقیت‌های عمده سیاست بعد از جنگ آمریکاست، ظهور ژاپن و آلمان به عنوان رهبران سیاسی و اقتصادی در جهان است... اروپا بیش از هر منطقه دیگری برای برقراری موازنۀ بین‌المللی در قرن معاصر اهمیت دارد... ضروری است که ما برای آرام کردن تنشهای قومی و نژادی و حل و فصل اختلافات، اصول کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا و شاید مکانیسم‌های دیگری را تدوین کرده و توسعه بدھیم.»<sup>۲</sup>

برخی بر این اعتقادند که همبستگی واقعی چیزی جز همبستگی فرهنگی نخواهد بود. اروپا ضمن دارا بودن زمینه‌های مساعد فرهنگی در راه وحدت اروپا و حرکت در جهت همبستگی سیاسی و اقتصادی، دارای یک سری از مشکلاتی است که موفق به

.۲- همان منبع، ص. ۷۷

.۱- همان منبع، ص. ۷۰

وحدت کامل نخواهد شد. چون در اروپا سه زبان اصلی و دو نژاد عمدۀ وجود دارد و هر یک از ملت اروپا بدبانی هدف خاصّ خود است. اروپا در مقابل دشمن مشترک، متحد است ولی در درون خود دارای اختلافاتی است.<sup>۱</sup> موانعی نظیر عدم سیاست مشترک بازرگانی خارجی، وجود فاصله در تکنولوژی و...، بر سر راه تحقق اروپای واحد وجود دارد.<sup>۲</sup> اروپا با توجه به رشد اقتصادی و حرکت در جهت وحدت اقتصادی - سیاسی - امنیتی، یکی از قطب‌های مهم و نقش آفرینان نظم نوین جهانی خواهد بود؛ البته با حضور گسترده‌تر آلمان و بلکه با محوریت و رهبری آلمان توأم خواهد بود.

#### - ژاپن در نظام آینده جهانی

ژاپن در حال حاضر از امکانات و قدرت اقتصادی بالایی در سطح جهان برخوردار است. ژاپن همچنان در بخش اقتصادی و در جهت دستیابی به بازارهای قاره‌ای گام بر می‌دارد. انتظار می‌رود که ژاپن بزودی به عنوان یک قدرت مستقل منطقه‌ای ظاهر شود. با این کار رقیب نیرومندی برای اروپا و آمریکا خواهد بود. در مرحله اول ژاپن به قدرت اقتصادی منطقه‌ای می‌اندیشد. ژاپن در دیپلomatic خود، مثل بقیه قدرتها، با سروصدای عمل نمی‌کند بلکه بطور آرام و ظریف عمل می‌کند. کمتر توجه فرد، گروه یا مردمی را به خود جلب می‌کند. لذا در بین ملتها نفرتی بوجود نمی‌آورد. حضور ژاپن در جهان سوم به ظاهر جنبه بازرگانی دارد. کمک ژاپن برای توسعه کشورهای جهان سوم با نوعی بی‌طرفی ماهرانه و در کمال دقت و ظرافت انجام می‌پذیرد که توأم با نوعی بی‌تفاوتی به چشم می‌آید. ژاپن به منظور حفظ بازارش سعی می‌کند تا با همه، ارتباط داشته باشد و روزبروز به بازارهای جدیدی دست می‌یابد.

برخی معتقدند که ژاپن ممکن است با روسیه، چین و یا آمریکا، متحد شود تا قطبی را

۱- احمد تقیبزاده، وحدت اروپا و مسائل فرهنگی آن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۵-۶۶، ص ۱۰.

۲- حسن قاسمی، اروپای واحد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۲.

تشکیل دهنده. ژاپن با شکوفایی و توانمندی اقتصادش در سطح جهان، خواستار ایفای نقشی بیشتر در نظام نوین جهانی است؛ البته دارای چنین برتری می‌باشد. آمریکا که خود را رهبر جهان می‌داند، در این مورد اظهار نگرانی می‌کند. برژینسکی و کیسینجر، دست‌اندرکاران اجرایی آمریکا، حساسیت‌ها و کانونهای نگرانی آمریکا را در سالهای آتی، پنج منطقه دانسته‌اند که یکی از آن مناطق، ژاپن است؛ ژاپنی که منطقه جنوب شرقی آسیا و اقیانوس آرام را منطقه نفوذ و حوزه فعالیتها جدی خویش قرار داده است.<sup>۱</sup> آمریکا اعلام کرده است که یکی از طرق حفظ منافع کلی آمریکا، اعمال فشار بر قدرت ژاپن در آسیای شرقی است.<sup>۲</sup>

آمریکا و اروپا باید با این واقعیت رو برو شوند که ژاپن از قطب‌های نظام نوین جهانی است و ژاپن مشکل خاصی در این زمینه ندارد.

### -جهان سوم و نظام نوین جهانی

جهان سوم خواهان نظام جدید اقتصادی و سیاسی بین‌المللی است تا بسی عدالتی‌ها و نادرستی‌های نظام گذشته را جبران کند و از حاکمیت اقتصادی و سیاسی ملی، پشتیبانی نماید؛ اما نظام سرمایه‌داری می‌کوشد تا یک سیستم اقتصادی بازسازی شده بین‌المللی را که از سوی جهان صنعتی ارائه شده بود به نفع آنها مرمت کرده، جانشین نظم موجود نماید.<sup>۳</sup> جهان سوم در نظام نوین جهانی خواهان حضور بیشتری در تصمیمات و شرکت فعالانه در امور بین‌المللی است؛ لذا از موقعیت و فرصت بدست آمده استفاده می‌کند. جهان سوم نسبت به نظام سرمایه‌داری بخصوص آمریکا، بدین است لذا می‌کوشد تا در نظام نوین آینده مثل گذشته، تابعی از یک چرخه محروم نباشد.

«مهاتیر محمد» نخست وزیر مالزی، معتقد است:

۱-دانشکده اطلاعات، نظام نوین، انتشارات نشر و تبلیغ بشری، تهران، ۱۳۷۲، ص. ۴۴.

۲-همان منبع، ص. ۴۰.

۳-همان منبع، ص. ۳۱.

«هدف جدید آمریکا، استفاده از زور برای سروسامان دادن به اقتصاد در حال رکود آمریکاست... اگر با آمریکا دوست باشید، همه چیز عالی است اما اگر...»<sup>۱</sup>

جهان سوم از نظر اقتصادی به سمت اقتصاد صادراتی روی آورده است<sup>۲</sup> و از نظر فرهنگی در پی حفظ فرهنگ و سنت و آداب و رسوم خاص خودش است. کشورهای مترقی جهان سوم، پرچمداران اصلی مبارزه با طرح نظم نوین آمریکایی و اهداف سلطه‌جویانه آن می‌باشند و خواهان نظمی برای حفظ منافع ملی خود هستند. پاکستان با دیده تردید به نظم نوین جهانی می‌نگرد و با ارائه شروطی، حاضر به پذیرش نظم جدید می‌باشد.

غلام اسحاق خان، رئیس جمهور پاکستان می‌گوید:

«ما از نظم نوینی که موجب صلح، دوستی، عدالت، تحقق اصل عدم مداخله در امور کشورها، رفع سلطه و اعاده حقوق محرومان در فلسطین، کشمیر و دیگر نقاط جهان شود، استقبال می‌کنیم؛ اما اگر وسیله‌ای برای تحمیل امیریالیسم جدید در جهان باشد، باید محکوم شود.»<sup>۳</sup>

بعضی از کشورهای اسلامی و جهان سوم، نظم نوین جهانی را وسیله‌ای برای استثمار کشورها و تقویت اسرائیل می‌دانند.

علامه سید ساجد علی نقوی، رهبر شیعیان پاکستان می‌گوید:

«نظم نوین جهانی شکلی جدید از توطئه‌ای نوین علیه منافع جهان اسلام

و با هدف تقویت رژیم اشغالگر قدس می‌باشد.»<sup>۴</sup>

موج آزادیخواهی و گرایش به ایدئولوژی اسلام در منطقه و جهان، مانعی جدی برای

۱- همان منبع، ص ۳۱.

۲- همان منبع، ص ۱۴۱.

۳- همان منبع، ص ۳۲.

۴- همان منبع، ص ۱۴۰.

اجرای نظم نوین آمریکایی است. کشورهای جهان سوم، بویژه ملل مسلمان، نظم نوین جهانی را که داعیه دار آن، نظام سرمایه‌داری است، توطئه‌ای خطرناک و جنایتکارانه، به منظور قبضه کردن جهان و حذف ملت‌های جهان سوم در تعیین مقدرات سیاسی و اقتصادی خود می‌دانند.

حضرت آیة‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با غلام‌اسحاق خان فرمودند:

«نظم نوینی که آمریکا در پی استقرار آن است، متناسب تحریر ملت‌ها و بمعنای امپراتوری بزرگی است که در رأس آن آمریکا و پس از آن قدرت‌های غربی قرار دارند؛ اما ملت‌های جهان سوم چنین چیزی را تحمل نخواهند کرد و اسلام اجازه هیچ‌گونه ذلت‌پذیری را به ملت‌های مسلمان نمی‌دهد.»<sup>۱</sup>

کشورهای جهان سوم از جمله جمهوری اسلامی ایران، نظمی را که ساخته و پرداخته نظام سرمایه‌داری باشد، قبول ندارند. کشورهای اسلامی و جهان سوم ضمن تقویت بنیه اقتصادی خود، خواهان نقشی بیشتر و حفظ فرهنگ و ارزش‌های خود هستند. جهان سوم می‌تواند با استفاده از کشورهایی نظیر چین، هند، ایران، پاکستان و... که از سایرین تواناتر و فعالترند، استفاده کنند تا به اهداف خود برسند.

چین قائل است که در نظم نوین جهانی، تساوی بین کشورها باید رعایت شود و کشورها از طریق مذاکره مشکلات خود را حل کنند و همه باید به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر احترام بگذارند. چین با جمیعتی بیش از یک میلیارد و قدرت نظامی بالا و با بازسازی اقتصادی به مانعی جدی در برابر آمریکا تبدیل خواهد شد. در تقسیم‌بندی جدید قدرت، چین خود را در کنار مخالفین نظم نوین جهانی مقبول نظام سرمایه‌داری، احساس می‌کند. البته این سیاست مطابق با موقعیت فعلی چین است. چرا که چین در حال

۱- همان منبع، ص ۱۴۶.

گذار از کشورهای جهان سوم به جهان اول و صنعتی است.

لی پینگ، نخست وزیر چین:

«در نظام نوین جهانی همه کشورها می‌باشند بطور یکسان در امور سهیم

باشند، از دیدگاه چین همه کشورها اعم از فقیر و غنی باید بطور برابر در

اداره امور بین‌المللی مشارکت کنند.»<sup>۱</sup>

مخالفت چین با طرح نظام نوین آمریکایی، واشنگتن را بر آن داشت تا با ترفندهای مختلف چین را از سر راه اجرای اهداف نظام نوین کنار بگذارد و در همین راستا می‌توان در طرح اجرای خلع سلاح جهانی که بیشتر متوجه جهان سوم می‌باشد، چین را در رأس هرم خلع سلاح شوندگان قرار داد.

#### - نقش سازمانهای بین‌المللی در نظام آینده جهانی

احساس نیاز کشورها به سازمان جهانی جهت برقراری صلح و نظام، پس از جنگ جهانی اول، مضاعف شد. هرچند با شروع جنگ جهانی دوم، جامعه ملل از هم پاشید و لی اندیشه ایجاد سازمان جهانی از بین نرفت. لذا پس از جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد با اهداف بیشتر و الاتری شکل گرفت.

#### الف - سازمان ملل متحد

گرایش عمومی بر آن است که سازمان ملل متحد، نقش جدی‌تری را در صحنه جهانی ایفا کند و مشکلات بین‌المللی را با توجه به نقش سازمان ملل و با تکیه بر آن حل و فصل کنند.

ادوار شوارد نادزه:

«از نظر من، جوهره نظام نوین بمعنای ایجاد مکانیسم‌های استقرار نظام و

قانون برای هر یک و همه کس، زیر نظر سازمان ملل است.»<sup>۲</sup>

۱- همان منبع، ص ۱۳۴.

۲- همان منبع، ص ۲۹.

جمهوری اسلامی ایران:

«سازمان ملل متحده، نقش اساسی در هدایت و هماهنگ سازی نظام نوین

ایفا کند با اتكا به آراء اعضا و دور از نفوذ سنتی ابرقدرتها.»<sup>۱</sup>

هدف جهان سرمایه داری از دادن نقش بیشتر به سازمان ملل آن است که از این طریق بتواند الگوهای خواسته های خود را در جهان پیاده کند و مراد جهان سوم از زیاد کردن نقش سازمان ملل آن است که زیر نظر آن بتواند حق خود را ایفا نموده و نقش قدرتهای بزرگ را کم کند و در واقع به یک تعادلی در سطح روابط بین دولتها دست یابد.

آیا سازمان ملل می تواند چنین رسالتی را به انجام برساند؟

سازمان ملل متحده دچار مشکلات و نقایصی است؛ مثلاً سازمان ملل نماینده دولتها است نه ملتها. سازمان ملل دارای استقلال اقتصادی نیست لذا نمی تواند بطور مستقل عمل کند. سازمان ملل از یک قدرت اجرایی قوی برخوردار نیست و... سازمان ملل با توجه به مشکلات مذکور و نقایص دیگر، نتوانسته است نقش مؤثری در صحنه های جهانی داشته باشد. در واقع باکشا کشی که بین نظام سرمایه داری و جهان سوم وجود دارد، سازمان ملل نخواهد توانست نقش رهبری جهان را در حد مطلوبی بر عهده گیرد؛ ولی با توجه به گرایش عمومی مبنی بر ازدیاد قدرت سازمان ملل متحده در حل مناقشات و اختلافات بین المللی، سازمان خواهد توانست نقش ارزشمندی در روابط بین الملل ایفا کند.

کشورهای جهان معتقدند که اگر سازمان ملل متحده بخواهد نقش بیشتری در شکل دهی و مسؤولیت پذیری نظام نوین جهانی بر عهده گیرد لازم است در ساختار آن تجدید نظر شود. تجدید نظر در ساختار شورای امنیت و در حق و تو و افزایش تعداد اعضای آن که بتواند منعکس کننده واقعیت ها و مراکز قدرت باشد. همینطور تجدید نظر در سازمان اداری و اختیارات دیگر کل تا او بتواند با اختیارات وسیعتر در مقاطع مختلف با

۱- همان منبع، ص ۱۴۷.

قدرت عمل کند. تجدید نظر در عملیات پاسداری صلح و تحکیم بازداری به شکلی که سازمان ملل دیگر مجبور نباشد فقط در برابر بحران از خود واکنش نشان دهد بلکه برای جلوگیری از آن تلاش کند.<sup>۱</sup>

#### ب - جنش عدم تعهد

بادو قطبی شدن جهان بعد از جنگ دوم جهانی، کشورهای جهان سوم متوجه شدند که منافع آنها از طرف دو قطب حاکم نادیده گرفته می‌شود. لذا با پیشاهنگی سوکارنو (رئیس جمهوری اندونزی)، تیتو (رئیس جمهوری یوگسلاوی)، نهرو (نخست وزیر هند) و عبدالناصر (رئیس جمهور مصر) جنبش عدم تعهد شکل گرفت و بزوادی کشورهای زیادی به آن ملحق شدند تا شاید تحت لوای جنبش، موقعیت و منافع خود را حفظ کنند. غرب و در رأس آن آمریکا نمی‌توانست یک جنبش انقلابی را که با هرگونه سلطه گری مبارزه می‌کرد، تحمل کند. لذا یکسال پس از دومین کنفرانس، سوکارنو، انقلابی ترین چهره غیرمعهدها، با یک کودتای آمریکایی سرنگون شد و به این ترتیب جناح محافظه‌کاران تقویت شد. پس از آن با کنار رفتن اشخاصی چون «نکروم» و «ناصر» و ورود چهره‌های وابسته، جنبش بیش از پیش به سوی محافظه‌کاری و سازش پیش رفت. آمریکا با نفوذ در جنبش، مسیر اصلی نهضت را به نفع خود تغییر داد. با توجه به عملکرد جنبش در دو قسم موفقیت‌ها و شکست‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که جنبش بعنوان یک قطب، مطرح نخواهد شد. چون ناکامی و اختلاف موجود در جنبش بیش از پیروزی و اتحاد آن است.

مشکلاتی چون رشد بی‌رویه اعضاء، ارتباط بیش از حد بعضی از اعضاء با غرب، بدھی اعضاء به غرب، بی‌رغبتی در پذیرفتن نقشی در صحنه بین‌الملل، ترکیب ناهمگون اعضاء (وجود دولتها با نظام سیاسی مختلف)، عدم وجود ضمانت اجرا، نفوذ قدرتهای بزرگ

.۱- همان منبع، ص ۱۱۸.

و... از عواملی است که جنبش عدم تعهد را با مشکل مواجه ساخته است.

اگر جنبش بخواهد جایگاه مناسبی در نظام نوین جهانی داشته باشد، به بازسازی و بازنگری جدی و اساسی نیازمند است و اینهم با توجه به سوابق و مشکلات جنبش، تا حدی مشکل بنظر می‌رسد.

#### ۴-نتیجه

پس از فروپاشی شوروی، صحنه بین‌المللی در حال تغییر و تحول است. مواضع گذشته مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. همه در جستجوی راهی هستند تا از آن طریق بتوانند به منافع خود، تحت شرایط جدید دست یابند. هنوز نظمی شکل نگرفته است بلکه جهان، دوره انتقالی خود را طی می‌کند. از یک سوبرخی از صفات و ویژگیهای نظام گذشته را دارد و از سوی دیگر ظهور قدرتهای جدید را. در دوره انتقالی، آمریکا با یکه‌تازی و دخالت‌های متعدد، نظام خاصی را در افکار عمومی القا می‌کند. نظام سرمایه‌داری می‌کوشد تا نظام نوین را بر اساس منافع خود شکل دهد.

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، جهان آینده از نظر توزیع قدرت چند قطبی خواهد بود و هر یک نوعی از قدرت برتر را دارا خواهد بود. از نظر اقتصادی و مالی ژاپن، آلمان و آمریکا، از نظر جمعیتی هند و چین، از نظر نظامی آمریکا و روسیه و از نظر فرهنگی غرب و اسلام. در نظام آینده کشوری موفق‌تر خواهد بود که دارای مکانیزم قدرت بیشتر، اهرم‌های اثربخشی‌تر، دیپلماسی فعال و... باشد.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تکیه بر ایدئولوژی اسلام و ایجاد وحدت میان کشورهای اسلامی، نقش مهمی را در نظام آینده جهانی بازی کند. از یک سو با حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر با حفظ کشورهای اسلامی و ملل محروم و جهان سوم می‌تواند در سیاست جهانی و نحوه توزیع قدرت، دارای اثرات زیادی باشد.

## پرسش

- ۱-چرا بحث و بررسی از نظام بین‌الملل و نظام نوین جهانی لازم است؟
- ۲-فرق بین اصطلاح «نظم نوین جهانی» و «نظام نوین جهانی» در چیست؟
- ۳-بازیگران اصلی نظام جدید چه کشورها یا سازمانهایی هستند؟ چرا؟
- ۴-آمریکا مدعی رهبری جهان است. چرا این ادعا واقعیت ندارد؟
- ۵-از کدام دهه حاکمیت مطلق آمریکا شکسته شد و قدرت آمریکا رو به ضعف نهاد؟ چرا؟
- ۶-با توجه به وضعیت و توانایهای فعلی اروپا و دیدگاه آن نسبت به نظام جدید، موقعیت و جایگاه اروپا را در نظام جدید چگونه می‌بینید؟ بیان کنید.
- ۷-دو نظر عمده در اروپا در رابطه با آمریکا وجود دارد. آندورا بیان کنید.
- ۸-با مرور بر وضعیت و توانایهای ژاپن، جایگاه آن را در نظام جدید توضیح دهید.
- ۹-مجموعه کشورهای جهان سوم ناچه حدی در نظام جدید بین‌المللی مؤثر خواهد بود؟
- ۱۰-جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند در نظام جدید جهانی نقش مؤثری ایفا کند؟ چرا؟
- ۱۱-آیا سازمان ملل متحد می‌تواند نقش رهبری جهان را بر عهده گیرد؟ چرا؟
- ۱۲-چرا جنبش عدم تعهد نمی‌تواند در نظام جهانی نقش مؤثری داشته باشد؟
- ۱۳-بنیادگذاران جنبش عدم تعهد چه کسانی هستند؟



## درس هشتم

### صروفی بـ

# درسهای گذشته

#### هدف کلی

آشنایی فراگیران با جمع‌بندی نکات مهم درس‌های گذشته و برقراری ارتباط منطقی بین عناوین و محتوای درسها است.

#### هدفهای رفتاری

از شما عزیزان انتظار می‌رود پس از خواندن این درس بتوانید:

۱- چهار مقطع از مقاطع مهم و پندآموز تاریخ معاصر ایران را ذکر کنید.

۲- اعمالی را که استکبار پس از جنگ جهانی دوم برای سلطه بر ملت‌ها انجام داد، بیان کنید.

۳- وضعیت تمدن اسلامی و غرب را در قرون وسطی و پس از انقلاب اسلامی ایران، توضیح دهید.

۴- پنج راه عملی را برای حفظ انقلاب اسلامی نام ببرید.



## مروزی بر درس‌های گذشته

### ۱- پند‌ها و درس‌هایی از تاریخ معاصر ایران

خفقان و استبداد اجازه اظهارنظر را در داخل کشور، به کسی نمی‌داد. مجدوب بیگانه و متروک ملت خویش بودند. لذا زمامداران قاجار و پهلوی هر یک برای ادامه سلطنت خویش پذیرای سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بیگانه بودند و برابر اقتضای زمان به نوعی تن به این ذلت می‌دادند. محصول این وضع را در قراردادهایی چون گلستان و ترکمن‌چای مشاهده کردیم. علاوه بر رها شدن قسمت‌هایی از شمال ایران، کاپیتولاسیون هم بر ما تحمیل شد. امتیازات مختلفی از انواع امتیاز نفت، از ماگرفتند که دهها سال گرفتار عواقب ناگوار آنها بودیم. بیداری عمومی و وحدت اسلامی در نهضت تنبـاـ کوـکـهـ باـ فـتوـایـ تـحـرـیـمـ مـرـجـعـ تـقـلـیدـ بهـ ثـمـرـسـیدـ،ـ بهـ هـمـانـ مـورـدـ مـحـدـودـ گـرـدـیدـ.

انقلاب مشروطیت که می‌بایست استقلال تام و تمام کشور را تضمین نماید و آزادی و عدالت را نوید می‌داد به انحراف کشیده شد. موازین اسلامی که قرار بود مبنای کار قرار داده شود، کم کم غیرلازم تشخیص داده شد. نهضت‌های اسلامی و ملی مثل نهضت جنگل، مشروطه، صنعت نفت و... که راه ضدیت با استعمارگران را داشتند، سرکوب شدند و با کودتا سلسله پهلوی را برکشور مسلط کردند. مبارزات شهید مدرس با هماهنگی استعمار خارجی و استبداد داخلی محدود و به نتیجه مطلوبی نرسید. نهضت ملی صنعت

نفت با دخالت بیگانگان و عوامل داخلی به شکست کشیده شد. رژیم پهلوی جوّ وحشت و ارعاب را در مملکت حاکم کرد و صدای هر آزادیخواهی را در گلو خفه می‌کرد. تا اینکه امام خمینی(ره) با عنوان مرجعیت برای رهبری نهضتی حسینی، قیامی را آغاز کردند. وی با فیزیکیهای منحصر به فردش موفق شد تا پایه‌های رژیم پهلوی را متزلزل کند و با یاری خداوند و کمک مردم، طی یک مبارزهٔ طولانی پانزده ساله توانست، رژیم استبدادی پهلوی را ساقط و حکومت اسلامی را به جای آن استقرار بخشد.<sup>۱۹</sup>

## ۲- ماهیت استکبار

پس از جنگ جهانی دوم دو قطب جهان با عناوین کاپیتالیسم و سوسیالیسم، برای خود تقسیم‌بندی شرق و غرب را بوجود آورده و قسمت اعظم محصول کار مردم دنیا را به سلاحهای اتمی، هیدرژنی، شیمیایی و میکروبی اختصاص دادند. با تهدید و زورگویی به توسعه قدرت پرداختند تا توازنی از وحشت در مقابل هم داشته باشند و در مواردی که صلاح خود بدانند به توافق‌هایی در جهت استحکام هرچه بیشتر بپردازند. تجاوز به حقوق ملت‌ها در هر شکلی برای ابرقدرتها جایز شناخته شد. سازمانهای بین‌المللی در جهتی تأسیس گردید که سرپوشی بر اعمال ضدبشری صاحبان قدرت باشد. رژیمهای فاسد و جابر، زمام حکومتها وابسته را در دست گرفتند تا واسطه‌کار برنامه‌های بیگانگان باشند و با حبس، شکنجه، قتل و کشtar، فریاد انسانهای آزاده را در حلقوم خفه سازند.<sup>۲۰</sup>

آنچه که امروز به عنوان استکبار با آن رو برو هستیم، مجموعه‌ای از کشورها است که با جذب سرمایه‌های کلان و علم و تجربه و پیشرفتی که حاصل تلاش عملی و فکری بشر

۱- جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵.

۲- همان منبع، ج ۱، ص ۳.

است و با غارت منابع ملل بی‌دفاع جهان سوم، سلطه نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را بجهان گسترد است.

استکبار برای رسیدن به اهداف خویش از شیوه‌های متعدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... استفاده می‌کند. امروزه مهمترین شیوه استکبار برای حفظ نظام سلطه، بُعد فرهنگ است که از طریق رسانه‌های گروهی با بی‌تفاوت کردن ملتها نسبت به فرهنگ و ارزش‌های بومی خود، صورت می‌گیرد. ترویج فساد و فحشاء در بین مردم بخصوص جوانان، از راههای موفقی است که استکبار، سرمایه‌گذاری کلاتی در این زمینه می‌کند. با این کار توجه مردم را از مسائل مهم جامعه‌شان بر می‌گرداند و با کنار گذاشتن مردم، نقشه‌های شوم خود را بکمک ایادی داخلی بر سرنوشت آنها تحمیل می‌کند.

تسلط سیاسی، اقتصادی، نظامی و بطور کلی استعماری انگلیس، فرانسه، آمریکا و... در کشورهای اسلامی ناشی از کنار گذاشتن مبانی فکری و ایدئولوژی اسلام بوده است. امپریالیسم، اول جهان اسلام را از اصالت خویش انداخت و آنرا از فرهنگ اصیل خود بیگانه کرد، سپس سایه شوم حاکمیت سیاسی، اقتصادی و نظام خود را استقرار بخشید.

امروز آمریکا نمونه کامل استکبار است. تفکر آمریکایی آن است که آنها قوم برگزیده هستند و امید بشریت به شمار می‌روند و رهبری جهان فقط لایق آنها است. با چنین اندیشه‌ای سعی دارند تا نظام سلطه را در جهان ثبت و تحکیم کنند.

### ۳- اهمیت انقلاب اسلامی ایران

از برخورد و تعارض اسلام با مسیحیت، زمینه‌های ترقی و تکامل در قرون وسطی برای غربیها آمده شد. آن وقتی که مسلمانان در زمینه معماري، علوم، تجارت، صنعت و... سرآمد زمان خود بودند، غرب چیز قابل عرضه‌ای نداشت. معروف است که غربیها

به صدای زنگ ساعت مسلمانان می‌گفتند این شیطان است. تا این حد در توهش و بی‌خبری بسر می‌بردند. کلیسا با قبضه کردن قدرت، مردم را در بی‌خبری نگه می‌داشت. عقل‌گرایی و علم‌گرایی را سرکوب کرده و آنرا کفر می‌خواند. در چنان وضعیتی اسلام به قلب اروپا نفوذ کرد. در جنگهای صلیبی اروپاییان به تدریج از فضایل و علوم موجود در بین مسلمانان آشنا شدند. متوجه شدند که در خواب غفلت بسر می‌بردند. مسلمانان برای آنها جاذبیت خاصی داشتند. چون از همه لحاظ نسبت به اروپاییان برتر بودند. با زنگ بیداری که اسلام برای غربیها به صدا در آورد، اروپاییان با بهره‌گیری از آن موقعیت سعی کردند تا بفهمند و به پیشرفت‌هایی دست یابند. اینکار را با جدیت ادامه دادند که در نتیجه پس از حدود پانزده قرن بر همه جهان تسلط یافتند. حتی مسلمانان متمن و برتر آن روز، امروز زیر سلطه آنان دست‌وپا می‌زنند و فرسنگها از پیشرفت علمی، صنعتی، تجاری و... آنها فاصله‌گرفتند. چرا مسلمانان به این روز سیاه افتادند؟ آیا دارای فرهنگ غنی، صنعت برتر، علوم شکوفاتر و تجاری جهانی نبودند؟ آیا اسلام آن همه در اهمیت علم و آگاهی و پیشرفت مادی و معنوی به مسلمانان توصیه نکرده و آنان را به تفکر و تعقل مداوم دعوت نکرده است؟ آیا خداوند متعال قول نداده است که راه هدایت را به مؤمنین و مخلصین نشان دهد؟ پس چه شد که تمدن اسلامی و جامعه مسلمانان به انحطاط کشیده شد و به خواب عمیق بی‌خبری، بی‌هویتی، خودباختگی، بی‌ایمانی و... بسر برد؟ انقلاب اسلامی ایران جرقه بیداری و آگاهی را در جهان اسلام زد و مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کرد. (همانطوری که اسلام، غربیها را از خواب غفلت بیدار کرده بود). جهان اسلام را متوجه کرد که چقدر از خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دور شدند. متوجه به فرهنگ خودی (اسلام) و امید به استقلال و تکیه بر باورهای دینی را در آنان زنده کرد. چهره استکبار را به آنان شناساند. مسلمانان، پس از بیداری از خواب بی‌خبری و بی‌هویتی خود را در غل و زنجیر استبداد داخلی و استعمار خارجی گرفتار دیدند و راهی بس طولانی

برای احیای تمدن عظیم اسلامی و سرنگون کردن نظام سلطه جهانی دارند.

امام خمینی(ره) که زمینه بیداری را با بیانگذاری جمهوری اسلامی در ایران برای جهان اسلام آماده کرد، کشور ما را مرکز توجه جهان اسلام و مسلمانان قرار داد. مسلمانان ناباورانه مجد و عظمت اسلام را در ایران مشاهده کردند و در پی آنند تا بینند که ایران اسلامی در میان جهان سرمایه‌داری مسلط و تبلیغات آنان که اسلام قادر به حکومت و حل معضلات خود نیست، چگونه با تکیه بر اسلام و الگوهای اسلامی خود را از مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... نجات خواهد داد. امروزه مکاتب سیاسی جهان به علت گرایش به مادیگری، ارزش‌های والای انسانی را نادیده گرفتند. لذا ملت مسلمان ایران با توجه به مکتب اسلام و با تشریح واقعیتها و توجه خاص به گذشته، خصوصاً تاریخ معاصر و تحلیل حوادث می‌تواند تحرکی به مبانی معنویت ببخشد و چراغی فروزان، فرا راه بشریت امروز قرار دهد.

با فروپاشی شوروی صحنه بین‌المللی و موقعیت کشورها در حال تغییر و تحول است. این وضع موقعیتی را برای ما بوجود آورده که می‌توانیم از آن بهره‌برداری کنیم. جمهوری اسلامی ایران با اهمیت فرهنگی و ایدئولوژی خود می‌تواند، جهان اسلام را حول محور ایدئولوژی اسلامی گرد هم آورد و با حفظ نظام اسلامی و کشورهای مسلمان و ملل مظلوم و مستضعف، در نظام جدید به ایفای نقش بپردازد.

#### ۴- راههای عملی حفظ انقلاب اسلامی ایران

تمدن غربی که مدیون تمدن اسلامی است، امروز در جهان برتری دارد و جهان اسلام در خواب بی‌خبری بسر می‌برد. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) زنگ بیداری را برای مسلمانان به صدا در آورده است. مسلمانان از خواب گران برخاسته و در پی تجدید حیات، به تکاپو افتادند. در این رهگذر جمهوری اسلامی ایران را به عنوان نمونه

عملی اسلام در قرن حاضر نظاره می‌کنند. در این موقعیت یک جوان ایرانی اسلامی انقلابی چه رسالتی دارد تا نسلهای آتی از این برهه تاریخی به افتخار یاد کنند و سرمشقی برای آنان باشد؟

دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی بیکار نخواهند نشست و از تجدید حیات مسلمانان ممانعت می‌ورزند. لذا مدام برای شکست انقلاب اسلامی توپه و شیطنت می‌کنند. از حمله طبس گرفته تا کودتای نوژه، ترور سران مملکتی و مردم انقلابی به دست منافقین، محاصره اقتصادی، تلاش برای ایجاد فاصله بین مردم و سران نظام، حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی، بایکوت خبری سختان مقام معظم رهبری، ترویج فساد و فحشاء و... همه نشان دهنده آن است که دشمن با نگاه به آینده در پی قطع ریشه اسلام ناب محمدی (فَلَمَّا وَكَلَّ عَنْهُ) است. لذا باید هوشیار بود.

- حفظ روحیه انقلابی. از مبارزه با استکبار، خستگی به خود راه ندهیم. مأیوس و سرخورده نشویم. در صحنه‌های انقلاب اسلامی حضوری فعال داشته باشیم. حفظ وحدت اولین مرتبه حفظ پیروزی است. از گذشته‌ها درس عبرت بگیریم و با آشنایی از ترفندهای دشمن، امکان پیروزی و موفقیت آنها را کم کنیم.

- احساس پیوستگی بین مردم، حکومت و مسؤولین. نظام و سران آن را از خود بدانیم. سران کشور از بهترین یاران حضرت امام خمینی(ره) و از لایق‌ترین افراد برای اداره امور کشور هستند. آنها به فکر آینده و بازسازی کشورند. با تقویت بنیه اقتصادی و... سعی دارند، نظام روی پای خود بایستد تا در مقابل دشمنان قوی، مقاومت کرده و از اصول خود دست نکشد.

از افتخارات جمهوری اسلامی ایران است که مردم نقش تعیین کننده در کلیه پدیده‌های سیاسی - اجتماعی دارند. از اساسی‌ترین عوامل برای حفظ و حراست از جمهوری اسلامی ایران، حضور مردم در صحنه است برای تداوم این حضور لازم است

شکل، محتوا و پایه علمی محکمی ایجاد شود تا این حرکت به شیوه‌ای صحیح و منطقی ادامه یابد. مردم منافع خود را در حفظ نظام می‌بینند و نظام هم ضمن طبقه‌بندی و هدایت خواسته‌های مردم، به آنها جامه عمل می‌پوشاند.

- هرگز در مقابل مشکلات، گرفتاریها، نابسامانیها و توطئه‌ها نالمید نگردیم.

- در تزکیه نفس و جهاد اکبر کوشایش چراکه هدف نهایی ما سیر الی الله است.

- معیار در جهاد و مبارزه و در تمامی افعال، انجام تکلیف الهی و کسب رضای خدا باشد.

- با تطبیق زندگی خود با معیارهای اسلامی، خود را نمونه و الگویی از یک مسلمان مبارز و انقلابی ساخته و سعی کنیم کردار و گفتارمان با هم مطابقت داشته باشد.

- با بالا بردن سطح تحصیلات علمی خود در تحقق اهداف انقلاب کوشایش.

## پرسش

- ۱- در چند سطر پندتها و درس‌هایی از تاریخ معاصر ایران را بنویسید.
- ۲- استکبار دارای چه ماهیتی است؟ توضیح دهد.
- ۳- اهمیت انقلاب اسلامی ایران در چیست؟
- ۴- چهار مورد از راههای عملی حفظ انقلاب اسلامی را بنویسید.
- ۵- بر اثر برخورد اسلام با مسیحیت در قرون وسطی، غربیها رو به ترقی نهاده و پس از مدتی بر جهان تسلط یافتهند. رمز موقیت آنان چه بوده است؟
- ۶- دو ویژگی استکبار را از متن درس اقیاس کرده، آن دو را توضیح دهد.

# منابع

## منابع درس اول

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- المنجد فی اللغة والاعلام.
- ۳- صحیفة نور، جلد ۱۳ و ۵.
- ۴- چارلز اف. آندرین، زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی، ترجمه مهدی نمازی، مؤسسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی، سال ۱۳۶۳.
- ۵- جواد منصوری، شناخت و تحلیل سیاسی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.
- ۶- شیخ مفید، الاختصاص.
- ۷- درة میرحیدر، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، سیمرغ، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۴.
- ۸- تنوور هرزل، صهیونیزم چه می خواهد، ترجمه بهرام محسن پور، سازمان کاوشن، ۱۳۶۰.
- ۹- محمد رضا حکیمی، العیا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد اول.

## منابع درس دوم

- ۱- پروفسور کاسمنسکی، ترجمه صادق انصاری و محمد باقر مؤمنی، تاریخ قرون وسطی، انتشارات نشر اندیشه، تهران، ۱۳۵۳.
- ۲- محمد رشاد، جنگهای صلیبی، انتشارات بانک بازرگانی ایران.
- ۳- شهید مرتضی مطهری، علل گرایش به مادیگری.
- ۴- دکتر علی شریعتی، ویژگیهای قرون جدید.
- ۵- آبن ژیلسون، روح فلسفه قرون وسطی، ترجمه ع. داود، مؤسسه مطالعات فرهنگی و شرکت علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۶- استاد داود فیرحی، جزوی درس تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (ب)، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، قم، سال تحصیلی ۷۲-۷۳.
- ۷- استاد تقیبزاده، جزوی درس تاریخ روابط بین الملل (الف)، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، قم، سال تحصیلی ۷۰-۷۱.

### منابع درس سوم

- ۱- جواد منصوری، شناخت استکبار جهانی، مؤسسه آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷.
- ۲- کوارلز پنجمین، ترجمه ابراهیم یونسی، سیاهان آمریکا را ساختن، انتشارات خوارزمی، تهران، مرداد ۱۳۵۵.
- ۳- آلن گاری، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، هیچکس جرأت ندارد آن را توطئه بنامد، مؤسسه خدمات فرهنگی رسانه، چاپ اول، آبان ۱۳۶۳.
- ۴- علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، دارالكتب الاسلامیه، جلد ۶.
- ۵- سعید الجزايري، ترجمه عباس سعیدی‌فر، سازمانهای اطلاعاتی و جهان، انتشارات سکه، چاپ اول، خرداد ۱۳۶۳.
- ۶- داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید.
- ۷- مجتبی امیری، ریچارد نیکسون و روایی رهبری آمریکا در جهان، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۸ - ۷۷، ص ۳۳.
- ۸- اریک دیویس، ترجمه ایرانی طلب، جنگ خلیج، افسانه‌ها و واقعیت‌ها، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۸ - ۷۷، ص ۶۲ و ۸۰ - ۸۹، ص ۶۲.

### منابع درس چهارم

- ۱- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲، ج ۱ و ۲.
- ۳- محمد ترکمان، مدرس در پنج دوره تقدیمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷.

### منبع درس پنجم

- ۱- دکتر م. محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.

### منابع درس ششم

- ۱- امام خمینی(ره)، صحیفه نور، جلد های ۲، ۳ و ۴.
- ۲- همایون الهی، امپریالیسم و عقب‌ماندگی، انتشارات اندیشه، تهران، ۱۳۶۷.
- ۳- همایون الهی، دیکتاتوری کارتلها، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۴- اسناد لانه جاسوسی، شماره‌های ۱۶ و ۳۴.
- ۵- نیکلا سرکیس، ترجمه ارسلان ثابت سعیدی، نفت، تنها و آخرین شانس خاورمیانه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

- ۶- رضا رئیس طوسی، نفت و بحران انرژی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۳.
- ۷- ترجمه احمد تابنده، روند سلطه‌گری، چاپ آشنا، ۱۳۶۳.
- ۸- علی باقری، خاورمیانه و سیاست بین‌المللی، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) قم.
- ۹- پازدۀ خرداد، چرا آمریکا ایران را مسلح می‌کند، انتشارات پانزده خرداد.
- ۱۰- ترجمه پیروز الف، سیاست خارجی آمریکا در دهه ۱۹۸۰، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۱- ریچارد کاتم، ترجمه محمدعلی آتش‌برگ، ایالات متحده آمریکا و جنگ سرد، نشر بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۲- محمد فاتح، پنجاه سال نفت، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۳- ابراهیم رزاقی، قراردادهای نفتی یا اسناد خیانت، انتشارات روزیهان، تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۴- مجله العالم، شماره ۳۸۹
- ۱۵- بولتن خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۱ و ۲، مریوط به مرداد ۱۳۷۱

### منابع درس هفتم

- ۱- دانشکده اطلاعات، نظم نوین، انتشارات نشر و تبلیغ پژوهی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲- زان کریستف روفن، ترجمه هوشنگ لاهوتی، امپراتوری و بربرهای جدید: نظم نوین جهانی، انتشارات پازنگ، تهران، ۱۳۷۱.
- ۳- حسن قاسمی، اروپای واحد از دیدگاه بازاریابی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۴- عباس فرجبخش، نظم نوین جهانی و دمکراسی جدید، انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۲.
- ۵- نیشونا - لی - ربکا، ترجمه علی اکبر نوشین، نظم نوین جهانی و رهبری سازمان ملل متحد، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۴-۷۳، ۱۳۷۲.
- ۶- احمد نقیب‌زاده، وحدت اروپا و مسائل فرهنگی آن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۶-۶۵، ص ۱۰.
- ۷- مهاجرنیا، نظم نوین جهانی، کیهان ۱۵ و ۱۶ آذر ۱۳۷۱.
- ۸- تائب، درس سیاست خارجی قدرتی‌های بزرگ، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) قم، نیمه اول سال تحصیلی ۷۳-۷۴.
- ۹- محمد جعفر جواد، درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) قم، سال تحصیلی ۷۱-۷۲.

### منابع درس هشتم

- ۱- منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲- جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲، جلد ۱ و ۲.
- ۳- جواد منصوری، شناخت و تحلیل سیاسی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.